إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا

الحمد للہ والمنۃ کہ سہ رسائل امام محمد بن عبد الوہاب قدس سرہ مشتمل بر بیان کبائر المسلمات

اصول الایمان
فضل الاسلام
کتاب الکبائر

بحسب فرمایش شیخ حافظ بہادر الدین صاحب عفی اللہ عنہ باہتمام محمد دتو
در مطبع محمدی واقع لاہور مطبوع گردید

باران مگر خدا و نمیداند هیچ نفس که در کدام زمین خواهد مرد بجز الله و نمیداند کسی که قائم خواهد شد قیامت
مگر الله مبارک و بلند است و روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و از انس بن مالک است
راضی شود خدا از و گفت و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر آینه خدا زیاده خوش شونده است بتوبه بنده خود
وقتیکه توبه میکند از یکی شما که باشد بر شتر خود پس بگریزد از و و بر آن خوردنی و آشامیدنی او باشد
پس نا امید شود از یافتن آن پس بیاید بدرختی پس بخسپد در سایه آن تحقیق نا امید شده باشد از
شتر خود پس در آن وقت و بر همان حال باشد ناگاه وی بر شتر خود باشد ایستاده نزدیک پس بگیرد
مهار وی را پس بگوید از نهایت خوشی ای خدا یا تو بنده ما هستی و من پروردگار تو خطا شد
از کثرت خوشی روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و از ابو موسی راضی شود خدا از و
آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود هر آینه خدای تعالی کشاید دست خود را بشب تا که توبه کند گناه کننده روز
و میکشاید دست خود را در روز تا که توبه کند گنهگار شب تا وقتی که طلوع کند آفتاب از مغرب روایت
کرده است این را مسلم و از عمر رضی الله عنه است گفت آورده شد بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم بندیان قوم هوازن
پس ناگاه یک زن از قیدیان میدوید ناگاه یافت یک کودک را در میان قیدیان پس گرفت او را
پس چسپانید او را بشکم خویش شیر داد او را پس گفت نبی صلی الله علیه و سلم آیا می بینید این زن را افگننده
پسر خود در آتش گفتیم نه قسم بخدا پس فرمود الله خدا زیاده مهربان است بر بندگان خود از
زن بر پسر خود و از ابی هریره است راضی شود خدا از و گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم
وقتی که پیدا کرد خدا مخلوق را نوشته کرد در کتاب پس آن کتاب نزدیک او بالای عرش است هر آینه
مهربانی من غلبه کرده است بر غضب من روایت کرده است این را بخاری و مسلم و از ابو هریره است
آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود که داده است الله تعالی رحمت را صد حصه پس نگاهداشت نزد خود نود و نه
حصه و گذاشت در زمین یک حصه را پس از آن حصه باهم مهربانی میکنند مخلوقات تا آنکه برمیدارد
حیوان سم خود را از بچه خود از ترس رسیدن ایذا باو و در مسلم است از روایت سلمان
و در است هر رحمت بقدر پری آنچه در میان آسمان و زمین است پس چون روز قیامت شود کامل کند آنرا

بسم الله الرحمن الرحیم

این کتابیست موسوم باصول الایمان مؤلفه شیخ امام محمد بن عبد الوهاب و زیاده
پسران او زیادتی خوب گفت رحمت کند براو خدا تعالی باب در بیان معرفت
روایت است از ابو هریره گفت گفته است رسول خدا صلی الله علیه وسلم من غنی ترین شریکانم
که کند عملی را که شریک مقرر کند در آن عمل با من میگذارم او را با شرک وی روایت
حدیث را مسلم و روایت است از ابو موسی گفت خاست رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ما به پنج
سخن گفت الله تعالی خواب نمیکند و نه لائق است او را خواب که دون تنگ میکند رزق را و فراخ
میکند آنرا بالا میبرد بسوی خدا عمل شب پیش از عمل روز و عمل روز پیش از عمل شب حجاب
اگر بردارد آن پرده را البته خواهد سوخت انوار روی او چیزیرا که میرسد بآن چشم او
روایت کرده است این حدیث را مسلم و روایت است از ابو هریره رسیده برسول الله که دست
پرست نزده است صرف شب و روز آیا دیدید آنچه خرج کرده است از وقتی که پیدا کرده است آسمانها
پس تحقیق آن خرج ناقص نکرده است چیزیرا که در دست راست اوست و ترازو در دست دیگر اوست
آنرا او زیر میکند روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و روایت است از ابو هریره گفت دید
دو گوسپند را که باهم میزدند پس گفت ای ابا هریره آیا میدانی که برای چه چیز باهم میزنند گفتم
الله لکن خدا میداند و زود است که حکم خواهد کرد در میان این هردو روایت کرده است این
و از ابو هریره است نیز آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم خواندند این آیت را هر آئینه خدا امر میکند شما را که ادا ک
تا آن تا قول وی عز و جل هر آئینه خدا است شنونده بینا و می نهاد هر دو انگشت خود را بر گوش
انگشتانی که قریب آن هردو است بر چشمهای خود روایت کرده است این حدیث را ابو داود و از
ابن عمر است رضی شود خدا از ایشان آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم گفت کلید های غیب پنج است نمی
داند آنها را مگر خدا نمیداند آنچه در فردا است مگر الله و نمیداند آنچه ناقص میکند رحمها مگر الله و نمیداند که

[illegible] الله والنهار منصوبان على الظرف اى دائمة الصب فى الليل والنهار ١٢ مرقات

از وحی خود بانچه اراده کرده است باز میگذرد و جبرئیل بر فرشتها هرگاه که میگذرد و بر آسمانی سوال کنند از و فرشتهای آن که چه فرمود پروردگار ما ای جبرئیل پس گوید فرمود حق و اوست بلند و بزرگ پس گویند همه ایشان مانند آنچه گفت جبرئیل پس میرساند جبرئیل وحی را بآنجا که امر کرده است او را خدای عزوجل روایت کرده است این حدیث را ابن جریر و ابن خزیمه و طبرانی و ابن ابی حاتم و لفظ حدیث ابن ابی حاتم است باب در بیان قول الله تعالی تعظیم نکردند خدا را حق تعظیم وی حال آنکه زمین همه در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده شده باشد در دست راست وی پاک است او و بلند است از آنچه شریک مقرر میکنند باوی و از ابوهریره رضی الله عنه است گفت او شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم میفرمود در مشت خواهد گرفت خدا زمین را و به پیچد آسمانها را در دست راست خود و گوید منم پادشاه کجاست پادشاهان زمین روایت کرده است این را بخاری و از ابن عمر است رضی الله عنه روایت میکرد از رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود هر آئینه خدا در مشت خواهد گرفت زمین ها را روز قیامت و باشند آسمانها در دست راست وی باز گوید منم پادشاه و در دیگر روایت است از ابن عمر آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود این آیت را یکروز بر منبر و تعظیم نکردند خدا را حق تعظیم وی حال آنکه زمینها همه در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده شده در دست راست وی پاک است او را و بلند است از آنچه شریک مقرر میکنند باوی حال آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم میکرد اینچنین بدست خود یعنی میجنبانید آن را و پیش و پس میبرد آن را بزرگی بیان میکند رب نفس خود را میگوید منم اختیار منم بزرگ روایت کرده است این را احمد روایت کرده است مسلم از عبیدالله بن مقسم آنکه نظر کرد بسوی عبدالله بن عمر که چگونه حکایت میکند از رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود رسول الله بگیرد خدا آسمانها و زمینهای خود را در هر دو دست خود پس گوید منم پادشاه و بند کند انگشتان خود را و بگشاید آن را پس گوید منم پادشاه تا آنکه نظر کردم منبر که می جنبید زیر ترین جزو تا آنکه هر آینه من میگفتم آیا افگنده است منبر رسول خدا را صلی الله علیه وسلم و در صحیحین است از عمران بن حصین رضی الله عنه

باب قول الله تعالی وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیامة والسموات مطویات بیمینه [illegible]

۲۰۷

[illegible]

بلندست آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود نزول میکند پروردگار ما که مبارک و بلندست در هر شب وقتیکه میماند سوم حصه آخر شب میگوید کیست که میخواند مرا تا اجابت کنم او را کیست که سوال کند از من تا بدهم او را و کیست که بخشش طلب کند از من تا بیامرزم او را در بخاری و مسلم ست این حدیث و از ابوموسی اشعری ست رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بهشت ست از زر آوندهای آن و آنچه در آن ست و نباشد در میان بهشتیان و در میان نظر کردن به پروردگار خود مگر چادر بزرگی بر روی مبارک او در بهشت همیشگی روایت کرده است این را بخاری باب بیان قول خدای بلندست تا آنکه دور کرده شود از دلهای ایشان گویند چه فرمود پروردگار شما گویند سخن حق و او بلند و بزرگ است از ابن عباس ست رض گفت و حدیث بیان کرد مرا مردی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم در آنوقت ایشان نشسته بودند یکشب با رسول خدا صلی الله علیه وسلم ناگاه زده شد ستاره پس روشن شد پس گفت او چه میگفتید وقتیکه زده میشد به مانند این گفتند بودیم ما میگفتیم زائیده شده است امشب شخص کلان یا مرده است کلان پس فرمود هر آئینه آن زده نمیشود برای مرگ کسی و نه برای زندگانی او ولکن پروردگار ما وقتی که کند حکمی را تسبیح گویند بردارندگان عرش تا آنکه تسبیح گویند اهل آسمان آنچه قریب ایشان است تا آنکه میرسد تسبیح با اهل آسمان دنیا پس گویند کسانی که قریب حمله عرش اند چه فرمود پروردگار شما پس خبر میدهند ایشانرا با آنچه فرموده است پس طلب خبر میکنند اهل آسمانها بعض ایشان از بعضی تا آنکه میرسد خبر اهل آسمان دنیا را پس می ربایند جن شنیدن را پس می اندازند آنرا بدوستان خود پس آنچه بیارند آنرا بر وجهی که شنیده اند پس آن حقست و لکن ایشان خلط میکنند در آن دروغ را و زیاده میکنند در آن روایت کرده است این حدیث را مسلم و ترمذی و نسائی و از نواس بن سمعان است رض گفت فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتیکه اراده کند خدا آنکه وحی کند بکار سخن کند بوحی میگیرد آسمانها را از آن زلزله یا فرمود لرزش از جهت خوف خدا عز و جل پس چون بشنود آن سخن را اهل آسمانها بیهوش شوند و بیفتند خدا را سجده کنان پس باشند نخستین کسیکه بالا کند سر خود را جبرئیل پس سخن میکند با و

از ابوهریره گفت او فرمود رسول خدا صلعم فرموده است خدای تعالی ایذا میدهد مرا پسر آدم
دشنام میدهد زمانه را و منم زمانه در دست ماست کار میگردانم شب و روز را باب در بیان
ایمان بقدر و قول الله تعالی هر آینه کسانی که گذشته است برای ایشان از طرف ما نیکی ایشان
از دوزخ دور شدگانند و قول خدای تعالی و خدا پیدا کرده است شما را و آنچه میکنید و قول
خدای تعالی هر آینه ما هر چیز را پیدا کردیم باندازه و در صحیح مسلم است از عبد الله بن عمرو بن
العاص که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر آینه خدا اندازه کرده است تقدیرهای مخلوقات را
پیش از پیدا کردن آسمانها و زمین به پنجاه هزار سال فرمود رسول الله صلعم و عرش او تعالی بر آب
بود و از علی بن ابی طالب است رض گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم نیست هیچ یکی از شما مگر
نوشته کرده شده است جای او از آتش و جای او از جنت گفتند اصحاب رسول خدا آیا اعتماد
نکنیم بر نوشته خود و بگذاریم عمل را فرمود رسول الله عمل کنید پس هر یکی توفیق داده میشود چیزی
را که پیدا کرده شده است مر آن چیز را اما آنکه باشد از اهل نیک بختی پس توفیق داده خواهد شد
عمل اهل نیک بختی را و اما آنکه باشد از اهل بدبختی پس توفیق داده خواهد شد مر عمل اهل
بدبختی را باز خواند رسول الله پس هر که داد در راه خدا و پرهیزگاری کرد و تصدیق
کرد کلمه توحید را پس توفیق خواهیم داد او را برای عمل کردن شریعت آسان اتفاق
کرده شده است بروی از مسلم بن یسار است گفت او سوال کرده شد عمر بن الخطاب رض
از این آیت پس گفت عمر شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و سلم که سوال کرده شد از این آیت پس فرمود
او هر آینه خدا پیدا کرد آدم را باز مسح کرد پشت او را بدست راست خود پس بیرون کرد
از او اولاد را پس فرمود خدا پیدا کردم اینکسان را برای جنت و بعمل اهل جنت عمل
خواهند کرد و باز مسح کرد پشت او را پس بیرون کرد از او اولاد را پس گفت پیدا
کردم این کسان را برای دوزخ و بعمل اهل دوزخ عمل خواهند کرد پس گفت یکمرد ای رسول خدا
٥٤ پس در چه چیز است عمل پس فرمود او هر آینه خدا چون پیدا کند بنده را برای جنت

عن ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلعم قال الله تعالی یؤذینی ابن آدم یسب الدهر وانا الدهر بیدی الامر اقلب اللیل والنهار وقوله تعالی ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنها مبعدون وقوله تعالی والله خلقکم وما تعملون وقوله تعالی انا کل شیء خلقناه بقدر وفی صحیح مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان الله قدر مقادیر الخلائق قبل ان یخلق السموات والارض بخمسین الف سنة قال وعرشه علی الماء وعن علی بن ابی طالب رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما منکم من احد الا وقد کتب مقعده من النار ومقعده من الجنة قالوا یا رسول الله افلا نتکل علی کتابنا وندع العمل قال اعملوا فکل میسر لما خلق له اما من کان من اهل السعادة فسییسر لعمل اهل السعادة واما من کان من اهل الشقاوة فسییسر لعمل اهل الشقاوة ثم قرأ فاما من اعطی واتقی وصدق بالحسنی فسنیسره للیسری متفق علیه عن مسلم بن یسار قال سئل عمر بن الخطاب عن هذه الآیة واذ اخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم فقال عمر سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم سئل عنها فقال ان الله خلق آدم ثم مسح ظهره بیمینه فاستخرج منه ذریة فقال خلقت هؤلاء للجنة وبعمل اهل الجنة یعملون ثم مسح ظهره فاستخرج منه ذریة فقال خلقت هؤلاء للنار وبعمل اهل النار یعملون فقال رجل یا رسول الله ففیم العمل فقال ان الله اذا خلق العبد للجنة

9

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اقبلوا البشرى يا بني تميم قالوا قد بشرتنا فاعطنا قال اقبلوا البشرى يا اهل اليمن اذ لم يقبلها بنو تميم قالوا قبلنا جئناك لنتفقه في الدين ولنسألك عن اول هذا الامر ما كان قال كان الله ولم يكن شيء قبله وكان عرشه على الماء وكتب في اللوح المحفوظ ذكر كل شيء ثم اتاني رجل فقال يا عمران ادرك ناقتك فقد ذهبت فانطلقت اطلبها

گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم قبول کنید مژده را ای بنی تمیم گفتند تحقیق مژده دادی ما را
پس چیزی بده ما را فرمود رسول الله قبول کنید مژده را ای اهل یمن گفتند تحقیق قبول
کردیم ما پس خبر ده ما را از اول این امر فرمود بود خدا و پیش از هر شی و بود عرش او بر آب و
نوشت در لوح محفوظ بیان هر شی گفت عمران پس آمد مرا یکی آینده پس گفت ای عمران رها
شده ماده شتر تو از زانو بند خود گفت عمران پس رفتم در پس آن پس نمیدانم که چه بود پس از
من و از جبیر بن محمد بن مطعم است که روایت میکرد از پدر خود و پدرش از جد او گفت او
آمد یک صحرا نشین پر رسول الله صلعم پس گفت ای رسول الله در تکلیف افتادند نفسها و ضائع شدند
عیال و هلاک شدند مالها پس باران طلب کن برای ما از پروردگار خود هر آینه ما شفیع میکنیم
ترا بخدا و خدا را بتو پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم افسوس ترا آیا میدانی که چه میگوئی و تسبیح
فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس همیشه بود که تسبیح میگفت تا آنکه شناخته شد هیبت آن در رویهای
اصحاب وی باز فرمود افسوس است ترا هر آینه شان نیست که شفیع کرده میشود خدا بکسی از
مخلوق او شان خدا بزرگ است از شفیع شدن افسوس است ترا آیا میدانی هر آینه عرش او بر آسمان
های او البته همچنین است و اشارت کرد با نگشتان خود مانند خیمه بر آسمان و هر آینه عرش آواز
میکند بخدا مانند آواز پالان بسوار روایت کرده است این را ابو داود و از ابو هریره رض
گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم گفت خدای تعالی دروغگو میسازد مرا پسر آدم و لائق نیست او را این
و دشنام میدهد مرا و لائق نیست او را این پس چه دروغگو ساختن اوست مرا پس گفتن او
هرگز دوباره نخواهد کرد مرا چنانچه اول پیدا کرده است مرا حالانکه نیست اول پیدایش
آسان تر بر من از دوباره پیدا کردن و اما دشنام دادن او مرا پس گفتن اوست گرفته است
خدا ولد را و منم یگانه بی نیاز آنکه نزائیده است و نه زائیده شده است و نیست مرا مانند کسی
و در یک روایت از ابن عباس رض و اما دشنام دادن او مرا پس گفتن او مرا ولد است و پاک
مرا از آنکه بگیرم زن یا فرزند را روایت کرده است این را بخاری و مر بخاری و مسلم راست

فنحنت في اثرها ... ناقتك من عقالها فقال ... كان بعدك وعن جبير بن محمد بن جبير بن مطعم عن ابيه عن جده قال اتى اعرابي الى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال يا رسول الله جهدت الانفس وضاع العيال ونهكت الاموال وهلكت الانعام فاستسق لنا ربك فانا نستشفع بك على الله ونستشفع بالله عليك فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم سبحان الله فما زال يسبح حتى عرف ذلك في وجوه اصحابه ثم قال ويحك انه لا يستشفع بالله على احد من خلقه شان الله اعظم من ذلك ويحك اتدري ما الله ان عرشه على سمواته لهكذا وقال باصابعه مثل القبة عليه وانه ليئط به اطيط الرحل بالراكب رواه ابو داود وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الله تعالى كذبني ابن آدم ولم يكن له ذلك وشتمني ولم يكن له ذلك فاما تكذيبه اياي فقوله لن يعيدني كما بداني وليس اول الخلق باهون علي من اعادته واما شتمه اياي فقوله اتخذ الله ولدا وانا الاحد الصمد الذي لم الد ولم اولد ولم يكن لي كفوا احد

۸

[illegible]

اسید بهست میرساند این حدیث را بن مسعود صلی الله علیه وسلم که فرمود رسول الله دو اجل میشود در نطفه
پس از آنکه قرار بگیرد و چهل یا چهل و پنج شب پس میگوید ای پروردگار من آیا نیک
بخت است یا بد بخت پس نوشته کرده میشود یکی از آن دو پس میگوید ای پروردگار من آیا
مرد است یا زن پس نوشته کرده میشود یکی از آن دو و نوشته کرده میشود عمل او و عمر او و اجل او و
رزق او و باز پیچانیده میشود کاغذ تا پس زیادت کرده نمیشود در آن و نه نقصان کرده میشود
در آن روایت کرده است این حدیث را مسلم و در صحیح مسلم است از عائشه رض گفت خوانده شد
رسول الله صلعم بجنازه بچه از انصار پس گفتم خوشی است او را بنجشکی است از بنجشکان بهشت
نکرده است گناهی را و نیافته است او را گناه پس فرمود رسول الله آیا اعتقاد داری این را
ای عائشه و حال آنکه حق غیر این است هر آینه خدا پیدا کرد بهشت را اهلی پیدا کرده بود ایشان را
برای بهشت و حال آنکه ایشان در کمرهای پدران خود بودند و پیدا کرد دوزخ را اهلی پیدا
کرده بود ایشان را برای دوزخ و حال آنکه ایشان در کمرهای پدران خود بودند و از ابن
عمر است رض گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر چیز باندازه است تا آنکه عاجزی و هوشیاری
و از قتاده است در قول الله تعالی فرود می آید فرشتها و جبرئیل در آن شب برای سرانجام
هر کار باذن پروردگار خود گفت او حکم کرده میشود در آن شب هر چیزی که میشود در آن
سال تا مانند آن روایت کرده است این را عبد الرزاق و ابن جریر و محمد بن نصر و روایت کرده
شده است معنی این از ابن عباس و حسن و ابو عبد الرحمن سلمی و سعید بن جبیر و مقاتل و از
ابن عباس است رض که گفت او هر آینه خدا پیدا کرد لوح محفوظ را از مروارید سفید بر دو
وقایه او از یاقوت سرخ است قلم او نور است و کتاب او نور است عرض او بقدر آنچه
در میان آسمان و زمین است نظر میکند در آن هر روز سه صد و شصت نظر پیدا میکند در
هر نظر و زنده میکند و می میراند و عزت میدهد و ذلیل میکند و میکند آنچه خواهد پس این است معنی
قول خدا تعالی هر روز روایت کرده است این را عبد الرزاق و ابن منذر و طبرانی و حاکم

11

بهیکرداندا و را بعمل اهل بهشت تا وقتیکه بمیرد بر عملی از اعمال اهل جنت پس داخل میشود به
سبب آن بهشت را و چون پیدا کند بنده را برای دوزخ عامل میگرداند او را بعمل اهل
دوزخ تا وقتیکه بمیرد بر عملی از اعمال اهل دوزخ پس داخل شود به سبب آن در دوزخ
روایت کرده است این را مالک و حاکم و گفته است و بر شرط مسلم است و روایت کرده
است این را ابو داود از وجه دیگر از مسلم بن یسار از نعیم بن ربیعه از عمر و گفته است
اسحق بن راهویه حدیث گفت مر ابقیه گفت او خبر داد مرا زبیدی که محمد بن الولید است از
راشد بن سعد از عبد الرحمن بن ابی قتاده که روایت میکرد از پدر خود و او از هشام بن
حکیم بن حزام آنکه شخصی گفت ای رسول خدا آیا کرده میشود اعمال یا تمام کرده شده
است حکم پس فرمود او هر آئینه خدا چون بیرون کرد اولاد آدم را از پشت او گواه کرد
ایشان را بر نفس ایشان باز انداخت ایشان را در دست خود پس گفت این کسان برای بهشت اند
و اینکسان برای دوزخ اند پس اهل بهشت توفیق داده میشوند مر عمل اهل بهشت را و اما
اهل دوزخ توفیق داده میشوند مر عمل اهل دوزخ را و از عبد الله بن مسعود است رض گفت
او حدیث فرمود مارا رسول خدا صلی الله علیه و سلم که او راست گو است تصدیق کرده شده هر آئینه یک
از شما جمع کرده میشود پیدائش او در شکم مادر خود چهل روز نطفه باز میشود خون بسته مانند
آن باز میشود قطعه گوشت مانند آن باز میفرستد الله تعالی او را فرشته بچهار سخن پس نوشته
میکند عمل او را و اجل او را و رزق او را و بدبخت است یا نیک بخت باز میدمد در وی روح را
پس قسم بآن ذات که نیست لائق عبادت غیر او هر آئینه یک از شما البته عمل میکند بعمل اهل
بهشت تا آنکه نمیماند در میان وی و در میان بهشت مگر یک ذراع پس غالب میشود بر وی
کتاب پس عمل میکند بعمل اهل دوزخ پس داخل میشود بدوزخ و هر آئینه یک از شما البته
عمل میکند بعمل اهل نار تا آنکه نمیماند در میان وی و بهشت مگر یک ذراع پس غالب میشود
بر وی کتاب پس عمل میکند بعمل اهل بهشت پس داخل میشود در آن و از حذیفه بن

١٠

عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال حدثنا رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو الصادق المصدوق ان احدكم يجمع خلقه في بطن امه اربعين يوما ثم يكون علقة مثل ذلك ثم يكون مضغة مثل ذلك ثم يبعث الله اليه ملكا باربع كلمات ...

... رسول الله اتبتدئ الاعمال ام قد قضي القضاء فقال ان الله لما اخرج ذرية ادم من ظهره ...

رواه احمد وعن ابي خزامة عن ابيه قال قلت يا رسول الله ارايت رقى نسترقيها ودواء نتداوى به وتقاة نتقيها هل ترد من قدر الله شيئا قال هي من قدر الله

اگر مردی و نبودی براین عقیده داخل شوی بدوزخ روایت کرده است اینحدیث را احمد و
از ابی خزامه است که روایت میکرد از پدر خود که گفت او گفتم ای رسول خدا صلعم خبر ده مرا
از فسونی که فسون میکنیم بآن و دوائی که دوا میکنیم بآن و سپری که نگاه میکنیم خود را بآن آیا
رد میکنند از قدر خدا چیزی را فرمود این همه از قدر خداست روایت کرده است اینحدیث را
احمد و ترمذی و حسن گفته است او را و از ابو هریره رض که فرمود رسول خدا صلعم مؤمن قوی
بهتر و دوست تر است بخدا از مؤمن ضعیف و در هر یک خیر است حرص کن بر آنچه نفع رساند به
تو و مدد خواه از خدا پس اگر رسید ترا چیزی پس مگو اگر میکردم من میشد چنین و چنان و لیکن بگو
مقدر کرده بود و خدا آنچه خواست کرد پس هر آینه لو میگشاید عمل شیطان را روایت کرده است
اینحدیث را مسلم باب ذکر فرشتها بر ایشان باد سلام و ایمان آوردن بایشان و قول خدای تعالی
نیست نیکی آنکه بگردانید رویهای خود را بطرف مشرق و مغرب و لیکن صاحب نیکو کاری است
که باور دارد خدا و روز قیامت و فرشتگان را و کتاب و پیغمبران او و قول او تعالی هر آینه
کسانیکه گفتند پروردگار ما خداست باز استقامت کردند نازل میشوند بر ایشان فرشتگان
که مترسید و اندوه مخورید و خوشحال شوید به بهشتی که شما را وعده داده میشد و قول او تعالی
ننگ نمی دارد عیسی از آنکه باشد بنده خدا و نه فرشتگان مقرب ننگ می دارند و قول او تعالی و او
راست هر که در آسمانها و زمین است و آنانکه نزدیک او هستند سرکشی نمیکنند از عبادت او
و مانده نمیشوند تسبیح میگویند شب و روز سستی نمی نمایند و قول او تعالی گرداننده فرشتگان را
پیغامبران گردانیده ایشان را خداوند بازوها دوگان دوگان و سه گان سه گان و چهارگان
چهارگان و قول او تعالی آنانکه برمیدارند عرش را و آنانکه گرداگرد عرش اند تسبیح میگویند
همراه ستایش پروردگار خویش و ایمان می آرند باو و آمرزش میخواهند برای مومنان تا آخر
آیه و از عائشه رض است که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم پیدا کرده شده است فرشتها از نور
و پیدا کرده شده است جن از شعله آتش و پیدا کرده شده است آدم از آنچه بیان کرده شده

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم المؤمن القوي خير واحب الى الله من المؤمن الضعيف وفي كل خير احرص على ما ينفعك واستعن بالله ولا تعجز وان اصابك شيء فلا تقل لو اني فعلت كان كذا وكذا ولكن قل قدر الله وما شاء فعل فان لو تفتح عمل الشيطان رواه مسلم

باب ذكر الملائكة عم وقول الله تعالى ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب ولكن البر من آمن بالله واليوم الآخر والملائكة والكتاب والنبيين الاية وقوله تعالى ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة ألا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون وقوله تعالى لن يستنكف المسيح ان يكون عبدا لله ولا الملائكة المقربون وقوله تعالى وله من في السموات والارض ومن عنده لا يستكبرون عن عبادته ولا يستحسرون يسبحون الليل والنهار لا يفترون وقوله تعالى جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع وقوله تعالى الذين يحملون العرش ومن حوله يسبحون بحمد ربهم ويؤمنون به ويستغفرون للذين آمنوا الاية وعن عائشة رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه

١٣

گفته است ابن قیم رح بعد ذکر این احادیث و آنچه در معنی اینست پس این تقدیر یومی است
و آنچه پیش ازینست تقدیر حولی ست و آنچه پیش ازوست تقدیر عمری ست نزدیک
تعلق روح بوی و آنچه پیش ازوست همچنین ست نزد اول پیدایش او و بودن او پاره
گوشت و آنچه پیش ازوست تقدیر پیش بودن او لکن پس از پیدا کردن آسمانها و زمین
به پنجاه هزار سال و هر یک ازین تقدیرات مانند تفصیل ست از اندازه پیش و درین دلیل ست
بر کمال علم رب و قدرت او و حکمت او و زیادت تعریف خودست ملائکه را و بندگان مومنان
خود را به نفس خود و نامهای خود باز گفته است او پس متفق شد این احادیث و مانند این احادیث
منع نمیکند عمل را و نه واجب میکند تکیه کردن بر قدر بلکه واجب میکند جد و کوشش را و ازین
سبب چونکه شنید بعضی صحابه این احادیث را گفت او نبودم من زیاده تر کوشش کننده
از کوشش کردن من الحال و گفت ابو عثمان نهدی سلمان را هر آینه من باول کار زیاده خوشم
از خوشی خود بآخر آن و این بسبب آنست که چون باشد که تحقیق پیش گذشته است او را
مرتبه بلند و تیار کرده است او را و توفیق داده است او را برسیدن بآن مرتبه باشد خوشی او
بآن پیش نوشته شده است او را از طرف خدا زیاده تر از خوشی او بآن اسبابی که می آرد
آن مرتبه را و از ولید بن عباده است گفت او که داخل شدم بر پدر خود حال آنکه او بیمار بود می
بینداشتم در و مرگ را پس گفتم ای پدر من وصیت کن مرا و کوشش کن در وصیت من پس گفت
بنشانید مرا پس چون نشانیدند او را گفت ای پسرک من هر آینه تو نخواهی یافت مزه ایمان را
و نخواهی رسید بحقیقت علم بخدای مبارک و بلند تا آنکه ایمان آری به نیک و بد قدر گفتم
ای پدر من چگونه باشد مرا آنکه بدانم نیک و بد قدر را گفت او بدان آنکه چیزی که خطا
کرده است ترا نیست که برسد بتو و چیزیکه رسیده است بتو نیست که خطا کند ترا ای پسرک من
هر آینه من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود اول چیزیکه پیدا کرده است آنرا خدا قلم است
گفت بنویس پس جاری شد در همان ساعت با آنچه بودنی ست تا روز قیامت ای پسرک من

قال ابن القیم رح لما ذکر هذه الاحادیث ومعانیها فقال فهذا تقدیر یومی والذی قبله تقدیر حولی والذی قبله تقدیر عمری عند تعلق النفس به والذی قبله کذلک عند اول تخلیقه وکونه مضغة والذی قبله تقدیر سابق علی وجوده لکن بعد خلق السموات والارض والذی قبله تقدیر سابق علی خلق السموات والارض بخمسین الف سنة وکل واحد من هذه التقادیر کالتفصیل من القدر السابق وفی ذلک دلیل علی کمال علم الرب وقدرته وحکمته وزیادة تعریفه الملائکة وعباده المومنین بنفسه واسمائه ثم قال فاتفقت هذه الاحادیث ونظائرها علی ان القدر السابق لا یمنع العمل ولا یوجب الاتکال علیه بل یوجب الجد والاجتهاد ولهذا لما سمع بعض الصحابة ذلک قال ما کنت باشد اجتهادا منی الآن وقال ابو عثمان النهدی لسلمان لانا باول الامر اشد فرحا منی بآخره وذلک لانه اذا کان قد سبق له من الله سابقة وهیأه ویسره للوصول الیها کان فرحه بالسابقة التی سبقت له من الله اعظم من فرحه بالاسباب التی تأتی بها وعن الولید بن عبادة قال دخلت علی ابی وهو مریض اتخایل فیه الموت فقلت یا ابتاه اوصنی واجتهد لی فقال اجلسونی فلما اجلسوه قال یا بنی انک لن تطعم طعم الایمان ولن تبلغ حقیقة العلم بالله تبارک وتعالی حتی تؤمن بالقدر خیره وشره قلت یا ابتاه وکیف لی ان اعلم ما خیر القدر وشره قال تعلم ان ما اخطأک لم یکن لیصیبک وما اصابک لم یکن لیخطئک یا بنی انی سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول ان اول ما خلق الله القلم ثم قال اکتب فجری فی تلک الساعة بما هو کائن الی یوم القیامة یا بنی

معنی را ابن عباس و گفته است غیر ابن عباس صاحب مره ای صاحب قوت گفته است خدای تعالی
در صفت او همه آینه این قرآن سخن فرشته بزرگست صاحب قوت نزدیک صاحب عرش با مرتبه است
یعنی او را قوت و جنگ سخت ست و او را جاه و مرتبه بلند بالا و بزرگیست و ازین سبب او دلیلچی در میان
خدا و در میان پیغمبران او و به تحقیق می آمد بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم در صفات گوناگون و به تحقیق دیده
بود پیغمبر او را بر آن صفت که پیدا کرده است او را خدا بر آن دو بار و او را شش صد بازو بود
روایت کرده است این را بخاری از ابن مسعود و روایت کرده است امام احمد از عبد الله گفت
او دید رسول الله صلی الله علیه وسلم جبرئیل علیه السلام را در صورت اصلی او که شش صد بازو بود و او را هر بازو و از آن
بند کرد کناره افق و از بازوی او مروارید و یاقوت آن قدر که خدا بآن عالم است اسناد این حدیث
قویست و از عبد الله بن مسعود است رض گفت او دید رسول الله صلی الله علیه وسلم جبرئیل را در جامه از سبز
تحقیق پر کرده بود میان آسمان و زمین روایت کرده است این را مسلم و از عائشه است رض
آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دیدم جبرئیل را فرود آینده تحقیق پر کرده بود هر دو طرف آسمان و
زمین را بر او کالای ابریشم نازک بود آویزان بود بآن جامه ها مروارید و یاقوت روایت
کرده است این را ابو الشیخ و ابن جریر است از ابن عباس که گفت معنی جبرئیل و میکائیل هم
بنده خداست و هر اسمی که در آن ایل باشد پس آن بمعنی بنده خداست و مر ابن جریر
راست از علی بن حسین مانند آن و زیاده کرده است او و اسرافیل بمعنی بنده رحمن و
روایت کرده است طبرانی از ابن عباس که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم آیا خبر نکنیم شما را
به بهترین فرشتها جبرئیل ست و از عمران جونی ست آنکه او رسید او را اینکه جبرئیل آمد پیش
رسول خدا صلی الله علیه وسلم و حال آنکه میگریست او پس فرمود او را پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چه چیز میگریاند ترا
گفت او و چیست مرا که نگریستم پس قسم بخدا خشک نشده است چشم من از وقتی که پیدا کرده است
خدا دوزخ را از ترس آنکه نافرمانی کنم او را پس بیفگند مرا در دوزخ روایت کرده است
این را احمد در زهد و مر بخاری راست از ابن عباس رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم جبرئیل را

15

١٤

روایت کرده است این را مسلم وثابت شده است در بعض احادیث معراج آنکه رسول الله صلعم را ظاهر کرده شد بیت معمور آنکه در آسمان هفتم است و گفته شده است در ششم که در مرتبه کعبه است در زمین واو در برابر کعبه است عزتا ودر آسمان بلند عزت کعبه است در زمین و ناگاه شان این بود که داخل میشد در آن هر روز هفتاد هزار فرشته باز نمیگردند بآن تا بآخر آنچه برای ایشانست و از عائشه است رض گفت و فرمود رسول خدا صلعم نیست در آسمان بقدر جای یک قدم مگر بر آن ملکیست سجده کننده یا ملکیست ایستاده پس اینست مضمون قول فرشتگان و هر آئینه ما صف کنندگانیم و هر آئینه ما تسبیح گویندگانیم روایت کرده است این را محمد بن نصر و ابن ابی حاتم و ابن جریر و ابو الشیخ و روایت کرده است طبرانی از جابر بن عبد الله رض که گفت و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم نیست در آسمانهای هفت بقدر جای یک قدم و نه یک بالشت مگر در آن فرشته است ایستاده یا فرشته است سجده کننده یا فرشته است رکوع کننده پس چون شود روز قیامت گویند عبادت نکردیم ترا حق عبادت تو مگر آنکه شریک مقرر نکردیم با تو چیزی را و از جابر است که گفت و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم دستوری داده شدم آنکه بیان کنم حال یک فرشته از فرشتگان خدا از برداربندگان عرش درمیان نرمه گوش او تا گردن او مسافت هفتصد سال است روایت کرده است این را ابو داود و بیهقی در کتاب اسماء وصفات و ضیاء در مختاره پس از سرور ایشان جبرئیل است و بتحقیق وصف کرده است او را خدا تعالی بامانت و خوب صورتی و قوت پس گفته است خدا تعالی آموخته است او را فرشته با قوت صاحب حسن پس راست ایستاد آن فرشته و از شدت قوت خود برداشت شهرهای قوم لوط علیه السلام را و بودند هفت با آنچه در آن شهرها بودند از گروهها و بودند قریب چهار لک و آنچه همراه ایشان بود از دواب و حیوانات و آنچه در آن شهرها بود از زمینها و عمارات بر طرف بازوی خود تا آنکه رسانید آنرا بابر آسمان تا آنکه شنید فرشتگان آواز سگان و مرغان ایشان پس نگونسار کرد پس گردانید بالای آنرا زیر آن پس اینست معنی با قوت و قول خدا تعالی صاحب حسن ای صاحب صورت خوب و تازگی و رونق یعنی گفته است

انکه رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه خواند پس ستایش گفت خدا را و تعریف او کرد و باز گفت هر چه پس
از حمد و ثناست ای مردمان خبر این نیست من آدمی هستم نزدیک است آنکه بیاید مرا فرستاده
پروردگار من پس اجابت خواهم کرد و هر آینه من گذارنده ام در شما دو چیز نفیس اول آن هر دو
کتاب خداست در آن هدایت و نورست پس بگیرید کتاب خدا را و چنگ زنید باو پس بر انگیخت
مردمان را بر کتاب خدا و رغبت داد در عمل کردن بآن باز گفت و اهل بیت من است و در روایتی آمده
است کتاب خدا اوست رسن خدا که کسیکه پیروی او کرد هست بر هدایت و کسیکه ترک کرد آنرا
هست بر گمراهی روایت کرده است این حدیث را مسلم و مر مسلم راست در حدیث کلان جابر آنکه
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود در خطبه روز عرفه و تحقیق گذاشته ام در شما چیزیرا که اگر چنگ زنید بآن هرگز
گمراه نخواهید شد بعد آن چنگ زدن کتاب خداست و شما سوال کرده خواهید شد از من
پس چه خواهید گفت گفتند ایشان گواهی خواهیم داد آنکه تحقیق تو رسانیدی و ادا کردی
و نصیحت کردی پس اشارت کرد بانگشت سبابه بالا میکرد آنرا بطرف آسمان و زیر میکرد
آنرا بطرف مردمان و گفت سه بار ای خدا گواه باش و روایت است از علی رضی الله عنه گفت او
شنیدم از پیغمبر صلی الله علیه وسلم که میفرمود هر آینه قصه این است زود است که پیدا خواهد شد فتنها
پس گفتم چیست بیرون شدن از آن ای پیغمبر خدا فرمود کتاب خداست در آن خبر آنچه
پیش از شماست و پس از شما و حاکم است در آنچه واقع شود در میان شما اوست جدا کننده
نیست مسخره که گذاشت آنرا سرکشی شکستاند او را خدا و کسیکه طلب کند راه را در غیر این کتاب
گمراه کند او را خدا و اوست رسن خداست محکم و اوست پند با حکمت و اوست راه راست
اوست آنکه تغیر داده نمیتوانند او را اهل هواها و ملتبس نمیشود باو زبانها و سیر نمیشوند ازو علماء
و کهنه نمیشود از بسیار تکرار و تمام نمیشود عجائب او و اوست آنکه توقف نکردند جن وقتیکه
شنیدند آنرا تا آنکه گفتند هر آینه ما شنیدیم قرآن عجیب را که دلالت میکند براه راست پس ایمان
آوردیم بآن کسیکه سخن کرد بآن راست گفت و کسیکه عمل کرد بآن ثواب داده شد و کسیکه حکم

نمیشوند از شما اگر درسه وقت قضای حاجت و جنابت و غسل پس وقتی که غسل کند
یکی از شما بر میدان پس باید که پرده کند بجامه خود یا به نیم دیوار یا بغیر آن گفته است حافظ
ابن کثیر و معنی کرام آنکه حیا کرده شود از ایشان پس رسانیده نشود با ایشان آن اعمال بد که مینویسند
آنرا پس هر آینه خدا تعالی پیدا کرده است ایشانرا بزرگ در صورت و خوب گفته است آنکه
معنای کلامش نیست که از بزرگی ایشانست آنکه ایشان نمیروند بخانه که در آن سگ باشد
یا صورت یا جنب یا میکر و همراه نمیشوند با گروه مسافر که همراه ایشان سگ باشد یا زنگله
روایت کرده است مالک و بخاری و مسلم از ابی هریره آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم
فرمود که پی یکدیگر میآید در شما فرشتگان در شب و فرشتگان در روز و جمع میشوند در نماز بامداد و
نماز دیگر باز بالا میروند آن فرشتگان که شب مانده بودند در شما پس سوال میکند از ایشان پروردگار
ایشان و او داناتر است بایشان چگونه گذاشتید بندگان مرا پس گویند گذاشتیم ایشانرا در حالیکه
نماز میخواندند و آمدیم بایشان و ایشان نماز میخواندند و در روایتی است آنکه ابو هریره گفت
بخوانید اگر خواهید و لازم گیرید نماز فجر هر آینه نماز فجر حاضر میشود او را فرشتگان
و روایت کرده است امام احمد و مسلم حدیثی جمع نمیشود هیچ قوم در خانه از خانهای خدا که میخوانند
در آن کتاب خدا را و با هم سبق میدهند آنرا در بین خود مگر نازل میشود بر ایشان آرامی و می
پوشد ایشانرا رحمت و گرد میشوند ایشانرا فرشتگان و یاد میکند ایشانرا خدا در کسانیکه نزد او
هستند و کسیکه سست کند او را عمل او پیش نخواهد کرد او را نسب او و در مسند و سنن است که هر آینه
فرشتگان البته می نهند بازوهای خود را برای طالب علم را از جهت خوشی بآنچه او میکند و احادیث
در ذکر ایشان بسیار است **باب** در بیان صحبت کردن بکتاب خدای غالب بزرگ و در
بیان قول او تعالی پیروی کنید چیزی را که فرو فرستاده شده است بشما از پروردگار شما و
پیروی مکنید دوستانی را که سوای خدا اند اندکی پند میگیرید در روایتیست از زید بن ارقم رضی

ازان شیطان است میخواند مردمانرا بآن راه و خواند و هر آینه این راه ماست برابر پس پیروی کنید آنرا و پیروی راهها نکنید پس پراگنده کند شما را از راه خدا این حکم کرده است شما را تا که پرهیزگار شوید روایت کرده است این حدیث را احمد و دارمی و نسائی و روایت است از ابوهریره که گفت او بود مردمان از صحابهٔ پیغمبر صلی الله علیه وسلم نوشته میکردند از توریت پس ذکر کردند این را برسول خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود هر آینه جاهل ترین اهل جهالت و گمراه ترین اهل ضلالت قومیست که روگردانی کردند از چیزیکه آمده است با آن پیغمبر ایشان بایشان بطرف نبی غیر نبی ایشان و بطرف امتی غیر امت ایشان پس نازل کرد خدا آیا کافی نیست ایشانرا آنکه ما نازل کردیم بر تو کتاب خوانده میشود بر ایشان هر آینه درین کتاب رحمت و پند است مر قومی را که ایمان می آرند روایت کرده است این حدیث را اسماعیلی در معجم خود و ابن مردویه و روایت است از عبدالله بن ثابت بن حارث انصاری که گفت داخل شد عمر بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بکتابی که در آن بعضی از توریت بود پس گفت عمر این کتاب را گرفتم از مردی از اهل کتاب عرض میکنم آنرا بر تو پس متغیر شد روی رسول خدا صلی الله علیه وسلم ... اگر نازل شود موسی و تابعداری کنید او را و گذاشته باشید مرا گمراه خواهید شد ... شما حصه شمائید از امتها ... روایت است این حدیث را عبدالرزاق و ابن سعد و حاکم در کنی

باب در بیان حقوق نبی صلی الله علیه وسلم

قول خدا تعالی ای مومنان فرمانبرداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید رسول را و صاحبان امر را تا آخر آیه و قول خدا تعالی و برپا کنید نماز را و بدهید زکوة را و فرمانبرداری پیغمبر کنید تا که رحم کرده شوید و قول خدا تعالی ... پس بگیرید آنرا و آنچه نهی کند شما را از آن پس باز شوید از آن تا آخر ... و روایت است از ابوهریره رضی که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم امر کرده شدم که جنگ کنم با مردمان تا آنکه گواهی دهند آنکه نیست لائق عبادت مگر خدا و ایمان آرند بمن و بآنچه آمدم با آن پس چون کنند این را نگاه کردند از من خونها و مالهای خود را مگر بحق آن کلمه و حساب ایشان بر خدا است روایت کرده است این را مسلم و مرتکبا ...

عصموا منی دماءهم و اموالهم الا بحقها و حسابهم علی الله عز و جل رواه مسلم

وما كان ربك نسيا رواه البزار وابن ابي حاتم والطبراني ولم يكن لينسى شيئا عنه فهو عفو فاقبلوا من الله عافيته فان الله فهو حرام وما سكت فهو حلال وما حرم قال ما احل الله في كتابه وعن ابي الدرداء مرفوعا رواه الترمذي وقال غريب صراط مستقيم فمن دعي اليه هدي الى

کرد بآن انصاف کرد وکسیکه خواند بطرف او هدایت کرده شد براه راست روایت کرده است این
را ترمذی وگفته این حدیث غریب است و روایت است از ابو الدرداء رسانیده برسول خدا که فرمود او آنچه
حلال کرده است خدا در کتاب خود پس آن حلال است و آنچه حرام کرده است پس آن حرام است و آنچه
سکوت ورزیده است از آن پس آن عفو است پس قبول کنید از خدا عفو او را پس هر آئینه خدا
نیست که فراموش میکند چیزی را باز خواند و نیست پروردگار تو فراموش کننده روایت کرده
است این را بزار و ابن ابی حاتم و طبرانی و روایت است از ابن مسعود رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم
فرمود بیان کرده است خدا مثالی را راه راست بر هر دو طرف آن راه دو دیوار در آن دو دیوار
دروازها گشاده شده و بر آن دروازها پردهای افگنده شده و نزد سر راه خواننده است
که میگوید برابر آئید بر راه و کج نشوید بالای آن خواننده است که میخواند هر گاه که قصد کند بنده
آنکه کشاید چیزی را ازین دروازها گوید او افسوس است ترا مکشا دروازه را پس هر آئینه اگر کشادی
او را داخل شوی در آن باز تفسیر کرد آن مثال را پس خبر داد آنکه آن راه اسلام است و آنکه
دروازها حرام کرده خدا است و پردهای افگنده شده حدهای خدا است و خواننده بر سر راه
قرآن است و خواننده از بالای او وعظ خدا است در دل هر مومن روایت کرده است این
حدیث را رزین و روایت کرده است این را ترمذی و نواس بن سمعان مانند آن و روایت است
از عائشه رض گفت او خواند رسول خدا صلی الله علیه وسلم او است آنکه نازل کرده است بر تو کتاب
بعضی از آن آیات واضح المعنی است پس خواند قول او و پند نمیگیرد مگر صاحبان خرد گفت عائشه
فرمود او پس وقتیکه به بینید کسانی را که پیروی متشابهات قرآن میکنند پس آنان کسانند که نام
نهاده است ایشان را خدا پس بترسید از ایشان اتفاق کرده شده است بر این حدیث و روایت
است از عبد الله بن مسعود رض گفت او خط کشید برای ما رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود او این راه
خدا است باز کشید خطها از طرف راست و چپ او و فرمود این راهها است بر هر راه

وعن ابن مسعود رضي الله عنه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ضرب الله مثلا صراطا مستقيما وعن جنبتي الصراط سوران فيهما ابواب مفتحة وعلى الابواب ستور مرخاة وعند راس الصراط داع يقول استقيموا على الصراط ولا تعوجوا وفوق ذلك داع يدعو كلما هم عبد ان يفتح شيئا من تلك الابواب قال ويحك لا تفتحه فانك ان تفتحه تلجه ثم فسره فاخبر ان الصراط هو الاسلام

۲۰

وان الابواب المفتحة محارم الله وان الستور المرخاة حدود الله وان الداعي على راس الصراط هو القرآن وان الداعي من فوقه هو واعظ الله في قلب كل مؤمن رواه رزين ورواه احمد والبيهقي في شعب الايمان عن النواس بن سمعان وكذا الترمذي عنه الا انه ذكر اخصر منه وعن عائشة رضي الله عنها قالت تلا رسول الله صلى الله عليه وسلم هو الذي انزل عليك الكتاب منه آيات محكمات قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم فاذا رأيت الذين يتبعون ما تشابه منه فاولئك الذين سمى الله فاحذروهم متفق عليه وعن عبد الله بن مسعود قال خط لنا رسول الله صلى الله عليه وسلم خطا ثم قال هذا سبيل الله ثم خط خطوطا عن يمينه وعن شماله وقال هذه سبل على كل سبيل منها شيطان يدعو اليه

اگر به پایست شما او غلامی حبشی پس هر آینه شان نیست کسیکه زنده ماند از شما پس از من پس خواهد
دید اختلاف بسیار را پس لازم گیرید سنت مرا و سنت خلفاء راه یابندگان هدایت کرده شدگان را
چنگ زنید بآن و بگزید آن را به دندانها و نگاه دارید خود را از کارهای نو پیدا پس هر آینه
هر نو پیدا بدعت است و هر بدعت گمراهی است روایت کرده است این حدیث را ابو داود و
ترمذی و صحیح کرده است این را و ابن ماجه و در روایتی است گذاشتم شما را بر راه سفید کسیکه
آن مانند روز است کج نمیشود از آن مگر هلاک شده مازل
ماند از شما پس خواهد دید اختلاف بسیار بسیار پس بیان کرد حدیث را مانند آن و در مسلم است از
جابر رض که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر چه پس از حمد است پس بهترین سخن کتاب خدا است
و بهترین طریقه طریقه محمد است و بدترین کارها نو پیدای آنهاست و هر بدعت گمراهی است و در
بخاری است از ابو هریره که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم تمام امت من داخل خواهد شد
به بهشت مگر کسیکه انکار کرد گفته شد کیست آنکه انکار کرد فرمود کسیکه فرمانبرداری من کرد
داخل شود به بهشت و کسیکه نافرمانی من کرد پس تحقیق انکار کرد و در بخاری و مسلم است از انس
که گفت و آمدند سه نفر بزنان رسول خدا صلی الله علیه وسلم سوال میکردند از عبادت رسول خدا پس چون
خبر شدند بآن گویا ایشان کم دانستند آن را پس گفتند ایشان کجاییم ما از رسول خدا صلی الله علیه وسلم و حال
آنکه بخشیده است او را خدا آنچه پیش گذشته است از گناه او و آنچه پس است پس گفت یکی
از ایشان هر چه هستم پس نماز خوانم در شب همیشه و گفت دیگر من روزه گیرم در روز همیشه و افطار
نکنم و گفت دیگر من کناره شوم از زنان پس نکاح نکنم هیچ وقت پس آمد رسول خدا صلی الله علیه وسلم بایشان
پس فرمود شما آنانید که گفتید چنین و چنان خبردار باشید هر آینه من ترسنده ترین شما
ام مر خدا را و پرهیزگارترین شما ام مر او را لکن من روزه میگیرم و افطار میکنم و نماز می
خوانم و خواب میکنم و نکاح میکنم با زنان پس کسیکه نفرت کند از سنت من پس نیست از
من و از ابو هریره رض از آنکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود پیدا شده است اسلام غریب

٢٢

از انس که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم سه خصلت ست کسیکه باشد در آن هر سه او
یابد شیرینی ایمان را آنکه باشد خدا و رسول او دوست تر باو از آنچه غیر ایشانست و آنکه دوست
دارد آدمی را دوست نمیدارد او را مگر برای خدا و آنکه ناخوش میدارد رجوع کردن در کفر
بعد از آنکه خلاص کرد او را خدا از آن چنانچه ناخوش میدارد آنکه افگنده شود در دوزخ
و مر هردو روایت از انس رسیده برسول خدا ایمان نمی آرند یکی از شما تا آنکه شوم من دوست
تر به او از پسر او و مادر او و پدر او و مردمان همه و روایت ست از مقدام بن معدیکرب
رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود نزدیک ست که باشد آدمی تکیه کننده بر تخت خود شنوانیده
میشود او بحدیثی از حدیث من پس گوید درمیان من و درمیان شما کتاب خدای غالب و
بزرگ ست پس آنچه یابیم در آن از حلال حلال شماریم آنرا و آنچه یابیم از حرام حرام شماریم آنرا
خبردار و هر آینه آنچه حرام کرده ست رسول خدا مانند آنست که حرام کرده است خدا روایت
کرده ست این حدیث را ترمذی و ابن ماجه **باب** در بیان باعث کردن رسول خدا صلی الله علیه
بر لازم گرفتن سنت و ترغیب بر آن و گذاشتن بدعات و تفرق و اختلاف و ترسانیدن
از آن و قول خدای بلند هر آینه تحقیق هست شما را در رسول خدا پیروی نیک کسی را که توقع
میداشت ثواب خدا و توقع میداشت روز آخر و یاد کرد خدا را بسیار و قول خدای بلند
هر آینه کسانی که پراگنده کردند دین خود را و گروه گروه شدند نیستی از ایشان در هیچ چیز
آخر آیه و قول خدای بلند مقرر کرد برای شما از آئین آنچه امر کرده بود باقامت آن نوح را
و آنچه وحی فرستادیم بسوی تو و آنچه امر کردیم باقامت آن ابراهیم و موسی و عیسی را با این
مضمون که قائم کنید دین را و متفرق مشوید در آن تا به آخر آیه و روایت است از عرباض
بن ساریه رض که گفت او وعظ کرد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم وعظی کامل جاری شد از آن چشمها
و ترسید از آن دلها پس گفت گوینده گویا این وعظ جدائی کننده است پس چیست آنچه و صیت
میکنی ما را آن پس فرمود وصیت میکنم شما را به پرهیزگاری خدا و بشنیدن حکم امیر و فرمان

خورد و پیر شود در آن کلان او گرفته شود آن سنت میرود و مردمان بر آن پس وقتیکه تغیر
داده شود از آن چیزی گفته شود تغیر داده شده سنت گفته شد که باشد آن ای یا عبد
الرحمن گفت وقتیکه بسیار شود قاریان شما و کم شود فقهاء شما و بسیار شود مالهای شما و کم شود
امینان شما و طلب کرده شود دنیا بعمل آخرت و طلب علم شود برای غیر دین روایت
کرده است این حدیث را دارمی و از زیاد بن جریر است که گفت او فرمود مرا عمر آیا می شناسی که
چه چیز ویران میکند اسلام را گفتم نه فرمود او ویران میکند او را لغزش عالم و مجادله منافق
به کتاب و حکم پادشاهان گمراه کننده روایت کرده است این حدیث را هم دارمی و روایت است از
عبد الله ابن عمر رضه که گفت او هر عبادت که نکرده باشد آنرا اصحاب رسول خدا صلعم پس مکنید آنرا این آینه
اول نگذاشته است آخر را جای سخن پس بترسید از خدا ای گروه قاریان و بگیرید عبادت از
کسانیکه پیش از شما بودند روایت کرده است این حدیث را ابو داود و روایت است از ابن مسعود رضه
گفت او کسیکه اقتدا کننده باشد پس اقتدا کند به کسیکه بتحقیق مرده است پس هر آینه زنده
گمان امین باشند نمیشود بر او از فتنه ایشانند اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم بودند بهترین این امت نیکو
ترین امت از روی دل و زیرکترین ایشان از روی علم و کمترین ایشان از روی تکلیف
برگزیده بود ایشانرا خدای برای صحبت نبی خود صلعم و برای راست کردن دین خود پس
بشناسید ایشانرا فضل ایشان و بروید بر قدمهای ایشان و چنگ زنید بانچه میتوانید از
اخلاق ایشان و خوی ایشان پس بتحقیق ایشان بودند بر راه راست روایت کرده است
این حدیث را رزین و روایت است از عمرو بن شعیب از پدر خود از جد او که گفت او شنید رسول خدا
صلعم اختلاف قومی در قرآن پس فرمود جز این نیست که هلاک شدند کسانیکه پیش از شما بودند
بانیکه زدند بعض کتاب خود را به بعض و جز این نیست که نازل شده است کتاب خدا تصدیق
میکند بعض او بعض را پس تکذیب مکنید بعض او را به بعض پس آنچه دانید از آن پس گوئید
آنرا و آنچه ندانید پس سپارید بداننده آن روایت کرده است این حدیث را احمد و ابن ماجه

٢٥

وعن عمرو بن شعيب عن ابيه عن جده قال سمع النبي صلى الله عليه وسلم قوما يتدارؤن في القرآن فقال انما

البته بگردد غریب چنانچه پیدا شده است و روایت کرده است این حدیث را مسلم و روایت از عبدالله
بن عمرو که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم مومن نیست یکی از شما تا آنکه شود هوای او تابع چیزی را
که آمده من با آن روایت کرده است این حدیث را البغوی در شرح السنه و صحیح کرده است آن را
نووی و هم از وست که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم البته بیاید بر امت من چنانچه آمده بود بر بنی
اسرائیل مانند برابری پیزار به پیزار تا آنکه اگر بود در میان ایشان کسیکه می آمد با مادر خود در ظاهر البته
باشد در امت من کسیکه کند آنرا و هر آینه بنی اسرائیل متفرق شدند بر هفتاد و دو طریق و زود است
که متفرق شود امت من بر هفتاد و سه راه همه ایشان در دوزخ باشند مگر یک گروه گفتند
کدام است آن گروه ای رسول خدا فرمود آنچه من و اصحاب من بر آنند روایت کرده است این حدیث را
ترمذی و هم مسلم است از ابوهریره رسیده برسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه خواند بسوی راه راست مر او را
از ثواب مانند ثواب های کسیکه پیروی او کرد ناقص نمیکند از ثوابهای ایشان چیزی را و کسیکه
خواند بطرف گمراهی مر او راست از گناه مانند گناهان کسیکه پیروی او کرد ناقص نمیکند آن از گناهان
ایشان چیزی را و روایت از ابومسعود انصاری که گفت او آمد یک شخص برسول خدا صلی الله علیه وسلم
شأن این است که سنبد کرده شده هم پس سوار کن مرا پس فرمود رسول الله نیست نزد من پس گفت
یک شخص ای رسول خدا من دلالت خواهم کرد او را بر کسیکه سوار کند او را پس فرمود رسول
الله ص کسیکه دلالت کند بر نیکی پس او را مانند ثواب کننده است و روایت از عمرو بن عوف
برسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه زنده کند سنتی از سنت من که مرده شده باشد پس از من پس هر آینه مر او را
است از ثواب مانند ثواب کسیکه عمل کند بآن ناقص نمیکند از ثوابهای مردمان چیزی را و کسیکه
پیدا کند بدعت که خوش نمیدارد آنرا خدا و رسول او پس هر آینه ...... بر وی مانند گناه
کسی است که کند آنرا از مردمان ناقص نمیکند آن از گناهان ایشان چیزی را روایت کرده
است این حدیث ترمذی و حسن گفته است او را و ابن ماجه و این لفظ اوست و روایت
از ابن مسعود رض آنکه او گفت چگونه باشید وقتیکه بپوشد شما را فتنه که پرورش یابد در آن

۲۴

نخواهد بحث امورشی پس بحث نکنید از آن انحدیثی ست حسن روایت کرده است این را دار قطنی و غیر
او و در صحیحین ست از ابو هریره رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آنچیزی که منع کنم شما را از آن
پس پرهیز کنید از آن و آنچیز که امر کنم شما را بآن پس بیائید بآن هر قدر که توانید پس جز این
نیست که هلاک شد کسیکه بود پیش از شما بسبب بسیاری سوالها و اختلاف بر انبیاء خود و در روایت
ست از ابن مسعود رض که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم خوش دارد خدا بنده را که شنید
سخن ما را و یاد کرد آنرا و نگهداشت آنرا و رسانید آنرا این پس بسا بردارنده علم زیرک نباشد و
بسا بردارنده علم رساننده باشد بکسی که داناتر باشد از وی سه چیز ست که خیانت نمیکند در آن
دل مسلمان خالص عمل ست مر خدا را و خیرخواهی ست مر مسلمانان را و لازم گرفتن جماعت ایشان ست پس
هر آئینه دعا ایشان میرسد کسی را که پس ایشان اند روایت کرده است این را شافعی و بیهقی در مدخل
و روایت کرده ست انحدیث را احمد و ابن ماجه و دارمی از زید بن ثابت و در روایت ست از عبد الله
بن عمرو که گفت و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم علم دین سه چیز ست آیت محکم ست یا سنت ثابت
یا فریضه عادله و آنچه غیر اینست زیادتی است روایت کرده ست این حدیث را ابو داود و ابن ماجه و در روایت ست از ابن
عباس رض که گفت و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه گوید در قرآن بفکر خود پس باید که تیار کند جای خود را
در دوزخ و در روایتی ست کسیکه گوید در قرآن بغیر علم پس باید که تیار کند جای خود را در
دوزخ و در روایت ست از ابو هریره رض که گفت و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه فتوی داده شد
فتوی بی اصل پس جز این نیست گناه او بر کسی ست که فتوی داده ست و کسیکه اشارت کند
بسوی برادر خود به کاری که میداند که بهتر در غیر آنست پس تحقیق خیانت کرد روایت
کرده ست انحدیث را ابو داود و در روایت ست از معاویه آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرده ست
از غلوطات مشکل روایت کرده ست این را هم ابو داود و در روایت ست از کثیر بن قیس که گفت
بودم نشسته با ابو الدردا در مسجد دمشق پس آمد بک آدمی پس گفت ای ابو الدردا بدرستیکه من آمدم
پیش تو از مدینه رسول صلی الله علیه وسلم بسبب حدیثی که رسیده ست بمن از تو که تو بیان میکنی آنرا از رسول خدا صلی الله علیه وسلم

باب دربیان برانگیختن بر طلب علم و کیفیت طالب درین باب ست حدیث صحیحین در
عذاب قبر که هرآینه عذاب داده شد میگوید شنیده بودم ازمردمان که میگفتند چیزی راپس
میگفتم آنرا و در صحیحین ست از معاویه آنکه رسولخدا صلی الله علیه و سلم فرمود کسی راکه اراده خیر کند خدا از برای
میکند او را در دین و در صحیحین ست از ابو موسی رض که گفت او فرمود رسولخدا صلی الله علیه و سلم مثال آنچه
فرستاده ست مرا خدا بآن مانند باران بسیارست که رسید زمینی را پس باشد از آن یک قطعه
خوب جذب کند آب را پس برویاند گیاه خشک و تازه بسیار و باشد از آن یک قطعه سخت که
نگاه کند آب را پس نفع رساند خدا بآن مردمانرا پس بنوشند آنرا و بنوشانند و زراعت
کنند و رسید از آن زمین یک قطعه دیگر را جز این نیست که آن هموارست نه نگاه میکند
آب را و نه میرویاند گیاه را پس اینست مثال کسیکه زیرک شد در دین خدا و نفع رسانید
او را آنچه فرستاده ست مرا خدا بآن پس دانست و آموخت و مثال کسیکه بالا نکرد بآن سر را و
قبول نکرده هدایت خدا را آنچه فرستاده شده ام بآن و در صحیحین ست از عائشه رسیده برسولخدا و فتنه
که به بیند کسانرا که پیروی متشابهات قرآن میکنند پس ایشان آنانند که نام نهاده ست ایشانرا
خدا پس بترسید از ایشان و در روایتیست از ابن مسعود رض که گفت او فرمود رسولخدا صلی الله علیه و سلم
نبود هیچ پیغمبر که فرستاده بود او را خدا در امت خود دیگر بود او را از امت او دوستان و یاران
که میگرفتند سنت او را و اقتدا میکردند به امر او باز هرآینه قصه اینست که پیدا میشد پس
از ایشان ناخلف میگفتند آنچه نمیکردند و میکردند آنچه امر کرده نشدند بآن پس کسیکه جهاد کند
با ایشان بدست خود پس او مومن ست و کسیکه جهاد کند با ایشان بزبان خود پس او مومن
ست و کسیکه جهاد کند بدل خود پس او مومن ست و نیست در سوای این از ایمان بقدر یکدانه سپندان روایت
کرده است این حدیث مسلم و در روایتست از ابو ثعلبه خشنی رسیده برسول خدا که هرآینه خدا فرض کرده است
خدا فرضها پس ضایع نکنید آنرا و مقرر کرده است حدها پس تجاوز نکنید از آن و حرام
کرده است چیزهای پس نکنید آنرا و خاموش شده است از اشیا رحمت بر شما

٢٩

گم کنند ترا مادر تو آیا نیست این یهود و نصاری که میخوانند توریت و انجیل را عمل نمیکنند
بچیزی از آنچه در آن هر دو ست روایت کرده است این حدیث را احمد و ابن ماجه و روایت
از ابن مسعود رض که گفت او لازم گیرید علم را قبل از گرفتن آن و گرفتن آن رفتن اهل آنست
لازم گیرید علم را بدرستی که یکی از شما نمیداند که کی محتاج خواهد شد بآن یا احتیاج کرده شود بآنچه نزد اوست
و شتاب خواهید یافت قومها را که گویند آنکه ایشان میخوانند مردمان را بکتاب خدا و حال
آنکه انداخته است آنرا پس پشت خود لازم گیرید علم را و پرهیز کنید از بدعات و از خوض در
لایعنی و لازم گیرید دین قدیم را روایت کرده است این حدیث را دارمی و در صحیح است از
ابن عمر رسیده برسول خدا آنکه خدا قبض نمیکند علم را بکشیدن که بکشد آنرا از سینهای مردمان
ولیکن میگیرد علم را بمردن علما تا آنکه نماند عالم بگیرند مردمان پیشوایان نهایت جاهلان پس
سوال کرده شوند بی علم پس گمراه شوند و گمراه کنند و روایت است از علی رض که گفت او فرمود
رسول خدا صلعم قریب است آنکه بیاید بر مردمان زمانی که نماند از اسلام مگر نام آن و نماند از قرآن
مگر رسم آن مساجد ایشان آباد باشند و حال آنکه خالی باشند از هدایت علمای ایشان بدترین
کسانند که زیر روی آسمانند از ایشان بیرون شود فتنه و در ایشان میگردد روایت کرده
است این حدیث را بیهقی در شعب الایمان باب در بیان تشدید در طلب علم برای سمعه
کردن و مجادله نمودن روایت است از کعب بن مالک رض که گفت او فرموده است رسول خدا
کسیکه طلب کند علم تا که مقابله کند بآن با علما تا که مجادله کند بآن با بیخردان یا میگرداند
بآن روی مردمان را بخود داخل کند او را خدا در دوزخ روایت کرده است این حدیث را
ترمذی و روایت است از ابو امامه رسیده برسول خدا گمراه نشده است هیچ قوم پس از هدایت که
بودند بر آن مگر چونکه داده شدند جدال باز خواند ... نکردند آنرا با تو مگر مکابره بلکه ایشان
قومی خصومت کننده است روایت کرده است این حدیث را احمد و ترمذی و ابن ماجه و
روایت است از عائشه رض که گفت او فرموده است رسول خدا صلعم هر آئینه دشمن ترین مردمان بخدا

رواه احمد والترمذي وابن ماجة وعن عائشة رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان ابغض الرجال الى الله الألد الخصم

نه آمدم پیش تو برای حاجتی گفت ابو الدردا پس هرآئینه من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم
میفرمود کسی که سیر و بر راهی که طلب میکند در آن علم روان کند او را خدا بر راهی از راه
های بهشت و هرآئینه فرشتها می نهند بازوهای خود را برای خوشی طالب علم و هرآئینه عالم
بخشش میخواهد او را کسیکه در آسمان و زمین اند و ماهیان در میان آب و هرآئینه بهتری
عالم بر عابد مانند بهتری ماه چهاردهم است بر همه ستاره ها و هرآئینه عالمان وارثان پیغمبرانند
و هرآئینه پیغمبران میراث نگذشتند دینار و نه درهم را و هرآئینه میراث گذاشتند علم را پس
کسیکه گرفت آنرا گرفت حصه تمام را روایت کرده است این حدیث را احمد و دارمی و ابوداود
و ابن ماجه و در روایتست از ابوهریره رسیده به رسول خدا کلمه حکمت گم کرده مومن است پس هرجا
که یافت آنرا پس او سزاوارتر است به آن روایت کرده است این حدیث را ترمذی و گفته غریب است
و ابن ماجه و در روایتست از علی رض که گفت او فقیه کامل کسی است که نا امید نکند مردمان را از مهربانی
خدا و نه رخصت دهد ایشانرا در گناهای خدا و نه ایمن کند ایشانرا از عذاب خدا و نگذارد قرآن
را از روی رغبت از آن بغیر آن هرآئینه نیست خیر در عبادت که نباشد علم در آن و نیست خیر
در علمی که نباشد فهم در آن و نیست خیر در قرائت که نباشد فکر در آن و در روایتست از حسن رض
که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه آمد او را موت و حال آنکه او طلب علم میکند تا که زنده
کند بآن اسلام پس در میان او و در میان پیغمبران یک درجه است در بهشت و روایت کرده است
هر دو حدیث را دارمی **باب** در بیان گرفتن علم روایتست از ابو الدردا رض که
گفت او بودیم با رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس بالا کرد چشم خود را بطرف آسمان باز فرمود این وقتی است که
ربوده میشود در آن علم از مردمان تا آنکه قدرت نخواهند یافت بر هیچ چیز روایت کرده است
این را ترمذی و در روایتست از زیاد بن لبید رض که گفت او ذکر کرد رسول خدا صلی الله علیه وسلم چیزیرا
پس فرمود این نزدیک وقت رفتن علم است گفتم ای رسول خدا چه طور خواهد رفت علم و ما می
خوانیم قرآن را و می آموزیم پسران خود را و خواهند آموخت پسران ما پسران خود را تا بروز قیامت فرمود

بیهقی در شعب و ترمذی رست مانند آن از جابر و روایت از سعد بن ابی وقاص رض که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم قائم نخواهد شد قیامت تا وقتیکه بیرون شود قومی که بخورد بزبانهای خود چنانچه میخورد گاو بزبان خود روایت کرده است این حدیث را احمد و ابو داود و ترمذی و روایت از عبد الله بن عمرو رض رسیده برسول خدا که هر آینه خدا بد بیاند فصیح را از مردمان آنکه میگرداند زبان خود را چنانچه میگرداند گاو زبان خود را روایت کرده است اینحدیث را ترمذی و ابو داود و روایت از ابو هریره رض که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه آموخت انواع سخن تا که سلب کند بآن دلهای مردان یا مردمان قبول نشود از و در روز قیامت فرض و نه نفل روایت کرده است اینحدیث را ابو داود و روایت از عائشه رض که گفت بود سخن رسول خدا صلی الله علیه وسلم واضح میفهمید آنرا هر شخصی که میشنید آنرا و گفت عائشه رض بود رسول خدا صلی الله علیه وسلم میفرمود ما را سخن اگر میشمرد آنرا شمار کننده البته میشمرد آنرا و گفت عائشه رض که رسول خدا نمیراند سخن را مانند راندن شما روایت کرده است ابو داود بعض اینحدیث را و روایت از ابو هریره آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود وقتیکه ببینید آن بنده را که داده شده است او بی رغبتی در دنیا و کم گفتار پس نزدیک شوید از او پس تحقیق داده میشود حکمت روایت کرده است اینحدیث را بیهقی در شعب الایمان و روایت از ابو هریره رض که گفت او شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود هر آینه بعض از بیان جادو است و بعض از علم جهل است و بعض از شعر حکمت است و بعضے از گفتار وبال است و روایت از عمرو بن العاص رض آنکه او گفت روزی و حال آنکه خطبه میگفت شخصی پس گفت عمرو اگر اختصار میکرد در گفتن خود البته بهتر بود او را شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود البته دیدم یا امر کرده شدم آنکه اختصار کنم در سخن پس هر آینه اختصار همان است بهتر روایت کرده است هر دو حدیث را ابو داود

تمت

والله الموفق والمعين وهو حسبي ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

تمت

محمد الکبیر ۱

رب العلمین

آخره والحمد لله

۳۱

ت یعنی زبان آوری خود را وسیله خوردن کنند و بعض مردمان کنند باطل را حاصل کنند چیزی از دنیا و فرق در میان حلال و حرام نکنند چنانچه گاو

سخت ستیزه کننده است اتفاق شده است بر آن و روایت است از ابو وائل که روایت میکرد
از عبد الله که گفت او کسیکه طلب کند علم برای چهار چیز داخل شود در آتش یا مانند این سخن
تا که فخر کند بآن با علما یا مجادله کند بآن با بیخردان یا بگرداند بآن روهای مردمانرا
بخود و یا بگیرد بآن از پادشاهان روایت کرده است اینحدیث را دارمی و روایت است
از ابن عباس رض که گفت او مر قومی را که شنید از ایشان که مجادله میکردند در دین آیا
نشنیده اید که آنکه خدا را بندگانی هستند که بر روی افکنده است ایشانرا ترس خدا بغیر کری و گنگی و
هر آینه ایشان البته ایشانند علما خوشگویان رسا شدگان بزرگان دانایان بوقائع
خدا وقتیکه یاد کنند بزرگی خدا را رود عقلهای ایشان و شکسته شود دلهای ایشان و بند
شود زبانهای ایشان تا وقتیکه بهوش آیند از آن شتابی کنند بخدا به کارهای پاک میشمارند
نفسهای خود را با تقصیر کنندگان و هر آینه ایشانند زیرکان زورآوران و همراه گمراهان
خطاکاران و هر آینه ایشانند نیکوکاران بیزاران بسیار نمیدانند او را عبادت بسیار
و راضی نمیشوند او را باندک و نمی افکنند بر او عملهای خود را هر جا که یابی ایشانرا ایشانند
ترسندگان بیم کنندگان خوف کنندگان روایت کرده است اینحدیث را ابو نعیم گفت
حسن شنید ابن عباس از قومی که مجادله میکردند پس گفت این قومیست که سست شده اند از
عبادت و سبک شده است بر ایشان سخن و کم شده است تقوی ایشان و سخن کردند باب
در بیان کم گفتن و گذاشتن تکلف و مبالغه کردن روایت است از ابو امامه رسیده برسول
خدا که حیا و تحیر در سخن دو شاخ است از ایمان و بیحیائی و بیباکی در سخن دو شاخ است از
نفاق روایت کرده است اینحدیث را ترمذی و روایت است از ابو ثعلبه آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود
دوست ترین شما بمن و نزدیکترین شما بمن در روز قیامت بهترین شماست از روی
اخلاق و هر آینه دشمن ترین شما بمن و دور ترین شما از من زشت شماست از روی اخلاق
بسیار سخن کنندگان بی باکی کنان در کلام کشاینده گان دهن بسخنان و روایت کرده

وسنت که ذکر کند رحمن را پس موی خیزاند بوست او از ترس خدا اگر باشد مانند درختی که خشک
شده باشد برگهای او مگر بریزد از و گناهان چنانچه میریزد ازین درخت برگهای او و
هر آینه میانه روی در سنتها بهترست از کوشش در خلاف راه و سنت و در روایتست از ابو الدرداء
که گفت او وای خوب خواب هوشیاران و روزه خوردن ایشان چگونه خواهش میکنند بیداری
بیخردان را و روزه داشتن ایشانرا القدر یک ذره نیکی با تقوی و یقین بزرگترست و بهتر و بر
گزیده تر از عبادت مغروران **باب** در بیان وجوب اسلام و قول خدا تعالی و کسیکه طلب
کند سوای اسلام دینی را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از و و او در آخرت از زیان کاران است
و قول خدا تعالی هر آینه دین معتبر نزدیک خدا اسلام است و قول او تعالی و آنکه این راه منست پس
پیروی آن کنید و پیروی راههای دیگر مکنید پس پراگنده کند شمارا از راه و تا آخر آیه گفته
است مجاهد آن راهها بدعات و شبههاست و در روایتست از عائشه رض آنکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود
کسیکه نو پیدا کند در این کار ما چیزیرا که نباشد از آن پس آن رد است روایت کرده است
این حدیث را بخاری و مسلم و در روایتیست کسیکه کند عملی که نباشد بر آن امر ما پس آن ردست
و در بخاری روایتست از ابو هریره که گفت او فرموده است پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم همه امت من داخل
خواهد شد در بهشت مگر کسیکه انکار کرد و گفته شد کیست که انکار کرد فرمود کسیکه پیروی من کرد
داخل شود به بهشت و کسیکه نافرمانی کرد پس تحقیق انکار کرد و در صحیح است از ابن عباس
آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دشمن ترین مردمان بخدا سه شخص است ظلم کننده در حرم و طلب
کننده در اسلام طریقه جاهلیت را و طلب کننده خون مرد مسلمان بناحق تا که بریزاند خون
او را و داخل میشود در آن هر جاهلیت مطلق باشد یا مقیدای در شخصی نه در شخصی کتابیت باشد
یا وثنیت یا سوای این دو از هر مخالفت از آنچه آمده است با آن پیغمبران و در صحیح است از
حذیفه رض فرمود او ای گروه قاریان برابر روید برستی پس تحقیق پیشی کردید پیشی دور
پس اگر گرفتید راست و چپ را پس تحقیق گمراه خواهید شد به گمراهی دور از حق و در روایت محمد

بسم الله الرحمن الرحیم

باب در بیان فضیلت اسلام و قول خدا تعالی امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام
کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما و قول خدا تعالی بگو ای مردمان
اگر هستید در شک از دین من پس نمی پرستم کسانی را که می پرستید سوای خدا ولیکن می پرستم
آن خدا را که میمیراند شما را تا آخر آیة و قول خدا تعالی ای آنانکه ایمان آوردند بترسید از خدا و
ایمان آرید به پیغامبر تا بدهد شما را دو حصه از رحمت خود و بدهد شما را نوری که راه روید
با آن و تا بیامرزد شما را و خدا آمرزگار مهربان است و در صحیح است از ابن عمر آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم
فرمود مثال شما و مثال یهود و نصاری مانند مردی است که میگیرد مزدوری را پس فرمود
کیست که کار کند برای من از صبح تا نصف روز بر یک قیراط پس عمل کردند یهود باز فرمود
کیست که کار کند برای من از نیم روز تا نماز عصر بر یک قیراط پس عمل کردند نصاری باز فرمود
کیست که کار کند برای من از نماز دیگر تا غایب شدن آفتاب بر دو قیراط پس شما آنانید
پس غضب شدند یهود و نصاری و گفتند چیست ما را که بسیار تر ایم از روی عمل و کمتر ایم از روی مزد
فرمود خدا آیا ناقص کردم شما را از حق شما چیزی گفتند نه فرمود او این مهربانی
من است میدهم آنرا بکسی که میخواهم و در صحیح است هم از ابو هریره رضی الله عنه گفت او فرمود است
رسول خدا صلی الله علیه وسلم گمراه کرد خدا از جمعه کسانرا که پیش از ما بودند پس بود مر یهود را روز شنبه و نصاری
را روز یکشنبه پس آورد ما را خدا پس هدایت کرد ما را بر روز جمعه و همچنین ایشان تابع ما اند روز
قیامت ما پسینان اهل دنیا ایم و پیشینیان در روز قیامت و در صحیح است بغیر ذکر سند از
رسول خدا صلی الله علیه وسلم آنکه او فرمود دوست ترین دینها بخدا دین خالص آسان است و آخر رسیده روایت
از ابی بن کعب گفت او لازم گیرید راه قرآن و سنت پس هر آینه نیست بنده بر راه و سنت که
یاد کند خدا را پس جاری شود دو چشم او از ترس خدا پس که رسد او را آتش و نیست بنده بر راه

٣٥

پس گوید ای پروردگار من منم روزه پس گوید خدا هر آئینه تو بر خیری باز بیاید عملها بر این طور
پس گوید خدا هر آئینه تو بر خیری باز بیاید اسلام پس گوید ای پروردگار من منم اسلام
و توئی اسلام پس گوید خدا هر آئینه تو بر خیری بتو میگیرم امروز و بتو میدهم فرموده است خدا تعالی
و کسیکه طلب کند سوای اسلام دینی را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از و و او در آخرت
از زیانکارانست روایت کرده است این حدیث را احمد و در صحیح ست از عائشه رض آنکه رسول
خدا صلی الله علیه و سلم فرمود کسیکه عمل کند عملی که نباشد بر آن حکم ما پس آن رد ست روایت کرده است
این را احمد **باب** در بیان مستغنی شدن به پیروی قرآن از هر ما سوای آن و قول خدا تعالی
و نازل کردیم بتو کتاب را بیان کننده مر هر چیز را روایت کرده است نسائی و غیر او
از پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم آنکه او دید در دست عمر بن الخطاب ورقی از توریت پس گفت آیا متحیر شده اید
ای پسر خطاب البته آوردم شما ملت سفید صاف اگر یهود موسی عم زنده جائز نمیشد او
را الا پیروی من پس گفت عمر رض راضی شدم بخدا از روی رب و باسلام از روی دین و بمحمد از
روی نبی **باب** در بیان آنچه آمده است در بیرون شدن از دعوی اسلام و قول خدا تعالی
او نام نهاده است شما را مسلمان پیش از این و در این روایتست از حارث اشعری رض از
رسول خدا صلی الله علیه و سلم آنکه او فرمود امر میکنم شما را به پنج چیز خدا امر کرده است مرا بآن شنیدن
و فرمان برداری کردن و بجهاد و بهجرت و بجماعت پس هر آینه شان اینست کسیکه جدا شود از
جماعت بقدر یک بالشت پس تحقیق کشید رسن اسلام را از گردن خود مگر آنکه رجوع کند و کسیکه
خواندن کند بخواندن جاهلیت پس هر آینه او از جماعت دوزخ ست پس گفت شخصی ای
رسول خدا اگر چه روزه گیرد و نماز خواند فرمود اگر چه نماز خواند و روزه گیرد پس بخوانید
بآن خواندن خدا که نام نهاده است شما را بآن ای بندگان خدا مقصود و مرام از آن
مسلمانان و مومنان روایت کرده است این حدیث را احمد و ترمذی و گفته حسن صحیح است
و در صحیح ست کسیکه جدا افتد از جماعت بقدر یک بالشت پس مردن او بر حالت جاهلیت است

بن وضاح که بود او داخل میشد در مسجد پس استاده میشد بر حلقهای مردمان پس میگفت و گفت او خبر داد ما را ابن عیینه از مجاهد از شعبی از مسروق که گفت عبد الله یعنی ابن مسعود رضی نیست هیچ سال مگر آن سال که پس آنست بدتر ست از آن نگو که سالی ست ارزان تر از سالی و امیری ست بهتر از امیری لیکن رفتن علما و بهتران شماست باز پیدا شوند قومهای که قیاس امور دین کنند بفکرهای خود پس ویران کنند اسلام را **باب** در بیان تفسیر اسلام و قول خدا تعالی پس اگر مجادله کنند با تو پس بگو که منقاد کردم روی خود را و کسانی که پیروی من میکنند مر خدا را الی آخر آیة و در صحیح ست از ابن عمر رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود اسلام آنست که گواهی دهی آنکه نیست لائق عبادت سوای خدا و آنکه محمد رسول خداست و قائم کنی نماز را و بدهی زکوة را و روزه رمضان گیری و حج خانه کعبه کنی اگر طاقت راه داشته باشی بآن و در صحیح ست از ابو هریره رض مرفوع که مسلمان کسی ست که سلامت باشند مسلمانان از زبان و دست او و روایت ست از بهز بن حکیم از پدر خود از جد او و آنکه شان این ست که سوال کرده شد رسول خدا صلعم از اسلام پس فرمود او آنکه منقاد کنی دل خود را برای خدا و آنکه بگردانی روی خود را بطرف خدا و آنکه بخوانی نماز فرض کرده شده را و ادا کنی زکوة فرض را روایت کرده ست این حدیث را احمد و روایت ست از ابو قلابه از مردی از اهل شام از پدر خود آنکه شان این ست که سوال کرده شد رسول خدا صلی الله علیه وسلم که چیست اسلام فرمود آنکه متوجه کنی دل خود را بخدا و سلامت مانند مسلمانان از زبان تو و دست تو گفت سائل کدام خصلت اسلام بهتر ست فرمود ایمان گفت سائل چیست ایمان فرمود آنکه ایمان آری بخدا و فرشتگان او و کتابهای او و پیغمبران او و برانگیختن پس از مرگ **باب** در بیان قول خدا تعالی و کسیکه طلب کند غیر اسلام دینی را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از وی و روایت ست از ابو هریره رض گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بیاید عملها در روز قیامت پس بیاید نماز پس گوید ای پروردگار من منم نماز پس گوید خدا بدرستیکه تو بر خیری پس بیاید روزه

باب تفسير الاسلام وبنائه وقول الله تعالى فان حاجوك فقل اسلمت وجهي لله ومن اتبعن الآية وفي الصحيح عن ابن عمر ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الاسلام ان تشهد ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله وتقيموا الصلوة وتؤتي الزكوة وتصوم رمضان وتحج البيت ان استطعت اليه سبيلا وفيه عن ابي هريرة رض مرفوعا المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده وعن بهز بن حكيم عن ابيه عن جده انه سأل رسول الله صلعم عن الاسلام فقال ان تسلم قلبك لله وان

عزوجل ہر آئینہ خدائی بخشد آنکہ شریک مقرر کردہ شود باوی ومی بخشد چیزیرا کہ سوای

آنست مر کسی راکہ میخواہد و قول عزوجل و کیست ظالم تر از کسیکہ ببندد بر خدا دروغ

تا کہ گمراہ کند مردمانرا بغیر دانش و قول او تعالی تا کہ بردارند گناہان خود را تمام و از گناہان

کسانیکہ گمراہ کردند ایشانرا بغیر دانش خبردار باشید بدست آنچہ برمیدارند و در صحیح ست

آنکہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود در حق خوارج ہر کجا یابید ایشانرا پس بکشید ایشانرا و در صحیح است

آنکہ رسول خدا منع کردہ ہست از کشتن امیران ظالم تا گمراہ شدن ایشان **و روایت**

ست از جریر آنکہ مردی خیرات کرد بخیراتی باز پی در پے صدقہ کرد مسلمانان پس فرمود رسول

خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ طریقہ نہاد در اسلام طریقۂ خوب پس او راست ثواب آن و ثواب کسیکہ

عمل کرد بآن پس از آنکہ کم کند از ثوابہای ایشان چیزیرا و کسیکہ طریقہ نہاد در اسلام

طریقۂ جاہلیت ہست بر وی گناہ آن و گناہ کسیکہ عمل کرد بر آن نہ آنکہ ناقص کند او از

گناہان ایشان چیزیرا روایت کردہ ہست این حدیث را مسلم و مر مسلم راست از روایت

ابو ہریرہ و لفظ آن اینکہ کسیکہ خواند بہدایت باز فرمود کسیکہ خواند بگمراہی **باب**

در بیان آنکہ بند کردہ ہست خدا توبہ را بر صاحب بدعت این مرویست از حدیث انس رضی اللہ عنہ

و از مراسیل حسن و ذکر کردہ ہست ابن وضاح از ایوب گفت او بود نزدیک ما مردی کہ

میدید در رای پس گذشت آنرا پس آمدم نزد محمد بن سیرین پس گفتم آیا خبر داری آنکہ

فلان گذشت رای خود را گفت نظر کن بچہ چیز رجوع کردہ است ہر آئینہ آخر حدیث سخت

ترست بر ایشان از اول حدیث خارج شوند از اسلام باز نخواہند گشت بآن و سوال کردہ

شد احمد بن حنبل از معنی این حدیث پس گفت توفیق دادہ نمیشود او توبہ را **باب**

در بیان قول خدا تعالی ای اہل کتاب چرا مکابرہ میکنید در ابراہیم تا قول خدا و نبود و

از مشرکان و قول او تعالی و کیست کہ بگردد از ملت ابراہیم مگر کسیکہ نکاخنہ ہست نفس خود را

والبتہ برگزیدیم او را در دنیا و ہر آئینہ او در آخرت از نیکوکارانست و درین باب ست حدیث

ودر صحیح ست آیا بخواندن جاهلیت میخوانید وحال آنکه من در میان شما ام گفته ست ابوالعباس هر آنکه بیرون شود از دعوی اسلام و قرآن از نسب یا شهر یا جنس یا مذهب یا طریقه پس آن از نسبت جاهلیت ست بلکه چون مخاصمه کرد مهاجری و انصاری پس گفت مهاجری از مهاجرین و گفت انصاری از انصار فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم آیا بخوانید بخواندن جاهلیت وحال آنکه من در میان شما ام و غضب کرد از آن جهت غضب سخت تمام شد کلام او

باب در وجوب داخل شدن در اسلام تمام آن و گذاشتن ماسوای آن و قول خدای تعالی ای کسانیکه ایمان آوردند داخل شوید در اسلام تمام آن و قول خدای تعالی آیا ندیدی کسانیکه میگویند آنکه ایشان ایمان آوردند بآنچه فرود فرستاده شده است بطرف تو و بآنچه فرود فرستاده شده است پیش از تو گفته ست ابن عباس سفید شود رویهای اهل سنت و اتفاق و سیاه شود رویهای اهل بدعت و اختلاف و روایت ست از عبدالله بن عمر رض گفت و فرموده ست رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه بیاید بر امت من آنچه آمده است بر بنی اسرائیل مانند برابری پیزار با پیزار تا آنکه اگر باشد در ایشان کسیکه می آید مادر خود را آشکارا باشد در امت من کسیکه اینکار رو هر آینه بنی اسرائیل متفرق شدند هفتاد و دو گروه و متفرق خواهد شد امت من بر هفتاد و سه گروه همه ایشان در آتش باشند مگر یک گروه گفتند کدام ست آن گروه ای پیغمبر خدا فرمود آنچه من بر آنم و اصحاب من ای تعجب مر این حدیث را از روی پند اگر موافق شود از دلها تند گانی روایت کرده ست این حدیث را ترمذی و روایت کرده است این حدیث را نیز از حدیث معاویه احمد و ابوداود و در آنست هر آئینه شان این ست فتاب ست که بیرون خواهد شد در امت من قومی که سرایت کند در ایشان این بدع چنانچه سرایت میکند گزیدن سگ دیوانه بصاحب خود باقی نماند از وی رگی و نه بندی مگر داخل میشود در آن و پیش گذشته ست قول رسول الله صلی الله علیه وسلم طلب کننده در اسلام طریقه جاهلیت را

باب در بیان آنچه آمده است که بدعت سخت تر ست از کبائر از جهت قول خدا

پیش خانه شما ام بر حوض و هر آینه بر داشته شود بین مردمانی از امت من تا آنکه قصد کنم
که بدهیم ایشانرا در پرده شوند از طرف من پس گویم ای پروردگار من اصحاب من اند پس
گفته شود هر آینه تو نمیدانی چه پیدا کردند پس از تو و در صحیحین است از ابی هریره رضه آنکه
رسول خدا صلعم فرمود دوست میدارم آنکه ما ببینیم برادران خود را گفتند اصحاب آیا
نیستیم ما برادران تو ای رسول خدا فرمود شما یاران مائید و برادران ما آنانند که نیامده
اند هنوز گفتند پس چگونه شناسی کسی را که نیامده است هنوز از امت خود فرمود خبر دهید
مرا اگر مردی باشد او را اسپان سفید پیشانی و پای در میان اسپان سیاه نهایت
سیاه آیا نخواهد شناخت اسپان خود را گفتند آری پس هر آینه ایشان بیایند سفید
پیشانی و سفید دست و سفید پای از آثار وضو و من پیش خانه ایشانم بر حوض خبردار
البته منع کرده شود مردمان در روز قیامت از حوض من چنانچه منع کرده میشود
شتر گم شده آواز دهم ایشانرا خبردار بیائید پس گفته شود هر آینه ایشان بدل کردند
دین را پس از تو پس گویم باد ایشانرا لعنت و در بخاری است در آن میان من ایستاده
بودم ناگاه گروهی بود تا آنکه شناختم ایشانرا بیرون رفت مردی در میان من و
ایشان پس گفت بیائید پس گفتم بکدام سو گفت بسوی آتش قسم بخدا گفتم چیست
حال ایشان فرمود هر آینه ایشان مرتد شدند پس از تو بر پشتهای خود گردنده بر پاشنها
باز ناگاه گروهی بود پس ذکر کرد مانند آن فرمود پس نمی بینم او را خلاص شود از ایشان
مگر مانند گم شدگان شتران و در صحیحین است در حدیث ابن عباس پس گویم چنانچه
گفته است بنده صالح و بودم من بر ایشان گواه تا وقتیکه بودم در ایشان پس چون
قبض کردی مرا بودی تو نگهبان و تو بر هر چیز گواهی و در صحیحین است از ابن
عباس رضه مرفوعا نیست هیچ زائیده که زائیده میشود مگر بر اسلام پس مادر و پدر او یهودی
میگردانند او را یا نصرانی یا مجوسی چنانچه می زاید چارپائی چارپای درست اندام

خوارج و پیش گذشت و در صحیح ست آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود آل ابی فلان نیستند
دوستان من جز این نیست دوستان من پرهیزگارند و در صحیح ست همچنین از انس آنکه رسول
خدا صلی الله علیه وسلم ذکر کرده شد او را آنکه بعض صحابه گفت اما من پس نمیخورم گوشت را و گفت دیگری
اما من پس قیام شب میکنم و خواب نمیکنم و گفت دیگری اما من پس نکاح نمیکنم با زنان
و گفت دیگری اما من پس روزه میگیرم و افطار نمیکنم پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم لکن من
قیام شب میکنم و خواب میکنم و روزه میگیرم و افطار میکنم و بزنی میگیرم زنان را و میخورم
گوشت را و کسیکه نفرت کرد از سنت من پس نیست از من پس تامل کن وقتیکه بعض صحابه
اراده انقطاع کردند مر عبادت را فرموده شد در حق او این کلام سخت و مسمی کرد فعل
او را نفرت از سنت پس چیست گمان تو بغیر این از بدعات و چیست گمان تو بغیر صحابه رض

باب در بیان قول خدا تعالی پس برابر کن روی خود را برای دین مائل از همه ادیان
بامله لازم گیرید دین خدا را آن دین که پیدا کرده است مردمان را بر آن بدل نکنید دین
خدا را ولکن اکثر مردمان نمیدانند و قول او تعالی وصیت کرد بآن ابراهیم پسران خود را
و یعقوب ای پسران من هر آئینه خدا برگزیده است شما را دین پس نمیرید مگر آنکه شما مسلمان
باشید و قول او تعالی باز وحی فرستادیم بتو آنکه پیروی کن ملت ابراهیم حنیف را و نبود از
مشرکان **و** روایت است از ابن مسعود رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود هر آئینه هر نبی را
دوستان اند از پیغامبران و هر آئینه دوست من از ایشان پدر من است ابراهیم و خلیل
پروردگار من باز خواند هر آئینه نزدیکترین مردمان بابراهیم ع البته کسانند که پیروی
او کردند و این نبی ست و کسانند که ایمان آوردند و خدا دوست مومنان است روایت
کرده است این حدیث را ترمذی **و** روایت است از ابو هریره رض که گفت او فرموده است
رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه خدا نمی بیند بصورتهای شما و نه بمالهای شما ولکن می بیند بدلهای شما
و عملهای شما **و** در صحیحین است از ابن مسعود رض که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم من

پیروی آن کرد پس تحقیق نفرت کرد از اسلام و در تفسیر اسلام بسنت و ترسیدن بر اعلام
تابعین و علما ایشان از بیرون شدن از سنت و کتاب واضح شود تراسعنی قول او
تعالی وقتیکه گفت اورا پروردگار او منقاد شو و قول او تعالی و وصیت کرد بآن ابراهیم
پسران خودرا و یعقوب هم ای پسران من هرآینه خدا برگزیده است برای شما دین را پس نمیرید
مگر مسلمان و قول او تعالی و کیست که نفرت کند از ملت ابراهیم مگر کسیکه نشناخت نفس خودرا و
مانند این اصول کلان آنکه آن اصل اصول اند و مردمان از آن در غفلت اند و بشناختن
آن واضح شود معنی احادیث در این باب و امثال آن و اما آن آدمی که میخواند آن احادیث
را و مانند آن و حال آنکه او آرام کننده باشد که آن نمیرسد با و و می پندارد آنرا در قومے
که بودند پس ایمن شدند از مکر خدا پس ایمن نشود از مکر خدا مگر گروه زیان کاران و روایت
ست از ابن مسعود گفت خط کشید مارا رسول خدا صلی الله خطی باز فرمود این ست دین خدا باز خط
کشید خطها از طرف راست او و از طرف چپ و باز فرمود این راه ها بر هر راه ازین شیطان
ست که میخواند بطرف آن راه و خواند و هرآینه این راه من ست برابر پس تابعداری او کنید و
پیروی نکنید راهها را پس پراگنده کند شما را از راه خدا روایت کرده است این حدیث را
احمد و نسائی **باب** در بیان آنچه آمده است در غربت اسلام و فضیلت غربا و قول خدا تعالی
پس چرا نشدند از آن قرنها که پیش از شما بودند اهل خرد که منع کنند از فساد در زمین الا اندکی
از آن جماعت که خلاص ساختیم ایشانرا از میان ایشان تا آخر آیه **و** روایت از ابو هریره مرفوعا
پیدا شده است اسلام غریب و زود است که گردد غریب چنانچه پیدا شده بود پس خوشی ست
غربا را روایت کرده است این حدیث را مسلم **و** روایت کرده است این حدیث را احمد از حدیث
ابن مسعود و در این حدیث ست که گفته شد که غربا کیستند فرمود کشیده شدگان از قبیلها و آنانکه اصلاح
میکنند وقتیکه فساد کنند مردمان **و** مر ترمذی راست از روایت کثیر بن عبد الله از پدر
خود از جد او خوشی ست غربا را آنکه اصلاح میدهند چیزیرا که فاسد کردند مردمان از سنت من

آیاتی باشد در آن هیچ گوش بریده تا که شوید شما ...... گوش میبرید او را باز خواند
ابوهریره لازم گیرید دین خدا را آنکه بهدا کرده است مردمانرا بر آن روایت کرده است
انحدیث در صحیحین در روایتیست از حذیفه رض گفت ابعد مردمان که می پرسیدند
رسول خدا را صلعم از خیر و من میپرسیدم او را از شر از ترس آنکه بیاید مرا پس گفتم ای
رسولخدا هر آینه ما بودیم در جاهلیت و شر پس آورد ما را خدا این خیر پس آیا هست پس
ازین خیر هیچ شر فرمود آری پس گفتم و آیا هست پس ازین شر هیچ خیر فرمود آری
و در آن دودهاست گفتم و چیست دودهای او فرمود قومی باشند که عمل کنند بغیر سنت
من و بروند بغیر طریقه من نیک و بد بینی از ایشان گفتم آیا هست پس ازین خیر هیچ شر
فرمود بلی فتنه باشد سخت و خوانندگانند بر دروازه های جهنم کسیکه اجابت ایشان کرد
انداخت او را در دوزخ گفتم ای رسول خدا بیان کن حال ایشانرا برای ما فرمود
قومی است از گروه ما و سخن گویند بزبانهای ما گفتم ای رسول خدا چه حکم است مرا اگر
یافتم ایشانرا فرمود لازم گیر جماعت مسلمانانرا و امام ایشانرا گفتم پس اگر نباشد ایشانرا
جماعتی و نه امامی فرمود پس کناره شو ازین گروهها همه آن و اگرچه بگزی بیخ درخت
را تا آنکه بیاید بتو مرگ و تو بر این حال باشی روایت کرده است این حدیث را صحیحین
و زیاده کرده است مسلم باز چه چیز است فرمود باز بیرون شود دجال با او نهری باشد
و دوزخ پس کسیکه افتاد در دوزخ او واجب شد اجر او گفتم باز چه چیز است فرمود باز
قیام قیامت است گفته است ابو العالیه بیاموزید اسلام را پس وقتیکه آموختید آنرا
پس نفرت نکنید از آن و لازم گیرید راه برابر را پس هر آینه آن راه اسلام است و نگردید
از راه بطرف چپ و نه بطرف راست و لازم گیرید سنت نبی خود را و پرهیز کنید ازین
خواهشها آخر رسید کلام او فکر کن در کلام ابو العالیه ... که این است چه قدر بزرگ است
او و عالم ترین زمانه خود است آن زمانه که میترسانید در آن از آن خواهشها کسیکه

که ما نده از شما پس شتابست که ببینید اختلاف بسیار پس لازم گیرید سنت مرا و سنت خلفاء راه یابندگان هدایت شدگان را بدندان آسیا گزید آنرا و پرهیز کنید از کارهای نو پیدا پس هر آینه هر بدعت گمراهی ست گفته است ترمذی حدیثی ست حسن صحیح و روایت از حذیفه رض گفت او هر عبادتی که عبادت نکرده است آنرا اصحاب محمد پس نکنید آن عبادت را پس هر آینه اول نمانده است بر آخر این جای گفتن پس بترسید از خدا ای گروه قاریان و گیرید راه آنان که پیش از شما بودند روایت کرده است این حدیث را ابو داود و گفته ست دارمی خبر داد ما را الحکم بن مبارک خبر داد ما را عمرو بن یحیی گفت او شنیدم از پدر خود که روایت میکرد از پدر خود گفت او بودیم ما می نشستیم بر در دروازه ابن مسعود پیش از نماز صبح پس چون بیرون می آمد رفتیم با وی تا مسجد پس آمد پیش ما ابو موسی اشعری پس گفت آیا بیرون آمده است ابو عبد الرحمن گفتیم نه پس نشست با ما پس چون بیرون آمد وی گفت ابو موسی ای ابا عبد الرحمن هر آینه من دیدم درین وقت در مسجد کاری را که بد بینداشتم آنرا و ندیدم و حمد خدا راست مگر خیر گفت پس چیست آن پس گفت اگر زنده ماندی پس زود است که ببینی آنرا گفت دیدم در مسجد حلقهای جمع نشسته انتظار نماز میکردند در هر حلقه مردی بود و در دست ایشان سنگریزها بود پس میگفت امر و تسبیح بگوئید صد بار پس میگفتند صد بار پس میگفت تکبیر گوئید صد بار پس تکبیر میگفتند صد بار پس میگفت لا اله الا الله بگوئید صد بار پس لا اله الا الله میگفتند صد بار گفت ابن مسعود پس چه گفتی ایشانرا گفت ابو موسی نگفتم ایشانرا چیزی انتظار رای تو میکردم گفت و پس چرا امر نکردی ایشانرا آنکه بشمارند گناهان خود را و ضامن میشدی که ضایع نشود از نیکیهای ایشان چیزی باز گذشت تا آنکه آمد حلقه از آن حلقه ایشان پس گفت چیست این گفتند ای ابا عبد الرحمن سنگریزهاست میشماریم بآن تکبیر و تسبیح را فرمود پس بشمارید گناهان شما را پس من ضامنم که ضایع نکند از حسنات شما چیزی را افسوس است شما را ای امت محمد چه قدر شتاب است هلاکت شما اینست اصحاب پیغمبر شما

۴۳

+ یا ابا عبد الرحمن

پس ایستاده بر ایشان

حسن و روایت ست از ابوامامه که گفت او سوال کردم ابوثعلبه را چه میگوئید درین آیه ای که ای کسانیکه ایمان آوردند لازم گیرید نفسهای خود را ضرر نمیرساند شما را کسیکه گمراه شده است وقتیکه راه یابید شما گفت وآگاه باش قسم بخدا البته بتحقیق سوال کردم ازین آیت عالم را سوال کردم رسول خدا را صلی الله علیه وسلم فرمود بلکه امر کنید به نیکی و منع کنید از بدی تا وقتیکه ببینید بخل اطاعت کرده شده را و خواهش پیروی کرده شده را و دنیای برگزیده شده را و خوشی هر صاحب رای را برای خود پس لازم گیرید نفس خود را و بگذار امر عوام را پس هر آئینه پس از شما روزها اند صبر اندران روزها مانند در مشت گرفتن اخگرست مر عامل را دران روزها ثواب پنجاه آدمست که عمل کنند مانند عمل شما گفتیم پنجاه آدم از ما یا از ایشان فرمود بلکه از شما روایت کرده است این حدیث را ابوداود و ترمذی و روایت کرده است ابن ماجه نیز این حدیث را از روایت ابن عمر و الفاظ آن اینکه هر آئینه پس از شما روزها اند صبر کننده را دران روزها چنگ زننده بدین خود باشند آنچه شما اید بران امروز مر او راست ثواب پنجاه شخص از شما یا گفت خبر کرد ما را محمد ابن سعید تمیر داد ما را اسد گفت سفیان عیینه از اسلم البصری از سعید برادر حسن مرفوع میکرد این حدیث را که فرمود رسول خدا هر آئینه شما امروز بر حجتی هست از پروردگار خود امر میکنید به نیکی و منع میکنید از بدی و جهاد میکنید در راه خدا و ظاهر نشده است در شما مستی جهل و مستی حب عیش و شتاب ست که بگردید ازین حالت پس تمسک کننده آنروز به کتاب و سنت مر او راست ثواب پنجاه گفته شد از ایشان فرمود بلکه از شما و ابن ماجه روایت است از معافر که گفت او گفت رسول خدا صلی الله علیه وسلم خوشی ست غریبان را آن غریبان که چنگ میزنند بکتاب وقتیکه ترک کرده شود و عمل میکنند بسنت وقتیکه فرو نشانده شود در باب در بیان ترسانیدن از بدعات و روایت ست از عرباض بن ساریه گفت او وعظ کرد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم وعظی تمام گفتیم گویا که این وعظ وداع کننده است پس وصیت کن ما را فرمود او وصیت میکنم شما را بتقوی خدا عز و جل و شنیدن و پیروی کردن و اگرچه امیر شود بر شما غلام حبشی و هر که زنده ماند است

۴۲

فلما قلنا یا رسول الله کأنها موعظة مودع فأوصنا قال أوصیکم

وما لهای شما ولکن مے بیند بدلهاء و عملهای شما روایت کرده است این را مسلم و روایت از
نعمان بن بشیر مرفوعاً خبردار باشید و هر آئینه در بدن قطعه گوشت است چون نیک شد نیک شود
بدن همه و چون خراب شود خراب شود بدن همه خبردار باشید و آن دل است **باب** بیان کبر
است و قول خدا تعالی هر آئینه خدا دوست نمیدارد هر متکبر خود پسند را و فرموده است خدا تعالی
پس البته بدست جای تکبر کنندگان **روایت** است از ابن مسعود که گفت او فرموده است رسول
خدا صلی الله علیه و سلم داخل نخواهد شد در بهشت کسیکه در دل او باشد بقدر یک ذره از کبر پس گفت مردی
رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر آئینه آدمی دوست میدارد و آنکه باشد جامه او خوب و پیزار او خوب فرمود هر آئینه
خدا شایسته است دوست میدارد شایستگی را کبر رد کردن حق است و حقیر دانستن مردمان روایت
کرده است این را مسلم و مر بخاری راست از حارثه بن وهب آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود آیا خبر
ندهم شما را باهل دوزخ هر سرکشی خود پسندی متکبری است عتل سخت گوی سخت دل و جواظ
گفته شده است متکبر فربه است و گفته شده است لیست تندی شکم کلان است و نظر حق رد است
و تنگیکه بپایدیتبو و غمط الناس حقیر دانستن ایشان است و مر احمد راست و تصحیح آن کرده است
ابن حبان از روایت ابو سعید که مرفوع میکرد آنرا کسیکه تواضع کند برای خدا یک زینه بلند کند
او را خدا بسبب آن یک زینه تا آنکه بگرداند او را در بالاتر علیین و کسیکه تکبر کند بر خدا یک زینه
زیر کند او را خدا بسبب آن یک زینه تا آنکه بگرداند او را در زیر ترین زیران و طبرانی راست
از ابن عمر مرفوع میکرد آنرا پرهیز کنید از کبر پس هر آئینه کبر می باشد در مرد و بروی شالکے
میباشد و راویان این حدیث ثقه اند **باب** بیان عجب است و قول خدا تعالی و کسانیکه ایشان
از عذاب پروردگار خود ترسندگانند روایت کرده شده است از ابن مسعود آنکه وی گفت
هلاکت در دو چیز است در نا امیدی و خود پسندی **روایت** است از ابو بکره رض آنکه مردی ذکر
شد نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و سلم پس ثنای خوب گفت بروی مردی پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم
است ترا بریدی گردن برادر خود را میفرمود این را چند بار باز فرمود اگر باشد یکی از شما

۴۵

بسیار روا این ست جامه های او که کهنه نشده ست و آوندهای ایشان ست که شکسته نشده
ست قسم بآن ذات که نفس من بدست اوست شما بر طریقه هستید که سوای طریقه محمد ست
وکشایندگان دروازه گمراهی هستید گفتند قسم بخدا ای یا عبد الرحمن اراده نکرده ایم مگر
خیر گفت بسیار اراده کنندگان خیر اند که نرسیده اند بآن هر آینه رسول خدا صلی الله علیه وسلم حدیث فرموده
است ما را که هر آینه قومهای بود که میخوانند قرآن را نمیگذرد از گلوهای ایشان قسم بخدا
نمیدانم شاید که اکثر ایشان از شما باشند گفته است عمرو بن سلمه دیدیم عامه ایشان را که بنیزها
میزدند ما را در روز نهروان با خوارج این آخر چیزیست که اسناد آنست

بسم الله الرحمن الرحیم

کتاب بیان گناهان کبیره و قول خدا تعالی اگر پرهیز کنید از کبائر منهیات خود بپوشانیم از
شما صغائر شما را تا آخر آیه و قول خدا تعالی کسانیکه احتراز میکنند از کبائر و بیحیائی مگر صغائر
تا آخر آیه **روایت** کرده است ابن جریر از ابن عباس رض که گفت کبایر هر گناهی است که تمام
کرده است آنرا خدا تعالی به آتش یا لعنت یا غضب یا عذاب و ابن جریر راست از ابن عباس که
گفت و آن کبائر تا هفتصد ست اقرب از آن تا هفت ست مگر آنکه نیست کبیره با ملازمت استغفار
و نیست صغیره با همیشگی و عبد الرزاق راست گفت ابن عباس آن تا هفتاد ست نزدیکتر از
آن تا هفت است **باب** در بیان بزرگترین کبائر در صحیحین ست از ابوبکره گفت او
فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم آیا خبر ندهیم شما را به بزرگترین کبائر گفتیم آری ای پیغمبر خدا فرمود شریک
مقرر کردن با خدا ست و رنج دادن مادر و پدر راست و بود تکیه کننده پس نشست پس
فرمود خبردار و گفتن دروغ ست خبردار باشید و گواهی دروغ است پس همیشه بود
که مکرر میکرد این سخن را تا وقتیکه گفتیم کاشکی خاموش شود او **باب** های کبائر دل
روایت از ابو هریره که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه خدا نمی بیند بصورتها

پس یاد دهد او را نعمتهای خود پس بشناسد آنرا گوید پس چه عمل کردی در آن گوید آموختم
راد تو علم را و آموختم بدیگران و خواندم در راه تو قرآن را گوید دروغ گفتی ولکن آموختی
را تا که گفته شود عالم است و خواندی قرآنرا تا که گفته شود که او قاری است پس تحقیق
شد پس امر کرده شود باو پس کشیده شود بر روی خود تا آنکه انداخته شود در آتش و مردی
که وسعت کرده باشد بروی و داده باشد او را از اقسام مال پس آورده شود داد
یاد دهد او را نعمتهای خود پس بشناسد آنرا گوید پس چه عمل کردی در آن گوید نگذاشتیم هیچ راه که دو
ست که خرج کرده شود در آن مگر خرج کردم در آن برای تو گوید دروغ گفتی ولکن تو کردی
گفته شود وی سخی است پس تحقیق گفته شد پس کشیده شود بر روی خود تا آنکه انداخته شود در
ش و مر ترمذی راست در این حدیث آنکه معاویه چون شنید این حدیث را گریه کرد و باز گفت
ل و تعالی را کسیکه باشد میخواهد زندگانی دنیا را و زینت آنرا تا آخر آیه **باب** دربیان خوشی
ل خدا هر آینه بود او در اهل خود خوش شده و قول خدا هر آینه ما بودیم در اهل خود ترسندگان
خر آیه و قول خدا پس چون فراموش کردند چیزیرا که پند داده شدند بآن تا آخر آیه و روایت
است از ابو محمد عبد الله بن عمرو بن العاص آنکه رسول خدا صلی الله فرمود مومن نیست یکی از شما تا آنکه
خواهش او تابع چیزیکه آمدم بآن و قول خدا پس اگر نزاع کنید در چیزی پس رد کنید
آنرا بخدا و رسول **باب** دربیان عداوت و دشمنی
باب دربیان بیحیائی و قول خدا تعالی هر آینه کسانیکه دوست میدارند آنکه مشهور شود
حیائی در مومنان تا آخر آیه و قول خدا و قتیکه خیرخواهی خدا و رسول او کنند **باب** دربیان
دوستی با دشمنان خدا و قول او تعالی نخواهی یافت قومی را که ایمان دارند بخدا و روز آخر
دوستی کنند با کسی که خلاف کرده است با خدا و رسول او و اگرچه آنجماعه باشند پدران ایشان
یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشاوندان ایشان مومنان که با کافران دوستی
نکنند نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوت داده است ایشانرا بفیض غیبی از جانب

وصف کنند خواه نخواه پس گوید گمان میداشم او را چنین و چنان اگر میدید او را چنین حمد

کننده او خدا است و پاک کرده نشود بر خدا کسی روایت کرده است این حدیث را بخاری

و مسلم و مر احمد راست بسند جید از حارث بن معاویه آنکه او گفت مر عمر را هر آینه ایشان گوش

دهند و میکنند با من پر وعظ گفت میترسم از آنکه وعظ کنی پس بلند شوی بر ایشان در نفس

باز وعظ کنی پس بلند شوی تا آنکه در خیال آورده شود ترا آنکه تو بالای ایشان مانند پر

پس پست کند خدا عز و جل زیر قدمهای ایشان در روز قیامت بقدر آن و مر بیهقی راست

از انس مرفوعًا که اگر گناه نکنید البته میترسم بر شما از چیزیکه آن سخت تر است از آن خو

پسندی **باب** بیان نمود داری و شنوانیدن و قول خدا تعالی پس کسیکه امید میدارد ملاقات

پروردگار خود را پس عمل کند عملی نیک و شریک نکند در عبادت پروردگار خود کسی را

ست از جندب بن عبد الله که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه بشنواند رسوا کند او را

و کسیکه می نماید بنماید او را خدا روایت کرده است این حدیث را شیخین گفته شده است معنای

اینکه کسیکه بشنواند رسوا کند او را خدا در روز قیامت و معنی من یرائی کسیکه ظاهر کند

عمل صالح مردمان را تا که بزرگ شمرده شود نزدیک ایشان یرائی الله به گفته شده

معنیش آنکه ظاهر کند خدا نیت او را بمردمان و مر شیخین راست از ابن عمر که گفت او فرمود

رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر آینه قبولیت اعمال بر نیت است و مر شخصی راست آنچه نیت کرده است

مسلم راست از ابو هریره مرفوعًا هر آینه اول مردمان که حکم کرده شود بر ایشان در روز

قیامت سه شخص است مردی است که شهید کرده شد در راه خدا پس آورده شود او و بنما

دنماند او را نعمتهای خود پس بشناسد آنرا گوید خدا پس چه عمل کردی در آن گوید جنگ کردم

راه تو تا آنکه شهید شدم گوید دروغ گفتی و لکن تو جنگ کردی تا که گفته شود دلیر است

تحقیق گفته شد باز امر کرده شود با او پس کشیده شود بر روی خود تا آنکه انداخته شود در

و مردی است که آموخت علم را و آموخت آنرا بدیگران و خواند قرآن را پس آورده شود

۷۶

من شمع سمع الله به و من یرائی یرائی الله به ای فضحه

باب ذکر الریاء و السمعة و قول الله تعالی فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا

عن جندب بن عبد الله قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم من سمع سمع الله به و من یرائی یرائی الله به

عن ابن عمر قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم انما الاعمال بالنیات و انما لکل امرئ ما نوی

عن ابی هریرة مرفوعًا ان اول الناس یقضی علیهم یوم القیمة ثلاثة رجل استشهد

گویند سخن سلامت از گناه و قول او تعالی و چون شنوند بیهوده را اعراض کنند از آن و قول او تعالی ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید یعنی نمیگوید هیچ مگر نزدیک او نگهبان است تیار روایت است از ابو هریره مرفوعا کسیکه ایمان می آرد بخدا و روز آخرت پس گوید سخن خیر یا خاموش شود روایت کرده است این را صحیحین و مر صحیحین راست از سهل بن سعد مرفوعا کسیکه ضامن شود مارا از چیزیکه در میان دهان اوست و در میان دو پای اوست ضامن بهشت شوم من او را و روایت است از سفیان بن عبد الله که گفت او گفتم ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم چه چیز است که بسیار بیترسی بر من از آنچیز پس گرفت زبان خود را باز فرمود از ین گفته است ترمذی حسن صحیح است و مر ترمذی راست و تصحیح آن کرده است از معاذ که گفتم ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم ... و هر آئینه ما گرفتار خواهیم شد بآنچه سخن میزنیم بآن فرمود گم کند ترا مادر تو و نمی اندازد مردمان را در آتش بر رویهای ایشان یا بر بینی های ایشان مگر درو کرده زبانهای ایشان و مر ترمذی راست از ابو سعید مرفوعا وقتیکه صبح کند پسر آدم پس هر آئینه اندامها همه آن عاجزی میکنند پیش زبان میگویند بترس از خدا در حق ما پس هر آئینه ما قائم بتوایم و تو بما پس اگر راست شدی راست شویم و اگر کج شدی کج شویم قوله او تکفر یعنی تذلل و عاجزی میکنند و روایت است از ابو هریره مرفوعا هر آئینه بنده البته سخن میکند بیک سخن فکر نمیکند در آن می افتد بسبب آن در دوزخ دورتر از آنچه در میان مشرق و مغرب است روایت کرده است این را صحیحین و مر ترمذی راست و تصحیح آن کرده است از بلال بن الحارث مرفوعا که هر آئینه مرد البته سخن میکند بیک سخن از رضامندی خدا گمان نمیکند که رسیده باشد بجای که رسیده است آن نوشته میکند او را خدا بسبب آن رضامندی خود تا روزی که ملاقات او کند و هر آئینه مرد سخن میکند بیک سخن از غضب خدای تعالی گمان نمیکند که رسیده باشد بجای که رسیده باشد آن نوشته میکند او را خدای تعالی بسبب آن غضب خود تا روزی که ملاقات او کند و مسلم راست از جندب بن عبد الله مرفوعا آنکه مردی گفت قسم بخدا بخشش نخواهد کرد خدا فلان را پس گفت خدا عز و جل کیست آنکه قسم میکند بنام من که آمرزش نخواهم کرد فلان را پس تحقیق بخشیدم او را

۴۹

وقول خدا تعالی بگو اگر باشند پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان شما تا قول او تعالی و خدا راه نمی نماید گروه ظالمانرا و قول او تعالی و میل نکنید بطرف ظالمان تا آخر آیه گفته است یعنی راضی نشوید بعملهای ایشان **و** روایت کرده است ابن عباس که میل نکنید با ایشان میل تمام در محبت و نرمی گفتار و دوستی **و** روایتست از ابن مسعود آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود که مرد با شخصی است که دوست میدارد او را روایت کرده است این در صحیحین **باب** بیان سختی دل **و** قول او تعالی پس بسبب شکستن ایشان عهد خود را لعنت کردیم بر ایشان و ساختیم دلهای ایشانرا سخت **و** قول او تعالی خدا فرستاده است بهترین سخن کتاب هم رنگ تا آخر آیه **و** قول او تعالی آیا وقت نرسیده است مسلمانانرا که نیایش کند دل ایشان وقت یاد کردن خدا تا آخر آیه **روایت** است از ابن عمر مرفوعا رحم کنید رحم کرده شوید و عفو کنید بخشش کرده شود شما را سخت عذابست مر اقماع قول را وای است مر آن همیشگی کنندگانرا که همیشگی میکنند بر آنچه کردند و ایشان میدانند روایت کرده است این حدیث را احمد **و** مر ترمذی راست از ابن عباس مرفوعا بسیار نکنید سخن پس هر آینه بسیاری سخن بغیر ذکر سختی است دلها را و هر آینه دورترین مردمان از خدا دل سخت است **و** مر صحیحین راست از جریر مرفوعا کسیکه رحم نمیکند بر مردمان رحم نمیکند بر او خدا **باب** بیان ضعف دل **و** قول او تعالی و بربستیم بر دلهای ایشان تا آخر آیه **و** قول او تعالی آیا گمان کردند مردمان آنکه گذاشته شوند بر آنکه میگویند ایمان آوردیم و ایشان آزمایش کرده نشده اند و هر آینه آزمایش کردیم کسانی را که پیش از ایشان بودند تا آخر آیه **و** قول او تعالی گفتند ای موسی هر آینه در آن ده قومیست زورآور **و** قول او تعالی و از مردمان کسیست که میگوید ایمان آوردیم بخدا پس چون ایذا داده شود در راه خدا تا آخر آیه **و** مر صحیحین راست از ابن عمر مرفوعا مسلمان کسیست که سلامت باشند مسلمانان از زبان او و دست او و مهاجر کسیست که گذاشت چیزی را که منع کرده است خدا از آن **بابهای کبائر زبان باب** در بیان ترسانیدن از شر زبان **و** قول خدا تعالی و بندگان رحمن کسانند که میروند بر زمین بتواضع و وقتیکه گفتگو کنند با ایشان بیخردان

وچون بگذرد بر بیهوده بگذرد بروش بزرگان روایت است از ابن مسعود مرفوعًا
نیست مومن عیب کننده و نه لعنت گوینده و نه بیحیا و نه بی شرم حسن گفته است و مر ترمذی
راست و تصحیح آن کرده است از ابو الدردا مرفوعًا نیست هیچ چیز گران تر در ترازوی مومن
در روز قیامت از نیک خلقی و هر آئینه خدا بد میداند آن بیشرم بیحیا را که سخن میکند به بیحیائی
و مر مسلم راست از عائشه رضی مرفوعًا هر آئینه نرمی نمیباشد در هیچ چیز مگر مزین میکند آنرا و کنده
نمیشود از هیچ چیز مگر معیوب میکند آنرا و مر ترمذی راست از ابن مسعود رضی مرفوعًا آیا خبر دهم
شما را بکسیکه حرام کرده میشود بر دوزخ و کسیکه حرام کرده میشود بر وی دوزخ حرام کرده
میشود بر هر نزدیک آسان نرم سهل و مر مسلم راست از جریر مرفوعًا که کسیکه محروم شد
از نرمی محروم شد از خیر همه آن باب در بیان آنچه آمده است در دروغ و قول خدا تعالی
جز این نیست می بندد دروغ کسانیکه ایمان نمی آرند آیتهای خدا و آنان ایشانند دروغ
گویان و قول خدا تعالی ویل است هر دروغگوی گناه گار را روایت است از ابن
مسعود رضی مرفوعًا هر آئینه راستی راه می نماید به نیکی و هر آئینه نیکی راه می نماید به بهشت
و هر آئینه آدمی راست میگوید و قصد میکند راستی را تا آنکه نوشته کرده میشود نزدیک خدا
نهایت راستگوی و هر آئینه دروغ راه می نماید به بدکاری و بدکاری راه می نماید
بدوزخ و هر آئینه آدمی دروغ میگوید و قصد دروغ میکند تا آنکه نوشته کرده میشود
نزدیک خدا نهایت دروغگوی روایت کرده است این را صحیحین و در موطاست همیشه
می باشد آدمی که دروغ میگوید پس خال کرده شود در دل او خال سیاه تا آنکه سیاه شود
دل او پس نوشته کرده میشود نزدیک خدا از دروغ گویان و در موطاست از صفوان
بن سلیم که گفتیم ما ای پیغمبر خدا آیا می باشد مومن بیدل فرمود آری گفته آیا میباشد مومن
بخیل فرمود آری گفته شد آیا می باشد مومن بسیار دروغگو فرمود نه و مر ترمذی راست
از ابن عمر که وقتیکه دروغ گوید بنده دور شود از وی فرشته یکمیل باب در بیان آنچه

وحبط کردم عمل تو **باب** دربیان آنچه آمده است در بسیاری سخن و قول خدایتعالی و هر آئینه بر شما
نگهبانانند تا آخر آیه **روایت** ست از مغیره مرفوعاً هر آئینه خدا حرام کرده است بر شما ایذا
دادن مادران و زنده درگور کردن دختران و منع و خواستن و مکروه ساخته است شمارا
قیل و قال و بسیاری سوال و ضایع کردن مال روایت کرده است اینحدیث را صحیحین **و** روایت
از جابر مرفوعاً هر آئینه از دوست ترین شما بمن و نزدیکترین شما بمن از روی مجلس در روز قیامت
نیکوترین شماست از روی اخلاق و هر آئینه بدترین شما بمن و دورترین شما از من در روز قیامت
بسیار سخن کنندگان بی باکی کنان و سخن کشایندگان دهان بسخنان حسن گفته است این را ترمذی
باب در ذم بی باکی در کلام و تکلف در فصاحت و قول خدایتعالی و چون به بینی ایشانرا
بشگفت می آرد ترا ابدان ایشان تا آخر آیه **روایت** ست از حکم مرفوعاً هر آئینه خدا بد میداند فصیح
را از مردمان آنکه میگرداند زبانرا چنانچه میگرداند گاو زبان خود را حسن گفته است این را ترمذی
و روایت از ابوهریره مرفوعاً کسیکه آموخت انواع کلام را تا که برباید بآن دلهای مردان
زنان قبول نکند خدا از وی در روز قیامت فرض و نه نفل روایت کرده است اینحدیث را ابو
داود **و** مر احمد راست از معاویه که لعن کرده است رسولخدا صلی الله علیه وسلم کسانیکه پاره میکنند سخن را
مانند پاره کردن شعر **باب** در ذم سختی مجادله و قول خدایتعالی و او سخت ترین ستیزندگان
است **روایت** ست از عائشه رض مرفوعاً که هر آینه ناپسندترین مردمان بخدا آن سخت
ستیزه کننده است **و** مر ترمذی راست از ابن عباس مرفوعاً که بس است ترا گناه آنکه همیشه ستیزه
کننده باشی **باب** در ذم کسیکه هیبت میکنند از وی مردمان از روی ترس از زبان او و
قول خدایتعالی وای هر عیب کننده غیبت گوینده را **روایت** ست از عائشه رض آنکه رسو
لخدا صلی الله علیه وسلم فرمود هر آئینه بدترین مردمان نزدیک خدا از روی مرتبه در روز قیامت کسی است
که گذاشته باشد او را مردمان یا ترک کرده باشد او را مردمان از جهت نگاهداشتن خود از
فحش او **باب** در ذم بی شرمی و بیحیائی در سخن و قول خدایتعالی و کسانیکه گواهی دروغ نمی

در خانه ما نشسته بود پس گفت مادرم بکیر یعنی بیا میدهم تو را پس گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه تو اگر ندادی او را البته نوشته کرده شود بر تو دروغی روایت کرده است ابو داود ومر احمد راست از ابوهریرة مرفوعا کسیکه گوید کودکی را بیا تا بدهم تو را پس نداد او را پس آن دروغ است ومر احمد راست از اسماء بنت یزید گفتیم ای رسول خدا اگر یکی از ما گوید چیزی

را که خواهش آن دارد خواهش ندارم شمرده میشود آن دروغ فرمود هر آینه دروغ نوشته میشود تا آنکه دروغکی دروغ ومر ترمذی راست و حسن گفته است آن را از بهز بن حکیم از پدر خود از جد او مرفوعا ویل است کسی را که سخن کند بسخن تا که بخندانند بآن قوم را پس دروغ گوید ویل است او را ویل است او را باب در مذمت چاپلوسی و وصف انسان بانچه نباشد در او وقول خدای تعالی و پرهیز کنید از گفتن دروغ روایت کرده است امام احمد از ابو داود از شعبه از قیس بن سلیم شنیده بود از طارق بن شهاب که روایت میکرد از عبدالله گفت او هر آینه آدمی بیرون میرود از خانه خود و با وی دین او باشد پس ملاقات میکند با شخصی که مر او را بطرف او حاجتی باشد پس گوید او را هر آینه تو چنین و چنانی ثنا میگوید بر او شاید که ادا کند وی از حاجت او چیزی را پس غضب میشود خدا بر وی پس میگردد و نباشد از دین او چیزی باب در بیان آنچه آمده است در نهی از بودن انسان وصف کننده وقول خدای تعالی آیا ندیدی کسانیکه وصف خود میکنند ومر مسلم راست از مقداد آنکه شخصی شروع کرد که وصف عثمان میکرد پس دو زانو نشست مقداد پس شروع کرد مقداد که می پاشید در روی او سنگریزها پس گفت او را عثمان چیست ترا گفت هر آینه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود وقتیکه ببینید وصف کنندگان را پس بپاشید در رویهای ایشان خاک را و در مسند است از معاویه مرفوعا که بترسید از مدح باهم کردن پس هر آینه وی ذبح است باب در بیان آنچه دروغ و میکند برکت را روایت است از حکیم بن حزام مرفوعا که دو بیع کنندگان بخیار اند تا وقتیکه جدائی نکرده باشند پس اگر راست گفتند و بیان کردند برکت داده شوند واگر دروغ گفتند وکتمان کردند عیب را محو کرده شود برکت بیع ایشان باب در بیان کسیکه گوید خواب دیدم و نه دیده باشد چیزی را ومر بخاری راست از ابن عباس رض

یعنی بایع و مشتری اختیار دارند در اقاله تا وقتیکه باهم جدائی نکنند کرد بیع خیار

آمده است در عهدشکنی و قول او تعالی پس خدا تعالی عاقبت حال ایشان ساخت نفاق را در دل ایشان روایت است از ابوهریره رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود نشانه منافق سه است چون سخن کند دروغ گوید و چون وعده کند مخالفت کند و چون امانت داده شود خیانت کند روایت کرده است این را صحیحین و مر صحیحین راست از ابن عمر رض مرفوعا که چار چیز است کسیکه باشد آن چار چیز در وی هست منافق خالص و کسیکه باشد در وی خصلتی از آن هست در وی خصلتی از نفاق تا وقتیکه بگذارد آنرا وقتیکه امانت داده شود خیانت کند و وقتیکه سخن کند دروغ گوید و وقتیکه وعده کند غدر کند و چون مخاصمه کند دشنام دهد باب در بیان آنچه آمده است در گفتند و قول خدا تعالی چون فرا میگرفتید آنرا بزبانهای خویش و میگفتید بدهانهای خویش چیزیرا که نبود شما را بآن علم تا آخر آیه و قول خدا تعالی ای کسانیکه ایمان آوردند اگر آمد بشما بدکاری بخبری پس تفحص کنید تا آخر آیه روایت است از ابن مسعود رض و حذیفه مرفوعا بد سواری مرد است گفتند روایت کرده است این را ابوداود بسند صحیح و مر مسلم راست از ابوهریره رض مرفوعا بس است آدمی را گناه آنکه سخن گوید بهرچه شنود باب در بیان آنچه آمده است در دروغ و مزاح و مانند آن و قول خدا تعالی گفتند آیا میگیری ما را مسخره تا آخر آیه روایت است از ام کلثوم دختر عقبه مرفوعا که نیست دروغگوی کسیکه اصلاح میکند در میان مردمان پس میگوید خیر را یا میرساند خیر را روایت کرده است این را صحیحین و مر مسلم راست نشنیده ام از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که رخصت میداد در چیزی از آنچه میگویند مردمان که آن دروغ است مگر در سه جای یعنی در جنگ و در صلح کردن در میان مردمان و سخن مرد زن خود را و سخن زن شوهر خود را و روایت است از عبدالله بن عمر که گفت او خواند مرا مادر من روزی و پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

۵۲

٥٥

نیکی را و بد بیند نشت بدی را و در مسلم رست که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ نبی که فرستاده

است او را خدا تعالی در امت خود پیش از من مگر بود او را از امت او دوستان خالص و یاران که

عمل میکردند بسنت او و اقتدا میکردند بامر او باز هر آینه قصه این ست می مانند پس از ایشان

ناخلف میگفتند آنچه نمیکردند و میکردند آنچه امر نمیشدند پس کسیکه جهاد کرد با ایشان بدست خود

پس وی مومن ست و کسیکه جهاد کرد با ایشان بزبان خود پس او مومن ست و کسیکه جهاد کند

با ایشان بدل خود پس او مومن ست و نیست در غیر و آنه سپندان از ایمان و در مسلم رست

از ام سلمه مرفوعا هر آینه شان اینست شتاب ست که شود بر شما سرداران پس نیک و بد بینید

از ایشان پس کسیکه انکار کرد بر بدی ایشان پس تحقیق پاک شد و کسیکه بد دانست پس تحقیق

سلامت ماند ولکن کسیکه راضی شد و متابعت کرد یعنی کسیکه مکروه دانست بدل خود و انکار

کرد بدل خود و در روایت غیر از صحیحین پس از لفظ و تابع پس این گروه ایشانند هلاک

شدگان منفر مودا بن راشد بار یا **باب** در بیان آرزوی گناه و حرص بر آن **در**

صحیحین ست از ابو بکره آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون ملاقات کنند دو مسلمان بشمشیرهای خود

پس کشنده و کشته شده در دوزخ اند گفتند این کشنده ست پس چه حال ست کشته شده را

فرمود او هر آینه او بود حارص بر قتل صاحب خود و در روایت از ابو کبشه انماری مرفوعا

مثال این امت مانند چهار مردست یکمردیست که داده باشد او را خدا مال و علم پس او

عمل میکند در مال خود بعلم خود و دیگر مردی ست که داده باشد او را خدا علم و نداده باشد

او را مال پس گوید اگر می بود مارا مانند آنچه فلان راست البته عمل میکردم در آن مانند عمل او

پس هر دو در ثواب برابر اند و دیگر مردی ست که داده باشد او را خدا مال و نداده باشد

او را علم پس وی تصرف میکند در مال خود نمیداند آنچه مراو راست از آنچه بر ویست و دیگر

مردی ست که نداده باشد او را خدا مال و نه علم پس گوید اگر می بود مرا مال البته عمل میکردم

در آن مانند عمل فلان پس هر دو در گناه برابر اند باز تصحیح این کرده ست ترمذی **باب**

مرفوعا کسیکه از خود بسازد خوابی و نسوبه بافد آنرا مکلف شود آنکه گره دهد در میان دو جو
و هرگز نخواهد کرد **باب** در بیان مرض دل و مردن آن و قول خدایتعالی اگر منتهی نشوند منافقان
تا آخر آیه **روایت** است از ابو هریره گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم مؤمن چون گناه
کند گناهی را شود خال سیاه در دل او پس اگر توبه کرد و کشیده شد و را و طلب رضامندی خدا کرد
صیقل شود دل او و اگر زیاده کرد گناه را زیاده شود او را آن سیاهی تا آنکه غالب شود بر دل
وی پس این آن زنگ است که فرموده است خدا در قرآن نی نی بلکه زنگ بسته است بر دلهای
ایشان چیزیکه میکردند روایت کرده است این حدیث را ترمذی و گفته حسن صحیح است و گفته است
اعمش نمائید ما را مجاهد دست خود گفت بودند اصحاب ما میدیدند دل را مانند این یعنی دست
پس چون گناه کند بنده گناهی را بند کرده شود از وی و بند کرد انگشت کوچک را این چنین پس
چون گناه کند بند کرده شود و بند کرد انگشت دیگر را تا آنکه بند کرد همه انگشتانرا فرمود باز مهر
نهاده شود بمهری و بودند اصحاب ما میدیدند که این همان است زنگ روایت کرده است این را
ابن جریر از وکیع مانند آن **و روایت** است از مجاهد هم که گفت و زنگ آسان تر است از مهر و
آسان تر است از قفل کردن **و روایت** است از ابو سعید که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم دلها
چهار است یکی دل صاف است در وی مانند چراغ باشد که میدرخشد و یکی دل است پرده دار
بسته شده بر پرده وی و یکی دل نگونسار و یکی دل دو رخه است پس هرچه دل صاف است پس دل
مؤمن است پس چراغ او در دل وی نور اوست و هرچه دل پرده دار است پس دل کافر است و
هرچه دل نگونسار است پس دل منافق خالص است که شناخت حق را باز انکار کرد و هرچه دل
دو رخه است پس دلی است که در آن ایمان باشد و نفاق و مثال ایمان در آن مانند سبزی
است زیاده میکند آنرا آب خوب و مثال نفاق در آن مانند زخمی است زیاده میکند آنرا زرد
آب و خون پس هر یک از دو آب که غالب شود بر دیگر غلبه کند بر وی **باب** در بیان رضا
بگناه **روایت** کرده شده است از عبدالله گفت او هلاک شدی اگر خوب ندانست دل تو

پهلوان کسی ست که مالک نفس خود باشد نزدیک غضب و مر بخاری راست آنکه شخصی
گفت برسول خدا صلی الله علیه وسلم وصیت کن مرا فرمود غضب مکن پس بار بار سوال کرد شخص
فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم غضب مکن و روایت ست از ابوذر مرفوعا که بتحقیق رستگار شد
کسیکه خالص کرد دل خود را برای ایمان و گردانید زبان خود را سلامت و زبان خود
راست و نفس خود آرام و خوی خود را برابر و گردانید گوش خود را شنونده و چشم خود
را بیننده پس هر گوش پس قمع ست و اما چشم پس قرار دهنده است چیزیرا که یاد میگیرد
و بتحقیق رستگار شد کسیکه گردانید دل خود را نگهبان باب در بیان جهالت و قول
خدا تعالی و هر آئینه پیدا کردیم جهنم را بسیاری از جن و انس مر ایشانرا دلهاست که نمی
فهمند بآن تا آخر آیة و روایت ست از معاویه آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه اراده کند
خدا بهتری او دیرک میکند او را در دین و در حدیث براء ست آنکه شک کننده همانست
که میگوید و قتیکه سوال کند از وی و فرشته در آن شنیدم شنیده بودم از مردمان که می
گفتند چیزیرا پس گفتم آنرا باب در بیان حیا و قول خدا تعالی پنهان میکنند از مردمان
و پنهان نمیکنند از خدا تا آخر آیه روایت ست از ابو مسعود بدری گفت او فرمود رسول
خدا صلی الله علیه وسلم از جمله آنچه یافته است مردمان از کلام پیغمبری پیشین چون شرم نمیکنی پس
بکن آنچه خواهی روایت کرده است این را بخاری باب در ذم حرص بر مال و عزت
روایت ست از کعب مرفوعا که نیست دو گرگ گرسنه که گذاشته شود خطیره گوسپندان
بسیار خراب کننده آن از حرص آدمی بر مال و عزت دین او را صحیح گفته است این را ترمذی
باب در ذم بی صبری و بیدلی و قول خدا تعالی هر آئینه انسان پیدا کرده شده است
نا شکیبا تا قول او تعالی مگر نماز گزاران روایت ست از ابو هریره آنکه رسول خدا
صلی الله علیه وسلم فرمود بد ترین آنچه در مرد است بخل سخت است و بیدلی سخت روایت کرده است
این حدیث را ابوداود باسناد و مسلم روایت از جابر مرفوعا که بترسید از بخل پس

٥٦

در بیان شک و قول خدای تعالی جز این نیست مومنان آنانند که ایمان آوردند بخدا و رسول او
باز شک نکردند تا آخر آیه و قول خدای تعالی و کسانیکه ایمان می آرند بانچه فرو فرستاده شده است
پیش از تو و باخرت ایشان باور میکنند این گروه ایشانند بر راه راست از پروردگار ایشان و
آنگروه ایشانند رستگاران و قول خدای تعالی و چون گفته شود هر آینه وعده خدا راست است
تا قول خدا نیستیم با یقین کنندگان و بود معاذ میگفت در مجلس خود هر روز کم بود آنچه میگفت
این را خدا حاکم عادل است هلاک شدند شک آرندگان و گفت ابن مسعود رضی الله عنه از یقین است
آنکه خوش نکنی کسی را بغضب خدا و صف نکنی کسی را بر آنچه داده است ترا و ملامت نکنی
کسی را بر آنچه نداده است ترا خدا و هر آینه خدا بعلم خود و عدل خود گردانیده است راحت و خوشی را
در یقین و گردانیده است غم و اندوه را در شک و غضب و هر آینه رزق خدا حاصل نمیکند آنرا حرص
حارص و نه رد میکند آنرا بد دانستن بد داننده و گفت عمر در روز حدیبیه پس عمل کردم برای
این عملها و در صحیح است چشید ذائقه ایمان کسیکه راضی شد بخدا از روی رب و باسلام از روی
دین و بمحمد از روی نبی روایت کرده است این را مسلم از ابن عباس تا آخر قصه باب در
ذم غضب و قول خدای تعالی و کسیکه ایمان آورد بخدا هدایت کند دل او را گفته است علقمه وی آن
مرد است که برسد او را مصیبت پس بداند که آن از نزد خدا است پس راضی شود و گردن نهد
روایت است از انس که گفت فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه خدا وقتیکه دوست دارد
گروهی را می آزماید ایشان را پس کسیکه راضی شد پس او راست خوشی و کسیکه بغضب شد پس او راست
غضب روایت کرده است این را ترمذی و حسن گفته است او را باب در بیان بیقراری
و بی آرامی و قول او تعالی پس نازل کرد خدا آرامی خود را بر پیغمبر خود و بر مومنان تا آخر آیه
و قول خدای تعالی پس قسم به پروردگار تو مومن نمیشوند تا وقتیکه حاکم کنند ترا در آنچه خلاف
واقع شود در میان ایشان و قول او تعالی نفس آرام گیرنده بذکر خدا و در صحیحین است
از ابو حمزه که گفت فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم نیست پهلوان بانداختن جز این است

باب در ذم بدگمانی بر مسلمانان و قول خدا تعالی پرهیز کنید از گناهان بسیار هر آئینه بعضی گمان گناه است **روایت** ست از ابو هریره رضی مرفوعاً پرهیز کنید از گمان هر آئینه گمان دروغ ترین سخن ست **باب** در بیان آنچه آمده است در دروغ گفتن بر خدا و رسول او و قول او تعالی و در روز قیامت بینی کسانی را که دروغ بستند بر خدا روی‌های ایشان سیاه باشد تا آخر آیه **و** در صحیح ست از انس آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود هر آئینه دروغ بر من نیست مانند دروغ بر یکی کسیکه دروغ بست بر من بقصد پس باید که تیار کند جای خود را در دوزخ **و** مسلم راست از سمره بن جندب مرفوعاً کسیکه حدیث بیان کند از من حدیثی که بیداند که آن دروغ ست پس او یکی از دو دروغگو ست **باب** در بیان آنچه آمده است در گفتن بر خدا بغیر علم **و** قول خدا تعالی جز این نیست حرام کرده است پروردگار من بیحیائی را تا آخر آیه گفته است ابو موسی کسیکه آموخته است او را خدا علم پس تعلیم آن کند و نترسد او از آنکه گوید و نباشد او را علم بآن پس شود از تکلف کنندگان و بیرون شود از دین **و** در صحیح ست از ابن عمر رض خدا نمیکشد علم را کشیدن که بکشد آنرا از مردمان ولکن قبض میکند علم را بموت عالمان تا آنکه نماند عالم بگیرند مردمان پیشوایان جاهلان را پس سوال کرده شوند ایشان پس فتوی دهند بغیر علم پس گمراه شوند و گمراه کنند مردمانرا **باب** در بیان آنچه آمده است در گواهی دروغ و قول خدا تعالی و پرهیز کنید از گفتن دروغ **روایت** ست از ابن عمر رض هر آئینه مرغان البته میزنند بازوهای خود را و می اندازند آنچه در حوصل ایشان ست از ترس روز قیامت و هر آئینه گواه دروغ دور نمیشود هر دو قدم او تا آنکه بگیرد جای خود را از آتش **و** در صحیحین ست از حدیث ابو بکره خبردار باشید و گفتن دروغ ست خبردار باشید و گواهی دروغ ست پس همیشه بود که تکرار میکرد این را **باب** در بیان آنچه آمده است در قسم دروغ **روایت** ست از ابن مسعود رض مرفوعاً کسیکه قسم خورد بر مال شخص مسلمان

59

هلاک کرد کسانی را که پیش از شما بودند باعث کرد ایشانرا بر آنکه ریختند خون ایشانرا و
حلال کردند محارم ایشانرا **باب** در ذم بخل و قول خدایتعالی کسانیکه بخل میکنند و امر
میکنند مردمانرا به بخل و قول او تعالی و در مالهای ایشان حصه مقرر ست مر سائل و مسؤل را
روایت ست از جابر گفت او فرموده ست رسول خدا صلی الله علیه وسلم کیست سردار شما ای بنی
سلمه گفتیم جد بن قیس با وجود آنکه نسبت بخل میکنیم با او فرمود رسول الله و کدام بیماری
سخت ترست از بخل بلکه سردار شما عمرو بن الجموح ست روایت کرده ست این را بخاری
در ادب مفرد **باب** در سزای بخل و درینباب ست حدیث نگاه مکن پس نگاه کرده شود
بر تو بسته مکن پس بسته کرده شود بر تو چنانچه در حدیث دیگر ست بپاش پاشیده شود بر
تو یعنی فراخی کن فراخی کرده شود ترا و نگاه مکن پس نگاه کرده شود بر تو و قول رسول
خدا بار خدایا بده بخیل را هلاکت **باب** در حقیر دانستن نعمت و سبک دانستن محرمات خدا

باب در ذم دشمنی کردن با صالحان و قول او تعالی و کسانیکه آیند پس از ایشان می
گویند ای پروردگار ما بیامرز ما را و برادران ما را آنانکه پیش گذشتند از ما با یمان تا آخر آیه
و روایت ست از ابو هریره مرفوعا میگوید خدایتعالی کسیکه دشمنی کرد با دوست من پس تحقیق
بیرون آمد برای جنگ من معنی مبارزه آنکه بیرون شود و دم واز د وصف برای
جنگ و درینجا معنیش آنکه کسیکه دشمنی کرد با دوست خدا پس او بیرون شونده ست
خدا را بجنگ روایت کرده ست این را صحیحین **باب** در ذم کینه و قول خدایتعالی آیا
حسد میکنند با مردمان بر آنچه داده ست ایشانرا خدا از فضل خود **روایت** ست از انس
مرفوعا که مومن نمیشود یکی از شما تا آنکه دوست دارد برادر خود را آنچه دوست میدارد
نفس خود را **روایت** ست از ابو هریره رض مرفوعا بترسید از حسد پس هر آئینه حسد
میخورد نیکیها را چنانچه میخورد آتش چوبها را یا فرمود هیزم را روایت کرده ست این را

٦١

کرده است این حدیث را ابو داود بسند صحیح و مسلم راست از ابو هریره مرفوعا آیا میدانید
چیست غیبت گفتند خدا و رسول داناترست فرمود یاد کردن تست برادر خود را
بآنچه مکروه میدارد گفته شد آیا پس می بینی اگر باشد در برادر من آنچه میگویم فرمود اگر
باشد در برادر تو آنچه میگوئی پس بتحقیق غیبت او کردی و اگر نباشد در وی آنچه
میگوئی پس بتحقیق بهتان کردی بر وی باب در بیان آنچه آمده است در حال لعنت
گفتن روایت است از ابو الدرداء مرفوعا هر آینه بنده چون لعنت گوید بر چیزی
بخیزد لعنت او بآسمان پس بند کرده شود درواز‌های آسمان نزد آن باز فرود می
آید بزمین پس میرود بطرف راست و چپ خود پس چون نیابد جای داخل شدن بگردد
بطرف کسیکه لعنت کرده شده است پس اگر بود اهل آن لعنت میرسد او را و اگر نه باز
گردد بسوی گوینده آن روایت کرده است این را ابو داود و غیر او از حدیث ابن
عباس و راویان آن ثقه اند لکن معلول است بارسال و مسلم راست از آنکه زنی
لعنت گفت بر ماده شتر خود پس فرمود رسول خدا صلعم نروید با ماده شتری که بر وی
لعنت است و مسلم راست از عمران مانند آن باب در بیان آنچه آمده است در
ظاهر کردن پوشیده روایت است از ابو سعید مرفوعا هر آینه از بد ترین مردمان از
روی مرتبه نزدیک خدا در روز قیامت آنکس است که میرسد بزن و میرسد زن باو
باز ظاهر میکند یکی از هر دو ایشان پوشیده یار خود را و در روایتی است هر آینه این از
کلان ترین امانت است روایت کرده است این را مسلم و در روایتیست از جابر مرفوعا وقتی
که سخن گوید او را سخن باز دید پس آن امانت است حسن گفته است این را ترمذی و مر
احمد راست از ابو الدرداء مرفوعا کسیکه شنید از مردی سخنی که دوست نمیدارد و یاد کرد
آن از وی پس آن امانت است اگرچه طلب پوشیدگی نکرده باشد از وی باب در بیان
آنچه آمده است در لعنت گفتن مسلمان روایت است از ثابت بن ضحاک مرفوعا

بناحق ملاقات کند با خدا او بروی خشمناک باشد باز خواند پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
کسانیکه میخرند بوعده خدا و قسمهای خویش بهائی اندک را تا آخر آیة روایت کرده است
این را صحیحین و در مسلم است از ابو امامه مرفوعا کسیکه بگیرد مال شخص مسلمان را بقسم
خود پس تحقیق واجب کرد خدا او را آتش و حرام کرد بروی بهشت پس گفت مردی و
اگرچه چیزی اندک باشد ای رسول خدا فرمود اگرچه یک شاخ باشد از پیلو **باب** در
بیان تهمت بر زنان پاک و در صحیحین است از ابو هریرة مرفوعا پرهیز کنید از هفت
هلاک کننده گفتند و چیست آن فرمود شریک مقرر نمودن با خدا و جادو و کشتن
آن نفس که حرام کرده است آن را خدا مگر بحق و خوردن ربا و خوردن مال یتیم و پشت
گردانیدن در روز جنگ و تهمت کردن بر زنان پاک بیخبر مؤمن **باب** در بیان آنچه
آمده است در دو رویه و قول خدای تعالی و چون ملاقات کنند با مؤمنان گویند ایمان
آوردیم و قول او تعالی مترددانند و در صحیحین است از ابو هریرة مرفوعا خواهید
یافت بدترین مردمان نزدیک خدا دو رویه آنکه می آید این گروه را بیک روی و دیگر را
است از انس مرفوعا کسیکه باشد دو زبانه گرداند او را خدا در روز قیامت دو زبان
از آتش **باب** در بیان آنچه آمده است در چغلی و قول او تعالی عیب جوینده روند
بچغلی **روایت** است از حذیفه رضی مرفوعا که داخل نخواهد شد به بهشت چغلی گو و
در صحیحین است دو قبر را آینه این دو البته عذاب کرده میشوند و عذاب کرده نمیشوند
آنکه هر آینه این کلان است و در مسلم است از ابن مسعود مرفوعا خبردار باشید آیا خبر دهم
شما را چیست سخت حرام آن چغلی دشمنی اندازنده است در میان مردمان **باب**
بیان آنچه آمده است در بهتان و قول او تعالی و کسانیکه تهمت می بندند بر مردان
مومن و زنان مومن تا آخر آیة **روایت** است از ابن عمر مرفوعا کسیکه گوید در مومن آنچه
نباشد در وی جای دهد او را خدا در رزرداب تا آنکه پاک شود از آنچه گفته است

٦٣

وروایت از ابن عمر مرفوعا کسیکه مانع شد شفاعت او حدی را از حدود خدایتعالے
پس تحقیق مقابله کرد با خدا در امر او باب در بیان کسیکه مددگار شود بر جنگ باطل و
قول خدایتعالے و باهم مدد دهید بر نیکی و پرهیزگاری و باهم معاونت ندهید بر گناه و ستم
تا آخر آیه و قول خدایتعالے کسیکه شفاعت کند شفاعت نیک باشد او را حصه ثواب از
آن تا آخر آیه روایت ست از ابن عمر مرفوعا کسیکه مانع شد شفاعت او حدی را
از حدهای خدا پس تحقیق مقابله کرد با خدا در امر او و کسیکه جنگ کند در باطل و حال آنکه
میداند که آن باطل ست همیشه باشد در غضب خدا تا آنکه بیرون کند خود را از آن و
کسیکه گفت در مسلمان آنچه نباشد در وی بند کرده شود در زرد آب تا آنکه پاک شود از
آنچه گفته است گفت ابن عمر گفته شد ای رسول خدا چیست ردغة الخبال فرمود زرد
آب دوزخیان ست و در روایتی ست کسیکه مدد کرد در جنگ باطل پس تحقیق گشت
بغضب از طرف خدا روایت کرده است این حدیث را ابو داود بسند صحیح باب در بیان
آنکه کسیکه حاضر شود کاری را پس باید که سخن کند به نیکی یا خاموش شود روایت
از ابو هریره مرفوعا کسیکه ایمان می آرد بخدا و روز آخرت پس چون حاضر شود کاری را
پس سخن کند به نیکی یا خاموش شود روایت کرده است این حدیث را مسلم باب در
بیان آنچه ترسیده شود از سخن کردن در فتنها روایت ست از ابن عمر مرفوعا زود
ست که شود فتنه هلاک کند تمام عرب را کشتگان آن در آتش اند و دراززبانی در طعن
ایشان سخت ترست از زدن شمشیر روایت کرده است این حدیث را ابو داود و در روایت
از ابو هریره مرفوعا زود ست که شود فتنه گنگ نابینا زبان درازی در آن مانند
زدن شمشیر ست و مر ابن ماجه راست از ابن عمر مرفوعا که پرهیز کنید از فتنه پس هر آئینه
زبان در آن مانند زدن شمشیر ست باب در بیان گفتن هلاک شدند مردمان
روایت ست از ابو هریره مرفوعا چون گوید مرد هلاک شدند مردمان پس او

گفتن بر مسلمان مانند کشتن اوست روایت کرده است این را صحیحین و مر بخاری راست
از ابوهریره رض آنکه ایشان زدند مردی را که شراب نوشیده بود پس چون باز گشت
گفت بعضی قوم رسوا کند ترا خدا فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم مگوئید این را معاونت مدهید بر وی
شیطان را **باب** در بیان زیادت ذم آن در مردگان **روایت** است از
عائشه رض مرفوعا که دشنام مدهید مردگان را پس هر آئینه ایشان بتحقیق رسیدند بانچه
پیش فرستادند روایت کرده است این را بخاری **باب** در بیان گفتن ای دشمن
خدا یا ای فاسق یا ای کافر و مانند آن **روایت** است از ابوذر رض مرفوعا نسبت نمی
کند مردی مردی را بفسق یا کفر مگر بگردد بر وی و اگر نبود صاحبش چنان روایت کرده
است این را بخاری **و** روایت است از سمره مرفوعا لعنت مکنید بلعنت خدا و نه بغضب
خدا و نه بدوزخ صحیح گفته است این را ترمذی **و** مر صحیحین راست از ابوذر رض مرفوعا نیست
کسیکه نسبت کند مردی را بکفر یا گفت ای دشمن خدا و نباشد چنان مگر بگردد بر وی **باب**
در بیان آنچه آمده است در لعن گفتن شخص بر پدر و مادر خود **روایت** است از ابن عمرو رض
مرفوعا از کلان تر کلان گناهان است آنکه لعنت گوید کسی مادر و پدر خود را گفته شد
ای پیغمبر خدا چگونه لعنت گوید مرد پدر و مادر خود را فرمود او دشنام دهد پدر مرد را
پس دشنام دهد او پدر او را و دشنام دهد مادر او را پس دشنام دهد او مادر او را و از روایت
این حدیث است صحیحین را **باب** در نهی از خواندن جاهلیت و چون گفت مهاجری ای مهاجرین
و گفت انصاری ای انصار فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم آیا میخوانید بخواندن جاهلیت و حال
آنکه من در میان شما ام و غضب کرد ازین سخن غضب سخت **باب** در بیان نهی از
شفاعت در حدها و قول خدا تعالی و مگیرد شما را در دین خدا مهربانی **و** مر صحیحین راست
در حدیث مخزومیه آیا شفاعت میکنی در حدی از حدهای خدا **و** در موطاست از زبیر
که رسید حد و بادشاه را پس لعنت کند خدا بر شفاعت کننده و قبول کننده شفاعت

بآن پس تحقیق کافر شد و مر طبرانی راست معنی این از حدیث ابوبکر الصدیق رض
و مر ابوداود و ابن حبان راست از ابوهریره رض مرفوعاً هر زنیکه داخل کرد در قومی چیزی
را که نباشد از ایشان پس نیست در چیزی از دین خدا و هرگز داخل نخواهد کرد او را خدا
در بهشت و هر مردیکه انکار ولد خود کرد و او می بیند او را یعنی که ولد اوست مگر در
پرده شود خدا ازو و رسوا کند او را پیش روی خلائق از پیشینیان و پسینیان باب در
بیان کسیکه دعوی کند چیزیرا که نباشد آنچیز ویرا و در بیان کسیکه چون جنگ کند فحش
گوید در بیاب است حدیث ابن عمر و روایت است از ابن مسعود رض و عمر کسیکه گفت که وی عالم
است پس او جاهل است و مر صحیحین راست از ابوذر مرفوعاً نیست هیچ مردی که دعوی کند
بغیر پدر خود و او میشناسد ویرا که پدر او نیست مگر کافر شود و کسیکه دعوی کند چیزیرا که
نباشد آنچیز او را پس نیست از ما و بگیرد جای خود را از آتش و کسیکه نسبت کرد مردیرا بکفر
یا گوید ای دشمن خدا و نباشد او چنان مگر بگردد بروی باب در بیان دعوی کردن علم از
روی فخر روایت است از عمر مرفوعاً ظاهر شود اسلام تا آنکه آمد و شد کنند سوداگران
در دریا و تا آنکه مشغول شوند اسپان در راه خدا باز ظاهر شوند قومها که میخوانند قرآن را
گویند کیست زیاده قاری از ما کیست عالم تر از ما کیست بزرگ تر از ما باز فرمود آیا هست
در ایشان خیر گفتند خدا و رسول داناتر است فرمود این گروه از شما است ای امت پس
این کسان ایشانند آتش انگیز دوزخ روایت کرده است این حدیث را بزار باسناد لا باس به و مر
طبرانی راست معنی گفته است ترمذی اسناد این حدیث حسن است باب در بیان انکار نعمت
و در صحیح است از ابن عباس رض مرفوعاً داخل شدم در دوزخ پس دیدم اکثر باشنده آن زنان گفته
شد کافر میشوند بخدا فرمود نه ناشکری نیکی میکنند و ناشکری شوهران میکنند اگر نیکی کنی
بیکی از ایشان همیشه باز ببیند از تو چیزیرا گوید ندیدم از تو نیکی گاهی و روایت است از ابوهریره رض
مرفوعاً شکر نخواهد کرد خدا را کسیکه شکر مردمان نمیکنند صحیح گفته است این را ترمذی و گفته حسن غریب است

٩٥

باب در بیان فخر و قول خدای تعالی ... ترین مردمان ست روایت کرده است این حدیث را مسلم
خدای تعالی فرموده من بهتر ... و روایت است از عیاض بن حمار مرفوعاً هر آینه خدا
وحی کرده است بمن آنکه تواضع کنید تا آنکه فخر نکند یکی بر دیگرے و ستم نکند یکی بر دیگرے
روایت کرده است این را مسلم و در مسلم است از ابو مالک اشعری رض مرفوعاً چهار چیز
است در امت من از کار جاهلیت که نخواهند گذاشت آنرا فخر کردن به احساب و طعن
کردن در نسبها و طلب کردن باران از ستارها و نوحه کردن بر مرده و فرمود نوحه کننده چون
توبه نکند پیش از مرگ خود برانگیخته شود در روز قیامت و بر وی قمیص باشد از قطران
و زره باشد از خارش و در ترمذی است و تحسین آن کرده است البته منع شوند قومها
که فخر میکنند به پدران خود آنانکه مردند هر آینه ایشان انگشت دوزخ اند یا البته شوند
بر خدا ذلیل تر از قانغوذک هر آینه خدا دور کرده است از شما کبر جاهلیت را و فخر آن
به پدران جز این نیست انسان مومن پرهیزگار است یا بدکار بدبخت است مردمان پسران
آدم اند و آدم پیدا کرده شده است از خاک عبیه بتشدید یا و کسر آن کبر و فخر را گویند
باب در ذم طعن کردن در نسب روایت است از ابو هریره مرفوعاً دو خصلت
اند در مردمان که آن دو با ایشان کفر اند طعن کردن در نسب و نوحه کردن بر مرده
باب در بیان کسیکه دعوی نسب کند که نباشد آن نسب او را و در صحیحین است از
از ابو سعید مرفوعاً کسیکه دعوی کند بغیر پدر خود و او میداند آنکه وی پدرش نیست
پس بهشت بر وی حرام است و در صحیحین است از ابو هریره رض مرفوعاً رغبت نکنید از
پدران خود پس کسیکه رغبت کرد از پدر خود پس آن کفر است پس بر وی است لعنت خدا و
فرشتگان و مردمان همه قبول نمیکند خدا از وی در روز قیامت نفل و نه فرض باب در
بیان کسیکه بیزار شد از نسب خود روایت است از عمرو بن شعیب از پدر خود از جد او
او مرفوعاً کسیکه بیزار شد از نسب خود اگرچه باریک باشد و دعوی کرد نسبی را که شناخته نمی

دشنام دادن بزنا روایت ست از ابو هریره مرفوعا کسیکه نسبت کرد غلام خود را بزنا هستاد
کرده شود ویرا حد در روز قیامت مگر باشد چنان باب در نهی از نام نهادن فاسق را سردار
روایت ست از بریده مرفوعا مگوئید منافق را سردار پس هر آئینه وی اگر باشد سردار پس تحقیق
بغضب آوردید پروردگار خود را روایت کرده است این حدیث را ابوداود بسند صحیح باب در نهی از
قسم خوردن بامانت روایت ست از بریده مرفوعا کسیکه قسم خورد بامانت پس نیست از
ما روایت کرده است این را ابوداود بسند صحیح باب در نهی از قسم خوردن بملة غیر اسلام روایت
ست از ابو زید گفت او فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم کسیکه قسم خورد بملة غیر اسلام دروغ گویند قصدا
پس او ست مانند آنچه گفته است روایت کرده است این را صحیحین و در روایت از بریده مرفوعا
کسیکه قسم خورد پس گفت من بیزارم از اسلام پس اگر باشد دروغگو پس او ست مانند آنچه
گفته و اگر باشد راست گو پس هرگز رجوع نخواهد کرد باسلام سلامت روایت کرده است این
حدیث را ابوداود باب در بیان آنچه آمده است در غیبت و قول خدا تعالی و غیبت نکند
بعض شما بعضی را تا آخر آیه روایت ست از ابو بکره آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود در خطبه خود
در روز نحر کدام ماه است این پس خاموش شدیم تا آنکه گمان کردیم که رسول الله نام نهد
آنرا بغیر نام وی پس فرمود آیا نیست ذی الحجه گفتیم آری پس فرمود کدام شهر است این
پس خاموش شدیم تا آنکه گمان کردیم آنکه رسول الله نام نهد آنرا بغیر نام آن پس فرمود
آیا نیست شهر حرام پس گفتیم آری پس فرمود کدام روز است این پس خاموش شدیم تا
آنکه گمان کردیم آنکه وی نام نهد آنرا بغیر آن پس فرمود آیا نیست روز نحر گفتیم بلی
پس فرمود هر آئینه خونهای شما و مالهای شما و آبروهای شما بر شما حرام ست مانند حرمت
روز شما که این ست در ماه شما که اینست در شهر شما که اینست و شتاب ست که ملاقات کنید
با پروردگار خود پس سوال کند شما را از اعمال شما خبردار پس نگردید پس از من گمراهان که
بزند بعض شما گردن های بعضی را خبردار پس باید که برساند حاضر از شما غائب را پس شاید که

٦٧

وعن جابر مرفوعا من اعطي عطاء فوجد فليجز به

باب ما جاء في اهل الطاعة

و روایتست از جابر مرفوعا کسیکه داده شود چیزی پس بدل اندید اگر یافت پس اگر نیافت پس ثنا
گوید بروی بآن پس هر آئینه ثنا شکرست پس اگر ثنا گفت بروی پس تحقیق شکر کرد واگر پوشیده
کرد آنرا پس تحقیق ناشکری او کرد **باب** در بیان آنچه آمده است در اهل طاعت مسخر کردن به
ناتوانی ایشان **روایتست** از ابن مسعود رض گفت او چون نازل شد آیت خیرات بودیم
می برداشتیم بر پشتهای خود پس آمد شخصی پس خیرات کرد بچیزی پس گفتند ریاکارست و آمد مردی
پس خیرات کرد بیک صاع پس گفت هر آئینه خدا بی پرواست از صاع این پس نازل شد کسانیکه
عیب میکنند خیرات کنندگان تا آخر آیه **باب** در مسخر کردن و قول خدا تعالی هر آئینه گناهگاران
بودند که بر مومنان میخندیدند تا آخر آیه و قول خدا تعالی ای مومنان مسخر نکنند قومی از قومی تا
آخر آیه **روایتست** از حسن که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه مسخر کنندگان کشاده
شود واول ایشان از دروازه پایان در بهشت پس گفته شود یکی را از ایشان بیا پس بیاید بغم و
اندوه پس چون بیاید نزدیک او بند کرده شود نزد او دروازه پس همیشه باشد چنین تا آنکه
یکی از ایشان کشاده کرده شود بهر او دروازه از دروازهای بهشت پس گفته شود او را بیا
پس نه آید بآن از ناامیدی روایت کرده است این را صحیحین و مر بیهقی و ابن ابی حاتم و غیر آن
راست مرفوعا از ابن عمر کسیکه آمد عیب گوی غیبت کننده راست نشانی او آنکه داغ نهد او را
خدا تعالی بر بینی از هر طرف **باب** در ترسانیدن مسلمان و اظهار سیری نمودن بآنچه داده
نشده است **و مر صحیحین** راست از اسماء آنکه زنی گفت ای رسول خدا ... هر آئینه مرا انباغی است آیا
هست بر من گناه آنکه اظهار سیری کنم از شوهر خود بآنچه نداده باشد. پس فرمود اظهار کننده
سیری بآنچه داده نشده باشد مانند پوشنده دو جامه دروغ است **باب** در بیان کردن
گناه **و مر صحیحین** راست از ابو هریره مرفوعا هر امت معفو کرده شود مگر ظاهر کنندگان و
هر آئینه از بیباکی است آنکه عمل کند مردی عملی را در شب باز صباح کند در حال آنکه پوشیده باشد
او را خدا او بگردد می بردارد پرده خدا را که بروی است **باب** در بیان آنچه آمده است در

۷۹

دوست میدشتند آنکه مشهورشود بحیائی در کسانیکه ایمان آوردند تا آخر آیه **باب** در رشوه

و قول خدا تعالی و نه خرید بدل آیتهای ما بهای اندک را تا آخر آیه و روایتست از ابن عمر مرفوعا لعنت

گفته است رسولخدا صلی الله علیه وسلم رشوت دهنده و رشوت خورنده صحیح گفته است این را ترمذی و

مر احمد راست از ثوبان رض مرفوعا که لعنت فرموده است رسولخدا صلعم بر رشوت دهنده و رشوت

خورنده **باب** در پیشکشهای امیران آیا خیانت است **روایت** است از ابو حمید ساعدی

گفت عامل گردانید رسولخدا صلی الله علیه وسلم مردی را بر جمع زکوة پس چون آمد گفت این برای شماست

و این تحفه داده شده است مرا پس خطبه فرمود رسولخدا صلی الله علیه وسلم چه حالست آن مرد را که عامل میگردانیم

او را بر کاری از آنچه والی گردانیده است ما را خدا بر آن پس گوید این شماراست و این هدیه داده

شده است مرا پس چرا نمی نشیند یکی از شما در خانه پدر خود یا خانه مادر خود پس بنگرد آیا

تحفه داده میشود او را یا نه قسم بآنذات که نفس من در دست اوست نمیگیرد یکی از شما

چیزی را بغیر حق آن مگر ملاقات کند با خدا که می بر دارد آنرا در روز قیامت اگر باشد شتر

مر او را آواز باشد یا گاو مر او را آواز باشد یا گوسپند که آواز کند باز بالا کرد هر دو دست

خود را تا آنکه دیدیم سفیدی بغلهای مبارک او باز فرمود بار خدایا بتحقیق رسانیدم فرمود

این را سه بار **باب** در بیان پیشکشی گرفتن بر شفاعت **روایت** است از ابوامامه رض

مرفوعا کسیکه شفاعت کرد برادر خود را پس تحفه داده شد او را بر آن تحفه پس قبول کرد

آنرا پس بتحقیق آمد بدر دروازه از دروازه های ربا روایت کرده است این را ابو داود و

روایت کرده است ابراهیم حربی از ابن مسعود رض گفت رشوت آنست که ادا کند کسی حاجت

را پس تحفه فرستد وی با وی پس قبول کند آنرا و مر ابراهیم راست از مسروق از ابن مسعود رض

بلکه رد کرد از مسلمان مشکلی پس بدل آن داد او را بر آن اندک یا بسیار پس آن

حرامست گفتم ای ابا عبد الرحمن نبودیم دیدیم سحت را مگر رشوت در حکم فرمود این

کفرست و کسیکه حکم نکند بآنچه فرستاده است خدا پس آنگروه ایشانند کافران **باب** در

بعض از آنانکه برسد او را حدیث آنکه باشد خوب یاد دارنده از بعض آنانکه شنیده است آنرا
باز فرمود خبر دار آیا رسانیدیم گفتیم آری فرمود بار خدایا گواه شو روایت کرده است این
را ابن حبان و در صحیحین است از ابن عمر مرفوعا مسلمان کسی ست که سلامت مانند مسلمانان از زبان
او و دست او و مهاجر کسی ست که ہجرت کند از آنچه منع کرده است خدا از آن و روایت
است از ابوہریرۃ رض مرفوعا کسیکه خورد گوشت برادر خود را در دنیا نزدیک کرده شود
آن برادر او را در روز قیامت پس گفته شود او را بخور او را مرده چنانچه میخوردی او را
زنده و ترش رو شود و فریاد زند روایت کرده است این را ابویعلی و مر ابن حبان راست در
قصه ماعز آنکه مردی گفت مر دیگری را ببین باینکه پرده کرد خدا بروی پس نگذاشت نفس خود
را تا آنکه سنگسار کرده شد مانند سنگسار کردن سگ پس فرمود مر ہر دو را رسول الله صلی الله علیه وسلم
بخورید از تن مردار این خر چنانچه خوردید آبروی این مرد را این جز این نیست گفتند سخت تر از
خوردن مردار و مر صحیحین راست از ابن عباس آنکه نبی صلی الله علیه وسلم گذشت بر دو قبر پس فرمود هر آینه
این دو عذاب داده میشوند و عذاب داده نمیشوند در کاری که اجتناب از آن سخت بود اما
یکی از ایشان پس بود پاکی نمیکرد از بول و اما دیگر پس بود میرفت بچغلی و روایت کرده است
بخاری در ادب مفرد مانند آن از روایت جابر و در اوست یا یکی از ایشان پس بود غیبت
مردمان میکرد و در ترمذی ست از عائشه رض آنکه وی گفت بس است ترا از صفیه چنین و
چنان مقصود میداشت کوتاه قد پس گفت البته تحقیق گفتی سخنی اگر آمیخته شود بآب دریا
البته متغیر میکرد آنرا باب در گمراه کردن نابینا از راه روایت است آنکه نبی صلی الله علیه وسلم
لعنت کرد بر کسیکه گمراه کرد نابینا را از راه و مر ابوداود راست از معاذ رض مرفوعا کسیکه
نگاه کرد مومن را از ضرر منافق بفرستد خدا او را فرشته که نگاهدارد او را در روز قیامت
از آتش دوزخ و کسیکه رساند مومن را شر میخواهد عیب او بند کند او را خدا بر پل دوزخ تا
آنکه پاک شود از آنچه گفته است باب در مشهور کردن عیوب و قول خدا تعالی هر آینه کسانیکه

من پادشاهان که نروند بر راه من و نه عمل کنند بر سنت من و در ایشان مردانی باشند
دلهای ایشان دلهای شیطانان است در صورت انسان گفتم چگونه کنم ای رسول خدا اگر یابم
آنرا فرمود بشنو و فرمانبرداری امیر کن و اگر چه بزند پشت ترا و بگیرد مال ترا او فرمانبردار
کن و در مسلم است از عرفجه اشجعی مرفوعا کسیکه آمد بشما و حال آنکه کاری شما متفق بر یک
شخصی است میخواهد که بشکناند عصای شما را و پراگنده کند جماعت شما را پس بکشید او را

باب در بیان آنچه آمده است در فتن و قول خدای تعالی و بترسید از فتنه که نمیرسد ستمگاران
را از شما خاص و قول خدای تعالی او ست قادر بر آنکه بفرستد بر شما عذابی را تا آخر آیه و در
ست از ابن عمر گفت بودیم در سفر پس آواز داد رسول خدا صلعم نماز جمع کننده است پس
جمع شدیم پس فرمود هر آینه شان نیست هیچ نبی پیش از من مگر بود حق بر وی که دلالت کند
امت خود را بر بهتر آنچه میداند ایشانرا و بترساند ایشانرا از شر آنچه میداند ایشانرا و هر آینه
امت من این گردانیده است خدا عافیت در اول آن و زود است که برسد آخر این را
بلاهای و کارها که ناخوش میدارید آنرا و بیاید فتنها بعضی در پس بعضی پس گوید مومن این
هلاکت من است باز برداشته شود و باز بیاید فتنه پس گوید این است پس کسیکه دوست دارد
آنکه داخل شود به بهشت و دور شود از آتش پس باید او را مرگ و او مومن باشد
بخدا و بروز آخرت و دوست میدارد مردمانرا آنچه دوست دارد نفس خود و کسیکه بیعت
کند با امامی و بدهد او را میوه دل خود پس وفا کند به بیعت خود روایت کرده است این را
مسلم و روایت از ابوهریره مرفوعا شتاب کنید بعملها پیش از آمدن فتن مانند قطعه های
شب تاریک بامداد کند آدمی مومن و شب کند کافر و شب کند مومن و صبح کند کافر
بفروشد دین خود را بمتاعی از دنیا و در مسلم است از معقل بن یسار مرفوعا که عبادت
در جنگ مانند هجرت است بسوی من و در صحیحین است از حذیفه آنکه عمر گفت کدام یک از شما یاد
میدارد قول رسول خدا صلعم در فتنه پس گفتم منم پس فرمود بیار هر آینه تو بر وی دلیری

٧١

خیانت و قول خدایتعالی و نیست هیچ نبی را آنکه خیانت کند و کسیکه خیانت کرد بیارد خیانت
خود را در روز قیامت تا آخر آیه روایت است از ابو هریره رض مرفوعا گفت او چون فتح
خیبر کرد خدایتعالی ما را و ان غنیمت یافتیم ... و با رسول الله صلعم غلامی بود گفته میشد او را مدعم پس
چون نزدیک وادی آمدیم در وادی زده شد او به تیری پس مردی بگفتیم مبارک باد او را شهادت
ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود نه چنین است قسم بآن ذاتیکه نفس من در دست اوست هر آینه
شمله شعله میزند بر وی آتش شده که گرفته بود آنرا از مغانم در روز خیبر که نرسیده بود
آنرا قسمت پس ترسیدند مردمان پس آمد مردی بیک تسمه یا دو تسمه از آتش است روایت
کرده است این را صحیحین باب در متابعت سرداران و قول خدایتعالی ای کسانیکه ایمان
آورده اند فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و صاحبان حکم را از شما تا آخر آیه و قول
خدایتعالی پس بترسید از خدا قدر طاقت خود روایت است از معاذ بن جبل رض مرفوعا که غزا
دو است پس کسیکه طلب کند بآن رضامندی خدا و فرمانبرداری امام کرد و خرج کرد مال
خوب و آسانی کند با شریک پس هر آینه خواب او و بیداری او ثواب است همه آن و کسیکه
غزا کرد از روی فخر و نمود داری و نافرمانی امام و فساد کرد در زمین پس هر آینه وی نمی
گردد برابری روایت کرده است این را مالک و ابو داود و روایت است از ابن عمر مرفوعا
که شنیدن و حکم امیر و تابعداری او کرده شود در آنچه دوست دارد و ناپسند دارد پس
چون حکم کند بگناه پس نیست شنیدن و نه فرمانبرداری کردن روایت کرده است این را صحیحین
باب در بیرون شدن از جماعت مسلمانان و قول خدایتعالی و کسیکه نافرمانی رسول کند
بعد از واضح شدن هدایت او را تا آخر آیه و قول خدایتعالی و چنگ زنید بر رسن خدا همه
و تفرق نکنید روایت است از ابن عباس رض مرفوعا کسیکه ناخوش دارد از امیر خود چیزی را
پس باید که صبر کند پس هر آینه شان اینست کسیکه بیرون رفت از بادشاه مرد بر مرگ
جاهلیت روایت کرده است این را صحیحین و در مسلم است از حذیفه رض مرفوعا باشد پس از من

دست خود را تا کشتی مرا تیم من در از کننده دو دست خود بطرف تو تا بکشم ترا
تا آخر آیه **باب** در بزرگی کشتن آن نفس که حرام کرده است آنرا خدا مگر بحق **روایت**
است از سالم بن عبد الله بن عمر گفت ای اهل عراق سوال میکنیم از شما از کم چیز سوال
میکنم شما را بچیزی بزرگ شنیدم از پدر خود که میگفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه
وسلم که میگفت مو خواهد آمد از این طرف و اشارت کرد بدست خود بطرف مشرق از
آنطرف بخیزد شاخ شیطان و شما را آنوقت بزند بعض شما گردنهای بعضی را
وجز این نیست که کشت موسی آنکس را که کشت از کسان فرعون بخطا پس فرمود
خدا تعالی و کشتی نفسی را پس رها کردیم ترا و آزمایدیم ترا آزمایدن روایت کرده
است این را مسلم **و در صحیحین** است از مقداد که گفتم ای رسول خدا خبر ده مرا اگر
ملاقات کنم مردی را از کفار پس جنگ کردیم باهم پس زد یکی از دو دست من به
شمشیر پس بریدآن را باز پناه گرفت از من بدرخت پس گفت گردن نهادم مر خدا
را آیا بکشم او را فرمود مکش او را پس اگر کشتی او را پس هرآینه وی بمرتبه تست پیش
از کشتن تو ویرا و تو بمرتبه اوئی پیش از گفتن وی آن کلمه را که گفته است آنرا
و در صحیحین است از اسامه گفت او فرستاد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم بحرقه که
قومی است از جهینه پس تاراج کردیم قوم را بر آبهای ایشان و پیوست شدم من
و مردی از انصار مردی را از ایشان پس چون پوشانیدیم او را فرمود نیست
لائق عبادت غیر خدا پس بند شد از وی انصاری پس زدم او را به نیزه خود پس
کشتم او را پس چون آمدیم رسید این ماجرا برسول خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود مرا ای اسامه
آیا کشتی او را پس از آن که گفت نیست لائق عبادت غیر خدا گفتم ای رسول خدا جز
این نیست بود پناه گیرنده پس فرمود آیا کشتی او را پس از آن که گفت نیست
لائق عبادت غیر خدا پس همیشه بود که مکرر میکرد این سخن را تا آنکه آرزو کردم آنکه

فقلت سمعته يقول فتنة الرجل في اهله وماله وولده وجاره تكفرها الصلاة والصيام والصدقة والامر بالمعروف والنهي عن المنكر فقال ليس هذا اريد ولكن التي تموج كموج البحر فقلت ما لك ولها يا امير المؤمنين بينك وبينها باب مغلق فقال ايكسر الباب ام يفتح قلت بل يكسر قال ذلك احرى ان لا يغلق ابدا فقلت لحذيفة اكان عمر يعلم من الباب قال نعم كما يعلم ان دون غد الليلة اني حدثته حديثا ليس بالاغاليط فهبنا ان نسأل حذيفة من الباب فامرنا مسروقا فسأله فقال عمر

پس گفتم شنیدم ازوی که میگفت که فتنه مرد در اهل او و مال او و اولاد او و همسایه او دور میکند آنرا نماز و روزه و صدقه و امر به نیکی و نهی از بدی پس گفت اراده نمیدارم این را بجز این نیست اراده دارم آنکه موج میزند مانند موج دریا پس گفتم نیست ترا با آن تعلق ای امیر مومنان درمیان تو و درمیان آن دروازه هست بند کرده شده پس گفت آیا کشاده کرده شود دروازه یا شکسته شود گفتم بلکه شکسته شود فرمود این لایق تر است که بند کرده نشود پس گفتم حذیفه رضی را آیا بود عمر که میدانست که کیست دروازه گفت چنانچه میدانست آنکه پیش روز شب است هر آینه من حدیث گفتم او را حدیثی که نبود غلطیها پس ترسیدیم که سوال کنیم ازو که کیست دروازه پس گفتیم مسروق را که سوال کن تو ازوی پس سوال کرد ازو پس گفت عمر بود و مر مسلم راست از ابو بکره مرفوعا آنکه زود است که شود فتنها نشسته در آن بهتر است از استاده و استاده در آن بهتر است از رونده و رونده در آن بهتر است از کوشش کننده بطرف آن خبردار و قتیکه فرود آید آن فتنها واقع شود پس کسیکه باشد او را شتران پس باید پیوسته شود بشتران خود و کسیکه باشد او را گوسپندان پس باید پیوسته شود بگوسپندان خود و کسیکه باشد او را زمین پس باید پیوسته شود بزمین پس گفت او را مردی ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم خبرده مرا از حال کسیکه نباشد او را شتران و نه گوسپندان و نه زمین گفت قصد کند بشمشیر خود پس بزند آنرا بسنگ باز رهایی طلبد اگر طاقت رهایی داشته باشد گفت بار خدایا بتحقیق رسانیدم گفت این را سه بار پس گفت مردی ای رسول خدا آیا می بینی اگر جبر کرده شدم تا آنکه برده شوم بیکی از دو صف پس بزند مرا مردی بشمشیر خود یا بیاید تیری پس کشته شدم گفت بگردد بگناه تو و بگناه خود پس شود از اهل دوزخ و مر ابن ماجه راست از سعد که گفت او ای رسول خدا آیا می بینی اگر داخل شد بر من در خانه من و کشاد طرف من دو دست خود را تا که بکشد مرا گفت باش مانند بهتر از دو پسر آدم و خواند قول خدای تعالی اگر دراز کنی بطرف من

ولمسلم عن ابي بكرة مرفوعا انها ستكون فتن الا ثم تكون فتنة القاعد فيها خير من الماشي والماشي فيها خير من الساعي اليها الا فاذا نزلت او وقعت فمن كان له ابل فليلحق بابله ومن كان له غنم فليلحق بغنمه ومن كانت له ارض فليلحق بارضه فقال رجل يا رسول الله ارأيت من لم يكن له ابل ولا غنم ولا ارض قال يعمد الى سيفه فيدق على حده بحجر ثم لينج ان استطاع النجاء اللهم هل بلغت ثلاثا فقال رجل يا رسول الله ارأيت ان اكرهت حتى ينطلق بي الى احد الصفين فيضربني رجل بسيفه او يجيء سهم فيقتلني قال يبوء باثمه واثمك ويكون من اصحاب النار

ولابن ماجه عن سعد قال يا رسول الله ارأيت ان دخل علي بيتي وبسط يده الي ليقتلني قال كن كخير ابني آدم وتلا لئن بسطت الي يدك الآية

لائق ترین مردمان به نیک گذران من فرمود مادر توست گفت باز کیست فرمود مادر
تو گفت باز کیست فرمود مادر تو گفت باز کیست فرمود پدر تو روایت کرده است
این را صحیحین و در بخاری است از ابن عمر مرفوعا که گناهان بزرگ شریک مقرر کردن
با خداست و آزار دادن والدین است و کشتن نفس است و قسم دروغ است **باب**
در بیان قطع صله و قول خدای تعالی و گمراه نمیشود بآن مگر فاسقان که میشکنند عهد
خدارا تا آخر آیة و در صحیحین است از جبیر بن مطعم که داخل نخواهد به بهشت قطع کننده رحم
و در صحیحین است از ابو هریره رض مرفوعا هر آینه خدا پیدا کرد خلق را تا آنکه فارغ شد از
ایشان خواست رحم پس فرمود این مقام پناه گیرنده است بتو از قطع رحم گفت آری
آیا خوش نمیشوی بآنکه وصل کنم با کسیکه بپیوست میکند ترا و قطع کنم با کسیکه قطع کند ترا
گفت آری فرمود پس اینست پس فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم بخوانید اگر خواهید
پس ای ضعیف ایمان اگر متولی امور مردمان شوید البته نزدیک آید از آنکه تباه کاری
کنید در زمین و قطع قبیله داری کنید تا آخر آیة **باب** در اذی رسانیدن همسایه و
قول خدای تعالی و نیکی کنید بهمسایه صاحب قرابت و همسایه دور تا آخر آیة روایت
است از ابو شریح مرفوعا کسیکه ایمان می آرد بخدا و روز آخرت پس بگوید خیری را یا
خاموش شود روایت کرده است این را مسلم و در صحیحین است از ابو هریره رض مرفوعا قسم
بخدا ایمان نمی آرد قسم بخدا ایمان نمی آرد گفته شد ای رسول خدا کدام کس فرمود کسیکه
در امن نباشد همسایه او از فسادهای وی و در روایتیست داخل نخواهد شد به بهشت
کسیکه در امن نباشد همسایه او از شرهای او بوائق فسادها و شرها را گویند و در ترمذی است
و حسن گفته است او را از ابن عمر رض مرفوعا بهترین یاران نزدیک خدا بهترین ایشان است
مر همسایه خود را و در مسند و صحیح حاکم است از عمر رض مرفوعا بر اهل میدانی که صباح کند
در ایشان مرد گرسنه پس تحقیق بیزار شد از ایشان امان خدای با برکت و بلند و در

۷۵

بودم اسلام می آوردم پیش ازین روز و در روایتی ست فرمود آیا شگافتی دل
او را ۹م مسلم راست گفت ای رسول خدا آمرزش طلب کن مرا فرمود چه خواهی کرد
به لا اله الا الله در روز قیامت ۹م بخاری راست از ابن عمر مرفوعا همیشه میباشد
بنده در فراخی از دین خود تا آنکه نرسیده است خون حرام را **باب** در بسیار
کردن لشکر در فتنها **روایت** ست از ابو هریره رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم
فرمود کسیکه بر داشت بر ما اسباب کار زار پس نیست از ما روایت کرده است این حدیث
را مسلم ۹م بخاری راست از محمد بن عبد الرحمن بن الاسود که گفت مقرر کرده شد
بر اهل مدینه لشکری پس نوشته کرده شدم در آن پس ملاقات کردم با عکرمه پس خبر دادم
او را پس منع کرد مارا به سخت منع و گفت خبر داده است مرا ابن عباس آنکه مردمانی
را مسلمانان بودند با مشرکان بسیار میکرد جماعت مشرکان را می آمد تیر پس میرسید یکی
را از ایشان پس میکشت او را یا میزد او را پس میکشت پس نازل کرد خدای تعالی هر آئینه
کسانیکه قبض روح ایشان کرد فرشتها در آن حال که ستم کنندگان بودند بر خانهای خود تا
آخر آیة و قول رسول الله و لکن مستحق عذاب کسی ست که راضی شد و تابعداری کرد **باب**.
در بیان آزار دادن والدین و قول خدای تعالی شکر کن مرا و مادر و پدر خود را طرف من
ست بازگشت **روایت** ست از ابن عمر که آمد مردی بر سول خدا صلی الله علیه وسلم پس گفت ای رسول
خدا بیعت میکنم با تو بر هجرت و جهاد میخواهم ثواب از خدای تعالی فرمود آیا کسی فرمود پس بگرد
بمادر و پدر خود پس خوب کن خدمت ایشان پس روایت کرده است این را صحیحین و لفظ حدیث
مسلم راست و روایت از معاویه بن جاهمة که پدر وی گفت ای رسول خدا اراده
دارم آنکه غزا کنم و تحقیق آمدم مشورت میخواهم از تو فرمود پس آیا هست ترا مادر گفت آری
فرمود پس لازم گیر خدمت او را پس هر آئینه بهشت نزدیک دو پای او است روایت کرده
است این را احمد و نسائی و روایت ست از ابو هریره آنکه مردی گفت ای رسول خدا کیست

وخیانت وتفسیر امانت وقول خدای تعالی هر آینه خدای تعالی امر میکند شمارا آنکه ادا کنید امانت
هارا باهل آن وقول خدای تعالی هر آینه ما پیش کردیم امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها روا
کرده است بیهقی از ابن مسعود که گفت او کشتن در راه خدا دور میکند گناهان را همه آن
مگر امانت و قرض آورده شود بنده در روز قیامت واگرچه کشته شده باشد در راه
خدا پس گفته شود او را ادا کن امانت خود را پس گوید ای پروردگار من چگونه دهم و تحقیق
رفته است دنیا پس گفته شود ببرید او را بهاویه پس ببرد او را آن و متصور شود امانت
وی مانند شکل آن در روزیکه افتاده بود بوی پس قصد کند در پی وی تا آنکه بیابد آن
را پس بر دارد آنرا بر شانه خود تا آنکه گمان کند که او بیرون شونده است بلغزد از
شانه وی پس فرو رود در پی آن همیشه همیشگان فرمود او نماز امانت است و وضو امانت
است سنجیدن امانت است و پیمانه کردن امانت است و شمرد چیزها را و سخت ترین آن
امانات است پس آمدم براء پس گفتم آیا نمی بینی بآنچه میگوید ابن مسعود گفت چنین و
چنان گفت درست گفته است آیا نشنیده که خدای تعالی میگوید هر آینه خدا امر میکند شمارا
آنکه ادا کنید امانات را باهل آن گفته است زید بن اسلم آن غسل است از جنابت و روزه
آنچه پوشیده است از احکام **باب** سرداریها از امانت است روایت است از
ابو هریره رض آنکه یک اعرابی سوال کرد از رسول الله صلی الله علیه وسلم کی باشد قیامت
فرمود وقتیکه ضایع کرده شود امانت پس منتظر قیامت باشید گفت چگونه است ضایع
شدن آن فرمود وقتیکه سپرده شود کار بغیر اهلش پس انتظار می قیامت کنید
روایت کرده است این را بخاری **باب** در نهی از طلب سرداری روایت است
از عبد الرحمن بن سمره مرفوعا که سوال مکن امارت را پس هر آینه تو اگر داده شدی
سرداری بغیر سوال کردن مدد داده شوی بر آن و اگر داده شدی آن از سوال
سپرده شوی بآن و وقتیکه قسم خوری بر چیزی پس ببینی غیر آن بهتر از آن

٧٦

صحیح حاکم ست از ابن عباس رض مرفوعا نیست مومن آنکه سیر شود وی و همسایه وی گرسنه
باشد و در روایتی ست مومن نیست کسیکه شب گذارد و همسایه او گرسنه باشد باب در
سبک شمردن اهل فضل روایتیست از ابن عمر رض مرفوعا نیست از ما کسیکه رحم نمیکند بر خورد ما و
نمی شناسد بزرگی کلان ما صحیح گفته است این را ترمذی و در ابوداود است از ابو موسی
مرفوعا که از عزت دادن بخدا است عزت دادن بصاحب موی سفید مسلمان و حافظ
قرآن نه تجاوز کننده از حد و نه دور شونده از عمل آن نیست از امت من کسیکه عزت کلان
سال ما نکند و رحم نکند بر خورد ما و نشناسد عالم ما را وحق او باب در ناخوش کردن
شوهر و قول خدا تعالی پس زنان نیکوکار فرمان بردارنده نگاهدارنده در غیبت شوهر به
نگاهداشت خدا تا آخر آیه روایت ست از ابوهریره رض مرفوعا قسم بآن ذات که نفس من در
دست اوست نیست هیچ مردی که بخواند زن خود را بفراش خود پس انکار کند او بر وی
مگر لعنت گوید بر وی فرشتها تا آنکه بامداد کنند روایت کرده است این را صحیحین و در روایت
ست از ابوهریره رض مرفوعا اگر می بودم که امر میکردم کسی را که سجده کند کسی را البته امر میکردم
زن را که سجده کند شوهر را باب در اذی رسانیدن به نیکان و قول خدا تعالی
کسانیکه اذی میرسانند مومنان و مومنات را بغیر آنچه کردند تا آخر آیه روایت ست از
ابوهریره رض آنکه ابوسفیان آمد به سلمان و صهیب و بلال در چند کس پس گفتند نگرفت شمشیرهای
خدا از گردن دشمن خدا جای گرفتن خود پس گفت ابوبکر آیا میگوئید این مر شیخ قریش و
سردار ایشان را پس آمد برسول الله صلی الله علیه وسلم پس خبر داد او را پس فرمود ای ابوبکر
شاید که تو خشم کرده باشی بر ایشان اگر خشم کرده باشی بر ایشان البته بتحقیق خشم کردی
بر پروردگار خود پس فرمود ابوبکر ای برادران من شاید که من خشم کردم بر شما
گفتند نه آمرزش کند ترا خدا تعالی ای برادرک من روایت کرده است این را مسلم و حسن گفته است او را
ابوبکر کسیکه تخفیف سلطان کند ذلیل کند او را خدا باب در آنچه آمده است در امانت

سفیان آنکه ابو بکر گفت او را ای یزید هر آینه ترا قرابت ست شاید که تو اختیار کنی ایشان
را بسرداری و این بسیار ترسناکتر است که میترسم بر تو پس از آنکه گفته است رسول خدا صلی الله
علیه وسلم کسیکه والی شد از کارهای مسلمانان چیزی را پس سردار ساخت کسی را از روی دوستی
پس بر ویست لعنت خدا قبول نمیکند خدا از وی فرض و نه نفل تا آنکه داخل کند او را در
جهنم روایت کرده است حاکم و تصحیح آن کرده است از ابن عباس رض مرفوعا کسیکه عامل گرداند
کسی را بر گروهی و در ایشان کسی باشد دوست تر بخدا از وی پس تحقیق خیانت کرد
خدا و رسول او را و مومنان را باب در ستم و ظلم و خوف سرداری روایت کرده
حاکم و صحیح گفته است او را که نیست هیچکس که باشد بر چیزی از کارهای این امت پس انصاف
نکند مگر سرنگون کند او را خدای تعالی در دوزخ و روایت است از معاذ مرفوعا بترسید از بد
دعای مظلوم پس هر آینه آن نیست در میان وی و در میان خدا پرده و مسلم راست
از عدی بن عمیره مرفوعا کسیکه عامل گردانیم ما او را بر کاری پس پوشانید از ما سوزنی
پس آنچه بالای آنست هست خیانت بیاورد آنرا در روز قیامت وای ست سرداران
را وای ست کلانهای دیه را وای ست امینان را البته آرزو کنند قومهای در روز
قیامت آنکه گیسوهای ایشان می بود آویزان شده به پروین می آویختند در میان آسمان
و زمین و نمی بودند که حامل میشدند بر چیزی باب در سرداری کسیکه خوب عدل نمی
تواند روایت ست از ابو ذر مرفوعا ای ابو ذر هر آینه من می بینم ترا ناتوان و
هر آینه من دوست میدارم ترا آنچه دوست میدارم جان خود را امیر مشو بر دو کس و
والی مال یتیم مشو روایت کرده است این را مسلم و مر ابو داود راست از بریده مرفوعا
قاضیان سه اند یک در بهشت ست و دو در دوزخ پس آنچه در بهشت ست
پس مردیست که شناخت حق را پس حکم کرد بآن و مردیست که شناخت حق را و جور کرد
در حکم پس او در دوزخ ست و مردی ست که حکم کرد مردمان را بجهل پس وی

۷۹

سفيان ان ابا بكر قال له يا يزيد ان لك قرابة عسيت ان تؤثرهم بالامارة وذلك اكثر ما اخاف عليك بعد ما قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ولى من امر المسلمين شيئا فامر عليهم احدا محاباة فعليه لعنة الله لا يقبل الله منه صرفا ولا عدلا حتى يدخله جهنم الحاكم وصححه عن ابن عباس مرفوعا من استعمل رجلا على عصابة وفيهم من هو ارضى لله منه فقد خان الله ورسوله والمؤمنين باب الجور والظلم وخطر العمل الحاكم وصححه ما من احد يكون على شيء من امور هذه الامة فلم يعدل فيهم الا كبه الله في النار وعن معاذ مرفوعا اتقوا دعوة المظلوم فانها ليست بينها وبين الله حجاب ولمسلم عن عدي بن عميرة مرفوعا من استعملناه على عمل فكتمنا مخيطا فما فوقه كان غلولا ياتي به يوم القيمة ويل للامراء ويل للعرفاء ويل للامناء ليتمنين اقوام يوم القيمة ان ذوائبهم كانت معلقة بالثريا يتذبذبون بين السماء والارض ولم يكونوا عملوا على شيء باب من لا يحسن العدل ولاية وعن ابي ذر مرفوعا يا ابا ذر اني اراك ضعيفا واني احب لك ما احب لنفسي لا تامرن على اثنين ولا تولين مال يتيم رواه مسلم ولابي داود عن بريدة مرفوعا القضاة ثلثة واحد في الجنة واثنان في النار فاما الذي في الجنة فرجل عرف الحق فقضى به ورجل عرف الحق فجار في الحكم فهو في النار ورجل قضى للناس على جهل فهو في النار

پس بیا بانچیزکه آن بهترست وکفارت ده از قسم خود روایت کرده است این را صحیح مسلم
و مسلم است از ابوذر گفتم ای رسول خدا آیا عامل نمیکنی مرا پس زد شانه مرا بدست خود
باز فرمود ای ابوذر به آینه من می بینم ترا ناتوان و به آینه سرداری در روز قیامت رسوائی
و پشیمانی ست مگر کسیکه گرفت آنرا بحق آن و ادا کرد آنرا که بر وی ست در آن باب
در انچه آمده است در خیانت کردن حق رعیت روایت ست از معقل بن یسار رض
هیچ سرداری که سردار شود رعیتی را از مسلمانان پس بمیرد او بدخواه ایشان باشد مگر
حرام کند خدا بر وی بهشت را روایت کرده است این را صحیحین و روایتی است از وی
که گفت او شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود نیست هیچ بنده که طلب
نگاهبانی کند خدا او وی رعیتی را پس در نگیرد ایشانرا بخیر خواهی مگر نیابد بوی بهشت را
روایت کرده است این را صحیحین باب در شفقت بر رعیت و قول خدا تعالی و زیر
کن بازوی خود را برای مومنان و قول خدا تعالی پس بسبب مهربانی خدا نرم شدی
ایشانرا تا آخر آیه و مسلم راست از عائشه رض مرفوعا کسیکه سردار شد از کار امت من
چیزی را پس سختی کرد بر ایشان پس سختی کن بر وی و کسیکه سردار شد از کار امت من
چیزی را پس مهربانی کرد بر ایشان پس مهربانی کن بر وی باب در پرده شدن از
رعیت روایت است از ابومریم ازدی آنکه وی گفت معاویه را شنیدم از
رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود کسیکه سرداری داد او را خدا در چیزی از کارهای
مسلمانان پس پرده کرد از حاجت ایشان و ضرورت ایشان و احتیاج ایشان مگر
پرده کند خدا از حاجت و ضرورت و احتیاج او در روز قیامت پس مقرر کرد معاویه
مردی را بر کارهای مردمان روایت کرده است این را ابوداؤد و ترمذی و مر
ابوداود راست از عمرو بن مره جهنی صحیح گفته است این را حاکم باب در دوست
کردن در سرداری روایت کرده است احمد و حاکم و صحیح گفته است او را از یزید بن

و نگهبانی خود را از آتش تا آخر آیه روایت ست از ابن عمر که گفت او فرمود رسول خدا
صلی الله علیه وسلم همه شما شبانند و همه شما سوال کرده شوند از رعیت خود پس پادشاه
که بر مردمان ست شبان ست و وی سوال کرده شود از رعیت خود و مرد بر کسان
خانه خود شبان ست و او سوال کرده شود از رعیت خود و زن شبان ست بر خانه
شوهر خود و اولاد و او سوال کرده از ایشان و پسر شبان ست بر مال پدر خود و او سوال
کرده شود از رعیت خود و غلام مرد شبان ست بر مال آقای خود و او سوال کرده
شود از آن پس همه شما شبان ست و همه شما سوال کرده شوند از رعیت خود حدیث
متفق علیه ست **باب** در نرمی کردن با غلام **روایت** ست از ابن مسعود آنکه وی
زد بنده خود را پس فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم هر آئینه خدا توانا ترست بر تو از
توانائی تو بر این غلام پس گفتم وی آزاد ست برای رضای خدا پس فرمود خبردار
اگر نمیکردی البته میسوخت ترا آتش یا میرسید ترا آتش **باب** در چهارپایان
روایت ست از ابن عباس آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم گذشت بر خری تحقیق
داغ نهاده شده بود در روی او پس فرمود لعنت کند خدا کسی را که داغ نهاده
است بر روی او و در روایتی ست منع کرد رسول الله از زدن در روی و روایت کرده
است این را مسلم و در صحیحین است از ابو هریره مرفوعا داخل شد زنی در آتش بسبب
گربه که بند کرده بود آنرا پس نه طعام میداد او را و نه میگذاشت او را که بخورد از
حشرات زمین تا آنکه مرد و در مسلم است از ابن عمر مرفوعا بس ست آدمی را گناه آنکه
بند کند از مال خود قوت وی و در ابوداود است آنکه ضائع کند چیزی را که قوت
وی ست و در صحیحین است از حسن آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود صاحب
آن شتر را که علف نمیداد او را خبردار هر آئینه وی البته مخاصمه کند با تو در روز قیامت
باب ... گریخت **روایت** ست از جریر مرفوعا هر بنده که گریخت

٨١

در دوزخ ست و مسلم روایت کرد از ابو هریره کسیکه فتوی داده شد او فتوی بغیر علم گناه
آن بر کسیکه فتوی داده است او را **باب** در امانت در فروختن و خریدن و پیمانه و
ترازو و قول خدای تعالی پس ادا کند کسیکه امین شمرده شده است امانت خود را **روایت**
ست از حذیفه گفت او سخن فرمود مارا رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو سخن یکی را
از آن دو دیدم و من منتظر دیگرم سخن فرمود مارا آنکه امانت فرود آمد در میان دلهای
مردمان باز فرود آمد قرآن پس عالم شدند از قرآن و عالم شدند از سنت [illegible] باز دیگر
فرمود مارا از برداشتن امانت پس فرمود خواب کند آدمی یک بار خواب کردنی
پس برداشته شود امانت از دل او پس بگردد آن مانند اثر وکت باز خواب کند
یکبار خواب کردن پس بگردد اثر آن مانند آبله مانند اخگری که غلطاندی آنرا بر پای
خود پس پندد پس بینی آنرا بالا آمده و نباشد در آن چیزی باز گرفت سنگریزه
را پس غلطانید آنرا بر پای خود پس صبح کنند مردمان که خرید و فروخت کنند پس
نزدیک نباشد یکی از ایشان که ادا کند امانت را تا آنکه گفته شود هر آینه در بنی فلان
مردی است امین تا آنکه گفته شود مرد را که چه قوی است و چه هوشیار است و نباشد
در دل او مانند یک دانه از ایمان و البته آمده است بر من زمانه و باک نمیداشتم
با هر یکی از شما که خرید و فروخت کنم پس اگر مسلمان بود میگفتم البته رد خواهد کرد
آن امانت را بر من دین وی و اگر بود یهودی یا نصرانی میگفتیم البته رد خواهد
کرد آنرا بر من عامل وی و اما امروز نیستم من که معامله کنم با شما مگر با فلان و فلان
جذر اصل را گوید و وکت اثر اندک را گوید و مجل آماس اندک و مسلم روایت کرد در
حدیث شفاعت و فرستاده شود امانت و رحم پس ایستاده شوند بهر دو طرف صراط
راست و چپ **باب** در قول رسول الله صلی الله علیه وسلم همه شما شبان است و همه شما سوال
کرده شوند از رعیت خود و قول خدای تعالی ای [illegible] کنید جانهای خود ریزید

رسول الله صلی الله علیه وسلم

بیمکشید می

... به بیند آنرا بس اراده کند آنکه بدهد آن را
به برادر خود پس در میان ... دانرا باز بدهد آن را **باب** در ننگ **روایت** ست
از جندب بن مسعود مرفوعا پس اما کسیکه بد میدهد قوم خود را بر ناحق پس وی مانند آن
شتر ست که بیفتد در چاه پس وی بیرون میشود بجنبانیدن دم خود **باب** در کسیکه
جای دهد بدعتی را **روایت** ست از علی رض گفت او حدیث فرمود مارا رسولخدا صلی الله علیه
وسلم بچهار سخن لعنت کند خدا بر کسیکه ذبح کند برای غیر خدا لعنت کند خدا بر کسیکه لعنت
کند پدر و مادر و پدر خود و لعنت کند خدا بر کسیکه جای دهد بدعتی را لعنت کند خدا بر کسیکه
تغیر داد نشانهای زمین را روایت کرده است این را مسلم **کتاب** در ستم ها و قول خدا تعالی
هر آینه کسانیکه میخورند مالهای یتیمان بستم تا آخر آیه **باب** در غصب زمین **روایت** ست
از سعد بن ... ای تو بر این غلام ... بقدر یک بلشت از زمین بجبر پس هر آینه وی طوق
کرده شود آن زمین در ... قیامت از هفت زمین **باب** در ستمها در امامان
روایت ست از ابن عمر مرفوعا سه شخص اند قبول نمیکند خدا از ایشان نماز کسیکه امامت
کند قومی را و ایشان وی را مکروه دانندگان باشند و مردی ست که بیاید نماز دبار و
دبار آنکه بیاید نماز پس از فوت وقت آن و مردی ست که غلام گرداند آزاد را روایت
کرده است این را ابو داود و طبرانی بسند ... **روایت** ست از ابوامامه مرفوعا کسیکه بزند
دست پشت مسلمان بناحق ملاقات کند با خدا و او بر وی خشمناک باشد **باب** در ستم
در مالها ... ست و تاراج نمیکند تاراج کردن که بالا میکند در آن مردمان چشمها
را و قتیکه تاراج میکند آنرا و حال آنکه او مومن باشد **باب** در رسوا کردن مظلوم
روایت ست از سهل بن حنیف مرفوعا کسیکه ذلیل کرده شود نزدیک وی مسلمانی پس مدد نه دهد
او را ... تا در باشد آنکه ... ذلیل کند او را خدا عزوجل روبروی مخلوقات در روز
... روایت کرده ... گرفتن غلام را احمد و مر ابو داود در ست از جابر مرفوعا که نیست
... که شکست عزت آدمی ... شکسته میشود عزت او و کم میشود در وی آبروی او

٨٣

پس تحقیق بری شدا از وی ذمه خدا روایت
فرموده است خدا تعالی سه شخص ست که من جنگ کننده هستم با ایشان در روز قیامت
مردی ست که داد عهد بنام من باز غدر کرد و مردی ست که فروخت آزاد را پس
خورد قیمت آنرا و مردی ست که مزدور گرفت مزدوری را پس تمام میخواهد از وی
عمل و نمیدهد او را مزدوری او روایت کرده است این را بخاری باب در سوال
کردن زن طلاق را روایت کرده است ترمذی و حسن گفته است او را و ابن حبان
در صحیح خود از ثوبان مرفوعا هر زنیکه سوال کرد از شوهر خود طلاق را از غیر ضرورت پس
حرام ست بر وی بوی جنت باب در بیان آنچه آمده است در دیوث روایت است
از ابن عمر مرفوعا سه شخص اند که داخل نشوند به بهشت آزار دهنده مادر و پدر و دیوث و
زنان مشابهت کنندگان با مردان روایت کرده است این را ... هریره ...
باک ندارد بآنکس که داخل شود بر زن او و رجله آن زن ست که مشابهت کنند با مردان ...
باب در ظلم بر زن روایت کرده است طبرانی از راویان ثقه آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم
فرمود هر مردی که به نکاح گرفت زنی را به کم از مهر یا بسیار نباشد در دل او آنکه ادا
کند او را حق وی ملاقات کند خدا را او زناکننده باشد باب در اشارت کردن
بسلاح برای بازی روایت ست از ابوهریره که گفت اشارت نکند یکی از شما بسلاح
برادر خود پس هر آئینه وی نمیداند شاید که شیطان بکشد آنرا از دست او پس بیفتد در حفره
از آتش و مسلم راست ... برادر خود با آهنی پس هر آئینه فرشتگان
لعنت میگویند او را تا آنکه ... برادر او از پدر او و مادر او
و مر ترمذی راست نهی کرد ... آنکه ... شمشیر ...
... از ابو ... آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم گذشت ...
... فرمود ... لعنت کند خدا ...

بکر رسوا کنند او [illegible] دوست [illegible]

دید آدمی مسلمان او در جاگه کم میشود در آن آبروی وی او [illegible] در عزت وی

خدا او در جاگه دوست میدارد در آن [illegible] خود را باب در برادری مسلمان و [illegible]

مسلمان و قول خدای تعالی انما المومنان برادرانند پس صلح کنید در میان دو برادر

آیة و قول خدای تعالی تواضع کنندگان برادر مسلمانان زبردست بر کافران و در

اگر بودمی که بگیرمی از اهل زمین دوستی را البته بگیرمی ابوبکر را دوست و لیکن برادری

بهتر است و روایت است از ابو موسی مرفوعا که مومن برای مومن مانند عمارت است

بعض وی بعضی را [illegible] روایت کرده است این را صحیحین و در صحیحین است از نعمان بن بشیر

که مومنان در دوستی ایشان باهم و مهربانی ایشان باهم [illegible] مانند بدن

دردمند شود [illegible] اندامی [illegible] باهم او را تمام بدن [illegible] روایت است از ابو [illegible]

که حسد نکنید باهم و با غمت نکنید بر خریدن باهم و دشمنی [illegible] باهم و بیع نکنید [illegible]

بیع بعضی و شوید بندگان خدا برادران مسلمان [illegible] حقیر نداند او را

برروی و رسوا نکند او را پرهیزگاری در اینجا است [illegible] خود [illegible]

بس است از بدی آنکه حقیر داند برادر مسلمان خود را هر چیز مسلمان [illegible] حرام است خون وی و مال وی

آبروی وی روایت کرده است این حدیث را مسلم و در صحیحین است [illegible] مرفوعا

برادر مسلمانست ستم نکند بر وی و رسوا نکند او [illegible] و کسیکه باشد در کار برادر خود باشد خدا

کار او و کسیکه بردارد از مسلمانی غمی را [illegible] غمی از غمهای آخرت و کسی

عیب پوشی مسلمان کند بپوشد الله عیبهای [illegible] بخاری و مسلم [illegible] است از انس

مرفوعا که مومن نمیشود یکی از شما تا آنکه دوست

و در صحیحین است از انس مرفوعا [illegible] خود را ظالم باشد [illegible]

[illegible] مظلوم [illegible]